



ثروت غارت شده

داستان ثروت
غارت شده
زنان ایران

فهرست مطالب

توانمندسازی زنان و دختران ایران

- ۳ خلاصه اجرایی
- ۴ استعمار و پیامدهای شدید فقر بر زنان و دختران
- ۶ پدیده غم انگیز کودکان کار
- ۷ چهار دهه سوء مدیریت دولت

ثروتهای غارت شده

- ۹ اقتصاد ایران تحت چنبره اختاپوس سپاه
- ۱۵ گرسنگی و نانی که نیست
- ۱۸ زنان هدف اول تازیانه فقر
- ۱۹ بیکاری زنان
- ۲۰ زنان کارگر
- ۲۵ پرستاران
- ۲۶ معلمان
- ۳۱ بی نواترین سرپرستان خانوار و هزار درد ناگفته
- ۳۵ خانه ای که رویاست
- ۴۱ کودکان کار
- ۴۳ هیولای فقر جهش وار فربه می شود

دارایی های به سرقت رفته زنان ایران

- ۴۹ حاشیه نشینی و بازگشت به غارنشینی
- ۵۳ زندگی خشک و آرزوی آب
- ۵۵ ساختمانهای فرسوده و خدمات در سایه مرگ
- ۶۰ بهداشت و درمان
- ۶۳ راههای فرسوده و صعب العبور



کتاب ثروت غارت شده


حق انتشار محفوظ


کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران


تمامی حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این نشریه را نمی توان به هیچ شکل یا به هر وسیله الکترونیکی یا مکانیکی، اعم از فتوکپی، ضبط، یا هر گونه سیستم ذخیره و بازیابی اطلاعات، بدون اجازه کتبی ناشر، تکثیر یا منتقل کرد.

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران
اسفند ۱۴۰۲

ISBN: 978-2-35822-019-4

 women.ncr-iran.org/fa

 @womenncri

 @womenncri

خلاصه اجرایی

و پتانسیل اقتصادی مردم ایران به طور نامتناسبی به سمت حمایت و تقویت سپاه پاسداران هدایت می‌شود که به صورت یک تاثیر منفی از هر لحاظ تلقی می‌شود.

آیا اقتصاد کشور در حال فروپاشی است؟

تورم سرسام آور غذا، حمل و نقل، بهداشت، مسکن و آب و برق از جمله مشکلاتی است که همه هر روز با آن دست به گریبان هستند. نرخ واقعی تورم نامشخص است زیرا برخی می‌گویند بیش از ۴۰ درصد است، در حالی که برخی دیگر از جمله مقامات دولتی استدلال می‌کنند که بسیار بالاتر است و برخی این رقم را بالای ۱۰۰ درصد می‌دانند. بیش از نیمی از جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و حدود ۳۰ میلیون نفر در ایران در فقر مطلق به سر می‌برند، به این معنی که افراد فاقد حداقل درآمد لازم، برای خرید نیازهای ضروری مانند غذا، سرپناه، پوشاک و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی هستند.

نمونه‌هایی از افزایش قیمت در کالاهای غذایی ضروری مانند روغن مایع (۲۹۴٪)، پیاز (۲۲۲٪)، ماکارونی (۱۳۹٪)، انواع سس (۱۰۵٪)، رشته فرنگی (۱۰۰٪)، کره (۹۲٪) دیده می‌شود. خیار و موز (تقریباً ۹۰٪)، تخم مرغ و گوشت مرغ (حدود ۸۲٪)، شیر (۷۹٪) و برنج (بیش از ۷۹٪). قیمت نان در استان‌های مختلف کشور به طور مکرر در حال افزایش است. وزیر اقتصاد در گزارشی که در آبان ماه سال ۱۴۰۲ توسط روزنامه جهان صنعت منتشر شد، فاش ساخت که مصرف نان در بین اقشار مختلف جامعه تا ۴۰ درصد کاهش

ایران کشوری است که دارای ثروت و منابع فراوانی است، اما با این حال در بین بدترین اقتصادهای جهان قرار دارد. نگاهی به زندگی زنان ایرانی و عموم مردم نشان می‌دهد که رژیم حاکم با اجرا و رعایت موازین بین‌المللی و استانداردهای قرن بیست و یکم ناسازگار است. به دلیل فساد گسترده و سوءمدیریت مقامات دولتی، ایران با تورم جدی، فقر مطلق، بیکاری بالا، شکاف طبقاتی رو به افزایش، شکاف فقر بالا و افزایش قیمت‌ها مواجه است که نشان دهنده بحران جدیدی در اقتصاد است. این چالش‌های ناشی از سیاست‌های مخرب رژیم، تأثیرات نگران‌کننده بر کل جمعیت، به‌ویژه خانواده‌ها، زنان و کودکان داشته است. در نتیجه تصمیمات فاجعه‌بار رژیم، مردم ایران به دنیای تاریک فقر و تهی‌دستی سوق داده شده‌اند. هر روز که می‌گذرد، زنان ایرانی خود را در حال فرود بیشتر در شرایطی می‌یابند که به طور استعاری به عنوان شرایط چالش برانگیز تحمیل شده توسط آخوند‌های حاکم توصیف می‌شود. وضعیتی که به اصطلاح به عنوان یک "جهنم سوزان" توصیف می‌شود.

در نظر داشتن علت شکست اقتصادی بسیار مهم است. بررسی فقر زنان در ایران مستلزم درک این است که سیاست‌های دولت بر حفظ تداوم خود متمرکز است. محور قدرت رژیم دیکتاتوری در سپاه پاسداران نهفته است که عمیقاً درگیر سرکوب داخلی و تروریسم باصطلاح بین‌المللی است. به عبارت دیگر، رژیم از سرکوب داخلی علیه مردم خود و جنگ افروزی در منطقه به عنوان وسیله‌ای برای تسلط بر قدرت استفاده می‌کند. منابع، ثروت

سیاست‌های رژیم ایران نه بر توانمندسازی زنان بلکه بر حفظ تداوم خود می‌باشد. منابع، ثروت و پتانسیل اقتصادی مردم ایران به طور نامتناسبی به سمت حمایت و تقویت سپاه پاسداران هدایت می‌شود که به صورت یک تاثیر منفی از هر لحاظ تلقی می‌شود.

توانمندسازی زنان و دختران ایران

تم سال شصت و هشتمین دور از اجلاس کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد به موضوع اولویت «تسریع در دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران با پرداختن به فقر و تقویت نهادها و تأمین مالی با دیدگاه جنسیتی و بررسی نتایج عملکرد کشورها در زمینه "سیستم‌های حمایت اجتماعی، دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های پایدار برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران" اختصاص دارد.



هدف تقویت سیستم‌هایی است که به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران کمک می‌کنند.

این اجلاس همچنین نتیجه‌گیری‌های توافق شده اجلاس شصت و سوم درباره «سیستم‌های حمایت اجتماعی، دسترسی به خدمات عمومی و پایداری زیرساخت‌ها برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران» را مرور می‌کند.

۶۸مین اجلاس کمیسیون مقام زن

تسریع دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران با تمرکز روی فقر و تقویت نهادها و تأمین مالی با در نظر گرفتن ابعاد جنسیتی.

یافته است که نشان دهنده چالش های بیشتر مردم است. اقلام غذایی حیاتی نیز تحت تأثیر قرار می گیرند که منجر به کاهش مصرف گوشت و لبنیات می شود. افزایش قیمت ها و شرایط کلی، زندگی را برای یک ایرانی معمولی بسا سخت تر کرده است.

اثرات فقر منجر به کاهش مصرف کالری به ویژه در کالری با کیفیت شده است. رئیس مؤسسه تحقیقات غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی بهشتی، به شیوع بیماری های غدد و متابولیسم در ایران اشاره کرد. منابع دیگر نشان می دهند که نزدیک به ۶۰ درصد از جمعیت ایران از جمله بیش از ۱۴ میلیون کودک، دچار سوء تغذیه هستند. به گفته حسین راغفر، کارشناس اقتصادی، اقتصاد کشور به سمت سقوط پیش می رود.

استثمار و پیامدهای شدید فقر بر زنان و دختران

فقر در ایران در نتیجه سیاست های مخرب رژیم آخوند ها عواقب بسیار دردناکی برای زنان و دختران دارد. زنان با وجود بیش از هشت ساعت کار در روز پشت چرخهای خیاطی در محیط های پر سر و صدا و چالش برانگیز، فشارهای فیزیکی از جمله درد کمر و آرتروز گردن را تحمل می کنند. دستمزد های پایین، همراه با شرایط سخت کاری، به وضعیتی منجر می شود که حتی یک ماه کامل کار کردن بدون وقفه، در آمد ماهانه ای معادل حداقل دستمزد برای یک کارگر به همراه ندارد. این امر آنها را چندین مدار زیر خط فقر قرار می دهد. زنان با تبعیض در محل کار رو به رو می شوند که منجر به دریافت حقوق کمتر و فرصت های محدود می شود. به عنوان مثال، گزارشی از وب سایت ۹۹ حقوق دولتی، تفاوت در نرخ اشتغال بین مردان و زنان در شرکت ها و سازمان های دولتی را برجسته می کند. در حالی که نرخ اشتغال مردان در این واحدها ۷۴ درصد است، تنها ۲۶ درصد از زنان شاغل هستند. زنان همچنین ساعات کار طولانی را تحمل می کنند که گاهی اوقات بیش از ۱۲ ساعت در روز است و در قیاس با مردان تنها ۶۰ درصد از حقوق آنان را دریافت می کنند. این سیاست آنها را به وضعیت ناپایدار

معیشتی وارد می کند و آنها را مجبور به پذیرش شغل های کوتاه مدت و پاره وقت با طولانی ترین ساعات کاری می کند. مقایسه با کشورهایمانند ایالات متحده، تفاوت در دستمزد مالی پرستاران را نشان می دهد. داده ها نشان می دهد که پرستاران در ایران به اندازه کافی برای کار خود دستمزد دریافت نمی کنند. به عنوان مثال، در حالی که یک پرستار در ایالات متحده ممکن است برای هفت ساعت کار چهار هزار دلار دریافت کند، پرستاران ایرانی به طرز حیرت انگیزی برای ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار فقط حدود ۱۲۰ دلار دریافت می کنند که گاهی حتی به ۲۰ ساعت در روز هم می رسد. بیانیه سخنگوی انجمن صنفی معلمان نشان دهنده نوع دیگری از نابرابری اقتصادی موجود است. میانگین سقف حقوق معلمان در حال حاضر بین ۷ تا ۹ میلیون تومان است. اما خط فقر بالای ۲۰ میلیون تومان برآورد شده است. از جمله مشکلات دیگر برای زنان می توان به عدم وجود تدابیر ایمنی در محیط کار اشاره کرد. مسعود حیدری،

مدیر عامل خبرگزاری دولتی ایلنا، صریحاً اذعان می کند که شرایط کار کارگران ایرانی به طور قابل توجهی فاقد استانداردهای بین المللی، تدابیر ایمنی ضروری و تجهیزات لازم است. به ویژه در زمینه های خدماتی، که در آن زنان عمدتاً شاغل هستند، خطر حوادث بیشتر است. حوادث غم انگیز، مانند آتش سوزی در کارگاه ها یا حوادث مربوط به ماشین های برش پارچه، منجر به صدمات شدید، از جمله از دست دادن دست و پا یا گاهی اوقات منجر به مرگ می شود. یک روند نگران کننده ظاهر می شود که در آن برخی از کارفرمایان به ظاهر از شرایط خطرناک آگاه هستند، به دنبال گرفتن تضمین از کارگران هستند. این عمل غیراخلاقی، کارفرما را از مسئولیت در صورت بروز حوادث مبرا می کند، و بار ناخواسته ای را بر دوش کارگرانی قرار می دهد که اغلب بدون حمایت مناسب با عواقب جسمی و عاطفی کنار می آیند. یکی از اعضای سابق شورای حل اختلاف کار نیز جنبه ناراحت کننده ای از چشم انداز قانونی، که کارگران زن را



تحت تأثیر قرار می دهد روشن کرد. در صورت بروز حادثه ای ناگوار، بسیاری از زنان در وضعیت پرمخاطره قرار می گیرند و به دلیل عدم پوشش بیمه، قابلیت پیگیری قانونی برای آنها امکان پذیر نمی شود. همچنین زنان سرپرست خانوار با مشکلات زیادی روبرو هستند. به دلیل عواملی مانند کاهش امنیت شغلی، کمترین درآمد متوسط و افزایش ناامنی اقتصادی در میان زنان تحت حاکمیت آخوندها، بار تورم در سال های اخیر به طور نامتناسبی بر دوش زنان سرپرست خانوار بوده است. خبرگزاری حکومتی رکنا در گزارشی به پیامدهای « موج تورم بر زنان سرپرست خانوار» اشاره می کند که در شرایط کنونی بطور حیرت انگیزی ۴۰ درصد زنان سرپرست خانوار در ایران که معادل یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر هستند، خود را زیر خط فقر می بینند. این آمار واضح، بیانگر چالش های اقتصادی شدیدی است که بخش قابل توجهی از خانواده ها با سرپرست زن در کشور با آن مواجه هستند. می توان نتیجه گرفت که تحت این نظام و شرایط ناعادلانه، زنان متوجه بیشترین استثمار می شوند.

با این حال، دنیای ناگوار فقر برای زنان در ایران بسیار عمیقتر است. این وضعیت، زنان و دختران را به کودک کار، ازدواج های اجباری، ازدواج کودکان، رابطه با مردان مسن و قاچاق زنان سوق داده است. دختران جوان مجبور به ترک تحصیل و اشتغال به کار از سنین پایین می شوند. برخی برای اینکه بتوانند برای مدت بسیار کوتاهی گذران زندگی کنند، حتی به فروش اعضای بدن یا موهای خود متوسل می شوند.

فاجعه هولناک دیگر ناشی از فقر، رواج پدیده فروش کودکان و نوزادان است. یک فعال حقوق کودکان ماجرای دلخراشی را که در ایران توسط مردی معتاد رخ داد به اشتراک گذاشت. او همسرش را سه بار مجبور به بارداری کرد و متعاقباً نوزادان تازه متولد شده را به افرادی فروخت که برای این زن کاملاً غریبه بودند. وقتی همان زن به دنبال جلوگیری از بارداری بعدی بود و به بیمارستان مراجعه کرد، به او گفته شد که به اجازه شوهرش نیاز دارد.

زنان حتی گاهی اوقات نوزادان خود را پیش از تولد می فروشند. این اقدامات که رژیم در آن نقش دارد نه تنها غیراخلاقی بلکه غیرقانونی و نقض فاحش حقوق بشر است.

پدیده غم انگیز کودکان کار، خوابیدن در خیابان‌ها و فروش کلیه و سایر اعضای بدن

استثمار و مشارکت زنان و کودکان بی بضاعت در جمع آوری زباله، جلوه دردناکی از چالش‌های اجتماعی و اقتصادی است. گفته می‌شود تنها در تهران حدود ۴۵۰۰ کودک کار در بخش جمع آوری زباله مشغول به کار هستند. به دلیل فقر، بسیاری از کودکان در سراسر ایران مجبور به ترک تحصیل می‌شوند تا در شرایط غیرانسانی و غیربهداشتی کار کنند.

فقر برای بی‌خانمان‌ها و حتی کودکان و زنان چاره‌ای جز کارتن‌خوابی در خیابان‌ها، قبرها، زیر پل‌ها و اتوبوس‌ها باقی نگذاشته است. احمد علوی، عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران، «پدیده جدیدی» را برجسته کرد که در آن «افراد غیر معتاد» در مسیرهای شبانه در اتوبوس‌های بارت می‌خوابند. به گفته مسئولان شهرداری تهران، این افراد «ظاهر قانونی دارند و معتاد به مواد مخدر نیستند، حتی شاغل هستند.» این افراد که قادر به پرداخت

هزینه‌های کرایه خانه یا مهمان‌خانه نیستند، به «انتخاب اتوبوس برای خواب» متوسل می‌شوند زیرا در شب‌های سرد یک گزینه «ایمن و گرم» را فراهم می‌کند. افرادی که اعضای بدن خود را برای درآمد کم می‌فروشند، یکی دیگر از پدیده‌های وحشتناک و تکان‌دهنده‌ای است که سال‌هاست در ایران جریان دارد. این افراد از روی فقر و برای اینکه بتوانند کمی بیشتر زنده بمانند به این گزینه روی می‌آورند. گزارش روزنامه جهان صنعت در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۴۰۲ حاکی از افزایش نگران‌کننده موارد مراجعه افراد به فروش اعضای بدن مانند کلیه، کبد، مغز استخوان، قرنیه چشم و غیره است. اشاره به بازار شناخته شده کلیه در تهران که به فروش سایر اعضای بدن نیز گسترش یافته است، حکایت از شدت مشکلات اقتصادی است که مردم این کشور با آن مواجه هستند. خودکشی افزایش یافته و بسیار رایج شده است. تنها در هجده روز پایانی ماه مرداد ۱۴۰۲، حداقل ۱۳ مورد خودکشی نوجوانان زیر ۱۸ سال تنها در استان کردستان به ثبت رسیده است. دو دختر ۱۲ ساله اهل دیواندره و سردشت از جمله این افراد هستند.



کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

چهار دهه سوء مدیریت دولت و ترس آخوندها از یک قیام دیگر

هنگامی که مردم ایران به طور مسالمت آمیز سعی می‌کنند نظر خود را در برابر شرایط غیرقابل تحملی که رژیم آنها را مجبور به آن کرده است ابراز کنند، به سرعت با خشونت مواجه می‌شوند. رژیم با ضرب و شتم، اخراج، آزار و اذیت، شکنجه و/یا دستگیری به خواسته‌های آنها پاسخ می‌دهد. بازنشستگان، معلمان، پرستاران و اقشار مختلف در ایران همواره در سازماندهی اعتراضات در بسیاری از استان‌های کشور فعال بوده‌اند. علیرغم سرکوب شدید، این واقعیت که آنها با توجه به این شرایط، حاضر به اعتراض هستند، نشان‌دهنده شدت نارضایتی آنهاست. فریاد برای حقوقشان که نگرانی میلیون‌ها کارگر، فقیر و افراد بازنشسته را بازتاب می‌دهد، احساسات گسترده تری را در مورد چالش‌های اقتصادی و نارضایتی از سیستم فعلی نشان می‌دهد.

این متن فقط نوک کوه یخ را بررسی می‌کند. بیش از چهار دهه فساد و سوء مدیریت دولتی باعث فقر گسترده و فلاکت کامل برای مردم ایران شده است. و اما در مورد زنان، از یک سو با تبعیض، شکاف جنسیتی، ساعات کاری بیش از حد، دستمزدهای ناکافی و نابرابر، شرایط کاری ناعادلانه، و کمبود تدابیر ایمنی مواجه هستند، از سوی دیگر، از روی فقر، با فروش اعضا و اندام‌های بدن خود یا فروختن فرزندان خود مواجه هستند یا اینکه در شب‌های سرد زمستان در یک کارتن در بیرون می‌خوابند یا از روی ناامیدی خودکشی می‌کنند. بدون شک این شرایط تنها محدود به زنان نمی‌شود، زیرا میلیون‌ها نفر در ایران با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و در شرایط مطلق غیرانسانی و غیرقابل تحمل زندگی می‌کنند.

ریشه کثرت فقر یکی از وعده‌های توخالی رئیس‌جمهور فعلی، ابراهیم رئیسی بود. اطلاعات، داده‌ها و آمار ثابت کرده است که وضعیت در واقع بدتر شده است و امروز کشور با بحران شدید اقتصادی مواجه است.

در ایران امروزی، تعداد فزاینده‌ای از نمایندگان مجلس و مقامات رژیم به وضعیت نگران‌کننده اقتصادی اعتراف کرده‌اند که چگونه می‌تواند منجر به فوران اعتراضات

ضد دولتی شود. به عنوان مثال، محمد باقری بنائی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با صراحت نگرانی خود را بیان کرده و به ترس از احتمال فوران خشم عمومی اشاره کرده است.

بنائی هشدار داد که افزایش خط فقر و گسترش جمعیت زیر خط فقر در ایران «ممکن است در آینده نه چندان دور» به «مسائل اجتماعی و سیاسی» منجر شود. روزنامه حکومتی جمهوری نیز تأکید کرد: «مردم از شعار شنیدن‌ها خسته شده‌اند و برای مثال ذره‌ای عمل دلتنگی می‌کنند. فکر نکنید صبر مردم بی‌پایان است. از روزی بترسید که لشکر گرسنگان علیه شما قیام کنند.» این روزنامه در ادامه می‌گوید: «آنچه مردم حاضر نیستند تحمل کنند تبعیض است. مردم نمی‌پذیرند در کشوری با اینهمه ثروت و امکانات، عده‌ای به آلاف و الوف برسند و میلیون‌ها خانواده شاهد تقسیم فقر میان خودشان باشند...» ایران در سال‌های گذشته شاهد خیزش‌های گسترده سراسری در حمایت از آزادی و علیه بدتر شدن شرایط اقتصادی بوده است. آخرین قیام بزرگ در شهریور ۱۴۰۱ شروع شد و به مدت شش ماه ادامه یافت. مردم ایران به خوبی می‌دانند که تا زمانی که این دیکتاتوری بر سر قدرت است، بدبختی و رنج نیز وجود خواهد داشت. پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از جهنم آخوند ساخته که با سرکوب وحشیانه علیه هر صدای مخالفی همراه بود، مردم شجاع ایران مصمم به غلبه بر دیوار سرکوب برای برقراری آزادی، عدالت، حقوق بشر و برابری جنسیتی هستند.

ثروت های غارت شده

بررسی پیشرفت های اجتماعی بخصوص در موضوع خاص زنان، در ایران تحت حاکمیت آخوندهای دیکتاتور و زن ستیز امری بغرنج است. اگر طی دهه های اخیر، فقط مقاومت ایران بود که فریاد می زد، این رژیم با جامعه بین الملل و معیارهای قرن ۲۱ سازگاری ندارد و به هیچ عنوان مردم ایران را نمایندگی نمی کند، امروزه همه کسانی که جویای حقیقتند در سالهای اخیر به چشم دیدند که ملایان چگونه در داخل اعتراضات به حق مردم در قیام های اخیر را وحشیانه سرکوب کردند و در خارج با سوخت رسانی و پشتیبانی از نیروهای تروریست باعث جنگ خونین غزه گردیدند.



مردم و بخصوص زنان ایرانی

هر روز به عمق سوزان تری از جهنم ساخته و پرداخته ملایان سقوط می کنند.

این جزوه با تکیه به آمارها و گزارشاتی که در سانه های حکومتی به ثبت رسیده و طبعاً گویای عمق فاجعه نیست نشان می دهد که تا روزی که آخوندها بر کشور تروتمند ایران حکومت می کنند، نه تنها هیچ پیشرفتی برای زنان متصور نیست.

اقتصاد ایران تحت چنبره اختاپوس سپاه تروریستی پاسداران

جان می بازد

برای بررسی فقر زنان در ایران باید آگاه باشیم که حکومت ایران سیاستش را نه بر اساس توانمندسازی زنان بلکه تنها و تنها بر اساس ادامه حکومت خود تنظیم می کند. نیروی تحکیم این رژیم در هر پایه سرکوب داخلی و تروریسم بین المللی، سپاه پاسداران است. از اینجاست که تمام ثروت مردم ایران با تمام منابع و اقتصاد آن، صرف حفظ و نیروبخشی به این نیروی جنایتکار می شود. طبعاً هر چه رژیم خطر سرنگونی را نزدیکتر ببیند، بیشتر و بیشتر به تقویت این نیروی جهنمی می پردازد.

پاسدار سعید محمد فرمانده وقت قرارگاه خاتم روز ۱۰ دی ۹۸ تنها در مورد دخالت های همین قرارگاه در اقتصاد ایران به شبکه حکومتی خبر گفت: این «قرارگاه حدود ۳۵ درصد تولید بنزین کشور، ۲۰ درصد تولید گاز شیرین، ۲۲ درصد تولید گازوییل، ۳۲ درصد خطوط انتقال نفت و گاز کشور، ۵۰ درصد مخازن سد های کشور در قالب ۶۲ سد و ... در حیطه پروژه هایی است که قرارگاه خاتم انجام داده» است!

یک سایت رژیم درباره رابطه این قرارگاه با دولت گفته است: «رابطه قرارگاه سازندگی با دولت همیشه یکی از چالشهای مهم این نهاد قدرتمند بوده» و افزوده بود این

کارنامه سال اول دولت رئیسی



دولت رئیسی در کمتر از دو سال، به مبلغ **۳۱۱** هزار میلیارد تومان، اوراق مالی بدون پشتوانه منتشر کرده است

قرارگاه «۳۰ هزار میلیارد تومان از دولت طلبکار است»^۱! یعنی قدرتی دارد که برای دولت تدارکاتچی روحانی، شاخ‌وشانه می‌کشد و چالش ایجاد می‌کند و به گفته خودشان یک دهم هم از بودجه سالانه کل کشور طلبکار است!

نشریه اقتصادی فوربس عملکرد اقتصادی ۱۷۷ کشور را بررسی کرده و قرقیزستان، سوازیلند، نیکاراگوئه و ایران در رتبه‌های هفتم تا دهم بدترین اقتصاد های جهان قرار گرفته‌اند. این گزارش بر اساس میانگین آمارهای سه ساله در خصوص رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و تولید ناخالص داخلی سرانه به اضافه تراز حساب‌های جاری تعیین شده است. بر اساس آمارهای سازمان بین‌المللی انرژی، ایران ۱۰ درصد ذخایر کشف شده نفت را در اختیار دارد. اما اقتصاد ایران با سوء مدیریت، افزایش نقش دولت در فعالیت های بزرگ صنعتی و اقتصادی و تحریم ها روبه‌رو است.^۲

عبدالناصر همتی رئیس کل سابق بانک مرکزی در یک کنگره حزبی فاش ساخت که در یک سال گذشته ماهی ۲۳ هزار میلیارد تومان پول در کشور چاپ شده است. وی افزوده است: «دولت ها در ایران عادت کرده‌اند خرجشان بیشتر از دخلشان باشد و این یعنی با خلق نقدینگی کشور را اداره می‌کنند. در حقیقت ناترازی دولت و بانک ها و صندوق های بازنشستگی همگی نتیجه‌ی بالا بودن خرج نسبت به دخل است»^۳.

همتی در آستانه دومین سالگرد انتصاب رئیسی جلاد، یک جمع‌بندی کوتاه از کارنامه اقتصادی وی را بدین صورت منتشر کرد که: چاپ پول ۸۳٪، نقدینگی ۷۳٪، قیمت دلار ۹۵٪، قیمت سکه ۱۶۲٪ و شاخص قیمت‌ها ۱۱۴٪ رشد داشته‌اند.^۴

نوبخت رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه رژیم نیز اعتراف کرد که دولت رئیسی جلاد در کمتر از دو سال، بیش از هشت سال دولت قبلی، اوراق مالی بدون پشتوانه به مبلغ ۳۱۱ هزار میلیارد تومان منتشر کرده است.^۵

در سال ۱۴۰۰ و سال ۱۴۰۱ میزان رشد گروه کشاورزی و افزایش افزوده کشاورزی منهای سه ممیز شش در سال ۱۴۰۰ و منهای چهار ممیز چهار دهم درصد در سال ۱۴۰۱ بود.

رفاه خانوارهای ایرانی در دهه اخیر با افت قابل توجهی همراه بوده است. رکود بنگاه های تولیدی، کاهش سرعت رشد اقتصادی، افزایش تورم و عقبگرد درآمد سرانه فاکتورهای مهم تاثیرگذار بر رفاه مردم هستند. در فاصله سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ شاهد ۳ برابر شدن فقر مطلق در ایران بوده‌ایم. مطابق با آمارهای داخلی درآمد سرانه ایرانی ها از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ با عقبگرد ۳۰ درصدی همراه بوده است. تورم قله ۴۰ درصدی را فتح کرده و ارزش افزوده حوزه های صنعتی و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی با کاهش همراه بوده است. هرچند توسعه نیافتگی به مساله‌ای ثابت در اقتصاد ایران در دهه های گذشته تبدیل شده است، با این حال آمارها از افزایش سرعت عقب ماندگی ایران از سال های دهه ۹۰ خبر می دهند.

آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی نشان می دهد که نرخ تورم در ایران از سال ۲۰۱۲، به طور مستمر در حال افزایش بوده است. در حالی که رقم این شاخص در سال ۲۰۱۲ برابر با ۱۹ درصد بوده، در سال ۲۰۲۰ به ۴۰/۶ درصد صعود کرد.^۶

این درحالی است که غلامرضا نوری قزلجه، نماینده مجلس گفت: «مسئولان مدام می گویند تورم ۴۰ درصد است، این در حالی است که می بینیم تورم ۱۲۰ درصد است. بازی کردن با این اعداد و رقم ها چیزی نیست که بر مردم پوشیده باشد»^۸.

آلبرت بغوزیان، کارشناس اقتصادی نیز می گوید: به طور مرتب چند سال پشت سر هم تورم بالای ۴۰ درصد را در کشور تجربه کرده ایم و جمع آن امروز به بیش از صد درصد رسیده و قدرت خرید حقوق بگیرانی که هر سال چند درصد به دستمزدهایشان افزوده شده به بیش از نصف تنزل پیدا کرده است.

بغوزیان ادامه داد: «در این شرایط تعدادی هم هستند که با تورم موجود موج سواری می کنند. اما آیا کسی به دلیل تصمیمات غلطی که تاکنون در کشور گرفته شده توییح شده یا اصلاً مورد پرسش قرار گرفته است؟»^۹

کاهش درآمد ایرانیان و افزایش تورم در سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰



قیمت اقلام مورد نیاز مردم تا ۳۰۰٪ گران شده اند

حسین راغفر، اقتصاددان حکومتی نیز گفت: دولت تا الان هیچ برنامه‌ای برای حل مسائل اقتصادی کشور نداشته و چیزی که به نام برنامه هفتم توسعه کشور به مجلس ارائه شده ضعیف ترین برنامه ای است که در طول تاریخ برنامه ریزی کشور تدوین شده است. با این برنامه خوش بینانه ترین پیش بینی ها، تورم ۴۰ درصد در سال جاری است. با توجه به افزایش قیمت ارز که خود دولت در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ انجام داده حداقل تورم روی این عدد پیش بینی می شود. این تورم بسیار بزرگ است.^{۱۲}

روزنامه حکومتی اعتماد ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ با انتشار یک اینفوگرافی، نشان داد که قیمت اقلام مورد نیاز مردم از ۱۰۰ درصد تا ۳۰۰ درصد و بیشتر افزایش داشته است.^{۱۰} فرشاد مؤمنی استاد اقتصاد می گوید: «ادعاهایی که با عنوان رفع فقر و ایجاد اشتغال و از این قبیل مسائل مطرح می شود، جزء بزرگترین خطاها و خیانت هایی است که به دین خدا، مملکت، مردم و به ویژه محرومان و مستضعفان صورت می گیرد!»

این اظهارات در شرایطی مطرح می شود که برای اولین بار در تاریخ اقتصادی ۱۰۰ ساله گذشته ایران، دوره زمانی ۲ برابر شدن اندازه جمعیت فقیر در ایران، به کمتر از ۳ سال رسیده است! اما با این حال نه فهمی از توسعه بروز داده می شود و نه دغدغه ای نشان می دهند. از آنجا که در مناسبات فاسد رانتهی، پشت به کیفیت و توسعه داشته ایم، اشتغال های ما قادر به برطرف کردن فقر نیست. ۸۹ درصد فقرای ایران را شاغلین و بازنشستگان سابق و فعلی، تشکیل می دهند.^{۱۱}

محمدرضا جعفریان، مشاور مالیاتی اتاق اصناف در تهران می‌گوید: «ساعتی ۴۲۰ میلیارد تومان اسکناس چاپ می‌شود و تورم ایجاد می‌کنند و از تورم مالیات می‌گیرند. در حالی که ۷۰ درصد تورم ایجاد کرده‌اند به کارمند ۲۵ درصد افزایش حقوق داده‌اند. متأسفانه در ۴۰ سال اخیر این روند ادامه داشته است. نمی‌دانیم مالیاتها کجا خرج می‌شود. دولت گزارش نمی‌دهد که این پولها کجا می‌رود. دولت دو دستی دستش را در جیب مردم کرده است.»^{۱۳}

از سوی دیگر شکاف فقر که فاصله فقرا تا خط فقر را اندازه‌گیری می‌کند، در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به بالاترین مقدار خود یعنی حدود ۲۷ درصد رسیده است. این گزارش نشان می‌دهد که افراد بالای خط فقر هم به خط فقر نزدیک شده‌اند. در سال ۱۴۰۰ به نسبت سال ۱۳۹۰ جمعیت فقرا حدود ۱۱ میلیون نفر افزایش پیدا کرده است.^{۱۴}

آخرین آمارهای بیکاری مربوط به تابستان سال ۱۴۰۱ فرصت محاسبه شاخص فلاکت را که از مجموع نرخ تورم و بیکاری محاسبه می‌شود فراهم کرده است، این شاخص در بالاترین میزان خود قرار گرفته و به رقمی معادل ۵۲.۹ رسیده است. این شاخص در یک اقتصاد سالم رقمی معادل ۶ تا ۷ را باید شامل شود در حالی که طی چند دهه اخیر در ایران این رقم به خاطر تورم لجام گسیخته همیشه بالای ۲۰ بوده است و در رکورد تاریخی خود در تابستان ۱۴۰۱ به رقم ۵۲.۹ رسیده است.^{۱۵}

براساس تازه‌ترین برآوردها، تورم نقطه به نقطه در فروردین ماه ۱۴۰۲ به ۶۸.۷ درصد رسیده و در یک قدمی ۷۰ درصد قرار دارد. این بیشترین تورم ثبت شده در حداقل ۳۲ سال اخیر بوده است.^{۱۶}

در چنین اقتصاد فاسدی فاصله طبقاتی بیداد می‌کند. وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی رژیم درآمد و هزینه و درآمد خانواده شهر در سطوح مختلف در سال ۱۴۰۱ را منتشر کرد. خالص درآمد یک خانوار فقیر در دهک اول طی سال گذشته ۴۲ میلیون و ۴۴۳ هزار تومان بوده، در حالی که خالص درآمد یک خانواده ثروتمند در دهک دهم ۴۲۴ میلیون و ۶۲۲ هزار و ۱۰۰ تومان برآورد شده است. کمترین میزان درآمد به کارکنان فامیلی بدون مزد مشخص و افراد غیرشاغل اختصاص داشته است که بیشتر زنان ایران در این گروه قرار می‌گیرند.^{۱۷}

حسین راغفر در جای دیگری می‌گوید: «در سایر کشورهای دنیا رفاه مردم را بدون درآمد های نفتی هم فراهم کرده‌اند و با اخذ مالیات از صاحبان درآمد، اقتصادی فعال و پویا را به وجود آورده‌اند. افرادی که باید مالیات را تثبیت کنند همان افرادی هستند که باید مالیات بدهند و قاعدتاً چنین اتفاقی در کشور نخواهد افتاد، بنابراین با چنین سیستمی نمی‌توان وضعیت فعلی توزیع درآمد را ساماندهی کرد.»^{۱۸}

حمید رضا حاجی بابایی نماینده مجلس نیز اعتراف می‌کند: «تا زمانی که اقتصاد در دست دولت است تورم توسط هیچ دولتی مهار نخواهد شد اقتصاد باید در اختیار مردم قرار بگیرد. دولت باید دست خودش را از روی صنعت خودرو بردارد تا رقابت پذیر شود تا رانت خواران کنار بکشند.»

احمد علیرضاییگی نماینده دیگر مجلس رژیم نیز می‌گوید: «این اتفاقات نشان می‌دهد اقتصاد ما بیمار است. این بیماری به این برمی‌گردد که اجازه رقابت وجود ندارد. با توجه به قدرت نرم افزای که دولت دارد که مرز و گمرک در اختیارش است و تعرفه می‌بیند، طبیعتاً یک بازار انحصاری برای جماعتی ایجاد شده و اینجا حقوق مردم ضایع می‌شود.»^{۱۹}

۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر



زنان زیر خط فقر

اش اما بنابر برآورد رسانه های حکومتی این بود که در دو سال حکومت او دستکم ۱۸ میلیون نفر به آمار افراد زیر خط فقر اضافه شده‌اند.^{۲۱}

خط فقر در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ به میزان ۵۰ درصد جهش کرده است.^{۲۲}

با وجود تورم افسار گسیخته، دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۲، رقم افزایش حقوق شاغلان و بازنشستگان زیرمجموعه خود را فقط ۲۰ درصد در نظر گرفت و نمایندگان مجلس همین افزایش ناچیز را تأیید نکردند. بازنشستگان بارها مقابل دفاتر صندوق بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کرده و می‌گویند حقوق ما را به خط فقر برسانید، چرا بعد از سی سال باید نصف خط فقر حقوق داشته باشیم؟^{۲۳}

یک دهه کاهش در درآمد سرانه باعث شده تا از سال ۱۳۹۷ به بعد فاصله غیر فقرا هم با خط فقر کم و کمتر شود. این بدین معناست که فقر به سایر گروه های مختلف با ویژگی های مختلف تسری پیدا کرده است. یعنی خانوارهای بالای خط فقر و حول و حوش خط فقر هم

«خط فقر» سطحی از درآمد است که حداقل نیازهای ضروری زندگی یک خانوار را تأمین کند و درآمد پایین تر از خط فقر نیز «فقر مطلق» خوانده می‌شود که خانوارها و افراد از حداقل درآمد برای تأمین نیازهای اولیه زندگی محروم هستند.

روزنامه «جهان صنعت» در مرداد ۱۴۰۱ از سه برابر شدن نسبت جمعیت فقرای ایران از زمان وقوع انقلاب بهمین ۵۷ خبر داد. این گزارش با تیتراژ «نیم قرن اشتباه» می‌گوید در سال ۱۳۵۷ حدود ۲۰ درصد از ایرانیان زیر خط فقر قرار داشتند اما این میزان در سال ۱۳۶۸ و پایان جنگ (ایران و عراق) به حدود ۴۰ درصد رسید و در پایان قرن ۱۳ در سال ۱۴۰۰، میزان جمعیت زیر خط فقر به حدود ۵۲ درصد رسیده است. در سال جاری (۱۴۰۱) حدود ۶۰ درصد از افراد جامعه در زیر خط فقر هستند و بخش عمده ای از آنها زیر خط فلاکت قرار دارند.^{۲۰}

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور فعلی حکومت آخوندی وعده ریشه کن کردن فقر مطلق در ایران را داده بود. نتیجه

به لحاظ رفاهی و درآمدی تفاوت چندانی با خانوارهای زیر خط فقر ندارند. افزایش ۵۵ درصدی در خط فقر سال ۱۴۰۱ به معنای افزایش ۶۰۰ هزار تومانی در خط فقر یک خانواده ۳ نفره در تهران در سال ۱۴۰۱ است. برای مثال ۵ درصد افزایش در خط فقر در سال ۱۴۰۰ بیش از حدود ۲۸۵ میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر اضافه کرد.^{۲۴} اما تنها طی سه سال اخیر، جمعیت زیر خط فقر ایران، دوبرابر شده است.^{۲۵} سایت حکومتی کبنا ۱ آبان ۱۴۰۱ خط فقر را برای یک خانواده چهار نفره ۱۸ میلیون تومان تخمین زده است.^{۲۶} سایت حکومتی خبر آنلاین در آبانماه ۱۴۰۱ اعلام کرد که بیش از ۶۵ میلیون نفر از مردم ایران زیر خط فقر هستند.^{۲۷} در حالیکه ۶۰ درصد از فقرا، فعالیت اقتصادی داشته و کار می کنند.^{۲۸} هر چند آمار فوق بیانگر فاجعه است اما باید یادآور شد که در سالهای قبل رسانه های حکومتی از جمله انصاف نیوز اعلام کرده بودند که تا آن زمان ۷۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر روزگار می گذرانند.^{۲۹} حداقل دستمزد کارگران با احتساب تمام مزایا، از یک سوم خط فقر در تهران پایین تر است. در جریان مذاکرات مزدی ۱۴۰۲، نمایندگان دولت و کارفرمایان راضی نشدند ارقام گروه کارگری برای خط فقر که در آن زمان بسیار حداقلی و ۱۸ میلیون تومان بود را به عنوان نرخ حداقلی سبد معیشت خانوارهای کارگری بپذیرند و در نهایت، مزد و مزایای روی هم رفته ۹ میلیون تومان تعیین شد. حال آنکه یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورا، میزان خط فقر در تهران را ۳۰ میلیون تومان عنوان کرد.^{۳۰} مرتضی افقه، استاد اقتصاد توسعه گفت: «در ادبیات ایران، ما در کنار خط فقر بار تکفل را نیز داریم به این معنا که خانوارهای زیادی هستند که جوانان آنها به دلیل نبود شغل از پدر ارتزاق می کنند و به عبارت دیگر رقم بار تکفل نیز بالا رفته است.»^{۳۱} با این وجود باید در نظر داشت که آمارهای ارائه شده توسط ارگانهای حکومتی همگی متأثر از فساد فراگیری است که بر ساختار حکومت مستولی است و همین هم باعث تناقض های آماری فراوان در گزارشات این ارگانها می شود.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

به عنوان مثال، شهاب نادری، نماینده مجلس در سال ۹۶ فاش ساخته بود که ۸۰ درصد از جامعه ایران زیر خط فقر زندگی می کنند.^{۳۲}

محمد صادق مشایخ رئیس کمیسیون توسعه بازرگانی بنیاد امید ایرانیان نیز در آذرماه ۱۴۰۱ گفته بود، بین ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم ایران کم تر از ۱۰ میلیون تومان درآمد دارند که همین مسئله باعث می شود فقر تغذیه و فقر غذایی بر معیشت خانوارهای ایران حاکم شود که به حتم تأثیر این فقر بر زنان و کودکان بیشتر است.^{۳۳}

محسن پیرهادی، نایب رئیس کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه اعتراف کرد: «سقوط اقتصادی برخی اقشار جامعه در یک دهه اخیر» به «رشد حاشیه نشینی، افزایش آمار اعتیاد، فساد، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ و زنانه شدن چهره آسیب های اجتماعی» و پیامدهای دیگر منجر شده است.^{۳۴}



افزایش قیمت خوراکی ها در سال ۱۴۰۲

بالا رفتن هزینه کالاهای اساسی



گرسنگی و نانی که نیست

روغن مایع بیشتر از ۲۹۴ درصد، پیاز ۲۲۲ درصد، ماکارونی ۱۳۹ درصد، انواع سس ۱۰۵ درصد، رشته ی آش ۱۰۰ درصد، کره ۹۲ درصد، خیار و موز حدود ۹۰ درصد، تخم مرغ و گوشت مرغ حدود ۸۲ درصد، شیر ۷۹ درصد، و برنج بیش از ۷۹ درصد افزایش قیمت داشته اند. همچنین قیمت ماست ۷۰ درصد، هویج و سیب حدود ۵۸ درصد، ماهی حدود ۴۹ درصد، شکر ۴۴ درصد و لوبیا و نخود نیز بیش از ۳۸ درصد افزایش یافته است.

در مناطق مرکزی تهران هر دانه تخم مرغ پنج هزار تومان، هر کیلو مرغ با استخوان صد هزار تومان، هر کیلو گوشت گوسفند حداقل ۶۰۰ هزار تومان^{۳۷} و گوشت گوساله ۷۵۰ هزار تومان^{۳۸} به فروش می رسد. حتی تن ماهی از سفره مردم حذف شده است چرا که هر قوطی ۱۸۰ گرمی آن ۱۰۵ هزار تومان به فروش می رسد.^{۳۹}

افزایش شدید تورم مواد غذایی، حمل و نقل، بهداشت و درمان، مسکن و آب و برق حاکی از بروز بحران جدیدی

تورم در ایران به حدی رسیده است که یک فعال کارگری در شهریور سال ۱۴۰۲ میگوید، سبد معیشتی با در نظر گرفتن حداقلی ترین معیارها، به ۱۹ میلیون ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. اما اگر هزینه های مسکن را در محاسبه دخیل کنیم سبد معیشت در تهران بیش از ۲۳ میلیون تومان است در حالیکه، حداقل دستمزد یک کارگر با همه مزایا بین ۷ تا ۹ میلیون تومان است.^{۳۵} باید در نظر داشت که اکثر زنان شاغل در شغل های غیر رسمی کار می کنند و حقوقی که دریافت می کنند از همین حداقل حقوق هم به مراتب کمتر است.

مرکز آمار حکومتی، تورم نقطه به نقطه در تابستان ۱۴۰۰ را ۵۴ درصد اعلام کرده اما این میزان در گروه خوراکی ها به ۹۰ درصد هم رسید.^{۳۶} گرانی مواد غذایی در سال ۱۴۰۲ به اوج دیگری رسید. هر چند دولت انتشار آمارهای رسمی اقتصادی از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار را محدود کرده است، اما آمارهای میدانی نشان می دهد که قیمت

در اقتصاد ایران است و شمار بیشتری از مردم را مجبور به حذف اقلام مورد نیاز، از سبد معیشتی خود می‌کند.^{۴۰} برای مثال، میانگین مصرف گوشت قرمز در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ بیش از ۴۰ درصد کم شده است. در یک دهه‌ی اخیر، مصرف گوشت مرغ به طور میانگین بیش از ۱۰ درصد افت کرده است.^{۴۱}

مهدی سروی، از مشاوران اقتصادی دولت، اعلام کرد سرانه مصرف گوشت قرمز برای هر نفر در ۳ دهک پایین جامعه، حدود ۷۰۰ گرم در یکسال است. یعنی عمده مردم که حقوق بگیران و کارگران باشند، در طول سال یک کیلو گوشت هم نمی‌توانند مصرف کنند.^{۴۲}

محمدرضا بنی‌طبا سخنگوی صنایع لبنی ایران اعلام کرد سرانه مصرف شیر در دنیا برای هر نفر حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ لیتر در سال است ولی در ایران سرانه مصرف لبنیات برای هر نفر، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حدود ۷۰ لیتر است.^{۴۳} طبق آمار مرکز آمار ایران در انتهای سال گذشته، مصرف گوشت ایرانیان از ۱۳ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۶ کیلو در سال ۱۴۰۰ رسیده و این آمار طی یکسال از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ برای دهک‌های پایین به زیر ۳ کیلوگرم کاهش یافته است.^{۴۴}

نگاهی به مصرف خوراک خانوار سه اتفاق به طور همزمان را نشان می‌دهد؛ اول افزایش سهم خوراک از کل هزینه‌های خانوار، یعنی مردم آنقدر فقیرند که نمی‌توانند سایر نیازهای خود و خانواده‌شان را تامین کنند، دوم کاهش کل خوراک خانوار و سوم کاهش کیفیت کالری دریافتی خانوار.^{۴۵} شواهد آماری نشان می‌دهد که انرژی دریافتی خانوارهای ایرانی در دهه گذشته به کمتر از ۲۰۰۰ کالری رسیده است.^{۴۶} آنهم کالری موجود در اقلام ارزان و کم‌کیفیت.^{۴۷}

در تیرماه ۱۴۰۲ حتی قیمت نان هم افزایش یافت. در مشهد قیمت نان بربری از ۱۱۵۰ تومان با افزایش حدود ۴۳ درصدی در یک هفته، به ۱۶۵۰ تومان رسید و نان لواش با افزایش حدود ۲۴ درصدی ۵۲۵ تومان شد.^{۴۸} رئیس اتحادیه نان مشهد گفت: افزایش قیمت نان در دست اتحادیه و مسئولان مشهدی نیست و از طرف پایتخت چنین تصمیمی گرفته شده است.^{۴۹}

در همان روزها، فرماندار رژیم در شیراز نیز اعلام کرد، در استان نان لواش دانه ای ۴۵۰ تومان، به ۶۰۰ تومان رسیده و به همین ترتیب نان سنگک، نان تافتون و نان بربری افزایش

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

قیمت داشته است.» غلامحسین اسلامی صدر سرپرست فرمانداری رژیم در قزوین از افزایش قیمت ۲۰ تا ۲۵ درصدی انواع نان‌ها در این استان خبر داد.^{۵۰}

محمد برزعلی رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان نیز صبح پنجشنبه ۱۲ مرداد در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت، از این پس قیمت نان سنگک با وزن ۶۰۰ گرم هر عدد ۹ هزار تومان، بربری با وزن ۵۰۰ گرم هر عدد ۷ هزار و ۵۰۰ تومان و تافتون با وزن ۲۰۰ گرم هر عدد ۴ هزار تومان خواهد بود.^{۵۱} در پی افزایش قیمت نان، خرید «نان نصفه» رواج پیدا کرد.^{۵۲}

سایت حکومتی اقتصاد ۲۴ روز ۱۵ مرداد ۱۴۰۲ ضمن اعلام اینکه نان در تهران از اواخر مرداد حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد افزایش پیدا می‌کند از قول معاون استاندار پایتخت نوشت، «قرار است افزایش نرخ نان به صورت آزمایشی از شهرستانها شروع شده و در تهران از اواخر مردادماه گران شود.» افزایش قیمت نان تحت عنوان «متناسب‌سازی» صورت گرفت. حال آن که احمد وحیدی، وزیر کشور رژیم مدعی شد «در دولت چیزی با عنوان افزایش قیمت نان نداشتیم».^{۵۳} افت کالری مصرفی، بخصوص کالری‌های با کیفیت، سلامت مردم را به شدت به خطر انداخته است. عزیزی رئیس پژوهشکده غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی بهشتی به شایعترین بیماری‌های غدد درون ریز و متابولیسم اشاره کرد و گفت: چاقی، دیابت، چربی خون، بیماری‌های تیروئید و پوکی استخوان از شایعترین بیماری‌های حوزه غدد درون ریز و متابولیسم در ایران به حساب می‌آیند. حدود ۶۰ درصد از افراد بالای ۲۰ سال جامعه



بحران سوء تغذیه در ایران



مبتلا به اضافه وزن و چاقی هستند. در تهران این رقم به ۷۰ درصد می‌رسد. از اصلی‌ترین دلایل شیوع چاقی را باید تغذیه نامناسب و به خصوص حذف مواد غذایی پروتئینی و ویتامینها و مواد مغذی کافی و لبنیات دانست.

این چاقی شکمی عامل مهمی در پیدایش بیماری‌های قلبی و عروقی است. بین ۵۰ تا ۷۰ درصد زنان مبتلا به کمبود ویتامین D هستند و همین موضوع هم عاملی برای افزایش پوکی استخوان است.

وسایت نود اقتصادی در ۲۰ تیر ماه سال جاری از قول هادی موسوی نیک، مدیرکل سابق مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نوشت که ۵۷ درصد از جمعیت ایران سوء تغذیه دارند. ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک از جمله ۱۰ میلیون کودک زیر ۱۲ سال در این شمار هستند.

مطهره محمدی پزشک و فعال اجتماعی در مورد فقر غذایی زنان گفت: تعداد کمی از زنانی که دچار فقر غذایی هستند در مراکز استانها حضور دارند و بیشتر این افراد در شهرستان‌ها، حاشیه شهر و شهرهای کوچک زندگی می‌کنند که به دلیل همین مسئله بدنشان از ایمنی کمی برخوردار است. خیلی از این افراد بدلیل بارداری متعدد و فرزندان زیاد دچار پوکی استخوان، خرابی دندان و آرتروزهای مختلف می‌شوند. زنان به خاطر همین فقر غذایی دچار پیری زودرس نیز هستند. وقتی کوله باری از مشکلات روی دوش زنان است و فقر غذایی نیز تاثیرات منفی روی آنها می‌گذارد این زنان خیلی زود پیر می‌شوند. به عبارتی یک زن ۲۰ ساله در چنین شرایطی با گذشت چند سال ظاهری شبیه زنان ۴۰ ساله به خود می‌گیرد یا یک زن ۴۰ ساله را

وقتی می‌بینید، گویی یک پیرزن ۶۰ ساله را دیده‌اید.^{۵۴} یک نماینده مجلس رژیم گفت: بسیاری از جوانان نان شب خودشان را نمی‌توانند پیدا کنند، حال اینها ازدواج کنند چگونه خانه با این کرایه‌ها پیدا کنند؟ وی ضمن اذعان به عدم پاسخگویی مقامات حاکم گفت: یک تصمیمی گرفته می‌شود بعد عوارض آن را جامعه مشاهده می‌کند و هیچ کس هم پاسخگو نیست و بعد هم ما تقصیرات را گردن خارجی‌ها می‌اندازیم.^{۵۵}

آش دزدی و چپاول آخوندها آنچنان شور است که روزنامه حکومتی جهان صنعت در ۷ آبان ۱۴۰۲ نوشت: معیشت مردم بازبچه دست مسئولانی شده که فارغ از دستمزد‌های ناچیز و اندک قشرهای ضعیف، دوسال روی کار آمدن دولت سیزدهم به اذعان وزیر اقتصاد مصرف نان در میان اقشار جامعه کاهش ۴۰ درصدی داشته است.

حسین راغفر، کارشناس حکومتی می‌گوید: با شرایط ایجاد شده در کشور، اقتصاد نظام به سمت فروپاشی سیر می‌کند. فاصله طبقاتی به وجود آمده، خطرناکترین ظرفیت برای آسیبهای روحی، روانی و اجتماعی است. همه دولتها سعی می‌کنند واقعیت‌ها را پنهان کنند و آمار ساختگی به مردم ارائه دهند. اما امروز بیش از هر زمان دیگری مردم اطلاعات غلط را نمی‌پذیرند؛ چرا که می‌توانند بهترین معیار برای بررسی صحت و سقم ادعاهای مقامات رسمی را در سفره زندگی خود، رصد کنند. وی هشدار داد: نباید زمینه تحولات با عنوان «خیزش عربی» را که با خودسوزی یک دستفروش آغاز شد، فراموش کرد! این شرایط می‌تواند برای کشور ما خطرناک باشد.^{۵۶}

زنان هدف اول تازیانه فقر

با بالا رفتن خط فقر شرایط برای زنان بسیار سخت تر می شود. درآمد بیشتر زنان از حداقل حقوق ۹ میلیونی هم پایین تر است. مرکز آمار رژیم، نرخ بیکاری زنان را دو برابر مردان اعلام کرده است و این عدد اساساً زنان جویای کار را شامل می شود و نه بیکاری در بین همه زنان از جمله زنان خانه دار. آنها برای پرداخت هزینه های درمان و توانبخشی با چالش بزرگی روبرو هستند. حتی ۲۹ درصد زنان شاغل نیز، درآمدشان ماهانه کمتر از یک میلیون تومان است که در تورم کنونی کفاف هیچ چیزشان را نمی دهد.^{۵۷}

سمیه گلپور رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن صنفی کارگران در سال ۱۴۰۰ ضمن تأیید این موضوع گفت: آمار رسمی اعلام می کند که خط فقر بین ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان است. در این شرایط وحشتناک بعضی زنان کارگر زیر یک میلیون تومان دریافت می کنند و این گروه در پایین ترین دهک درآمدی جامعه قرار گرفته اند.^{۵۸} یک گزارش درونی کمیته امداد خمینی نشان می دهد که تنها در تهران بزرگ، با ۱۲-۱۳ میلیون جمعیت، حدود نیم میلیون زن سرپرست خانوار با درآمد ماهیانه کمتر از ۱ میلیون تومان روزگار می گذرانند.^{۵۹}

سیاست های زن ستیزانه حکومتی در کنار چپاولگری و بحران اقتصادی، به سرعت در حال فقیرسازی زنان ایران و محرومیت روز افزون آنها از «بهداشت، تحصیل و کار» است و وجود تبعیض در بازار کار به معنای دستمزد کمتر از مردان و محدود بودن امکانات برخورداری آنها از خدمات رفاهی و حتی بغرنج کردن مدیریت مسئولیت های خانگی برای آنان است. این چرخه مشکلاتی است که زنان ایران روزمره تجربه می کنند. همه این مشکلات علاوه بر وضعیت اقتصادی و فقر عمومی، حاصل قانون اساسی و قوانین کار آخوند ساخته است که زنان را درجه دو و وابسته به مردان نگاه می دارد.

بخش های پنهان تر و دردناک تر این گرداب آخوند ساخته، ازدواج های اجباری و کودک همسری، ازدواج با مردان مسن، فروش و قاچاق زنان، مجبور شدن دختران به ترک تحصیل و کار از سنین پایین است که برای بسیاری به

زباله گردی و تکدی گری، فروش اعضای بدن یا موی سر و نهایتاً در افتادن به باتلاق فساد ختم می شود. صبا سعادت جو، کارشناس حکومتی تصویری نسبتاً گویا از وضعیت زنان ارائه می دهد؛ حدود ۴۵ درصد زنان بالای ۵۰ سال مجرد (مجرد، مطلقه یا بیوه) هستند. درآمد بازنشستگی زنان از مردان کمتر است. سطح استاندارد زندگی زنان بعد از طلاق ۷۳ درصد کاهش پیدا می کند. ۸ درصد زنان بیوه در ایران در فقر زندگی می کنند.

این در حالی است که طبق آخرین گزارش مرکز آمار ایران، بیش از ۳۰ درصد ازدواج ها به طلاق ختم می شود و یکی از عمده ترین دلایل طلاق، شرایط مالی است. زنان ایرانی از بسیاری از خدمات بیمه ای محروم هستند. حتی بیمه زنان خانه دار که ظاهراً با هدف توانمند سازی آنها طراحی شده است، تنها سنین بین ۱۸ تا ۵۰ سال را پوشش می دهد.

مریم ۵۳ ساله است او ازدواج نکرده و دچار بیماری خلقی است و پس از جدایی برادرش از همسرش او سرپرستی برادرزاده اش را برعهده گرفته است. به همین دلیل پدرش مانع ازدواج او می شود. اکنون که برادرزاده اش ازدواج کرده منزل پدری مریم را به اسم برادرزاده اش ثبت کرده اند و به مریم اجازه داده اند تا هنگام مرگ در یکی از اتاقها زندگی کند! او سهمی از منزل پدری خود ندارد و برای گذران زندگی به زباله گردی و فروش کارتون روی آورده است. او می گوید: «روزانه صبح زود بیدار می شوم. معمولاً وسایل پلاستیکی و کارتونهای لای زباله ها را جدا می کنم و بعد آنها را می فروشم و از طریق این کار می توانم خوراکی بخرم. تحت پوشش بهزیستی هستم ولی پول آن کم است حتی نمی توانم با پول بهزیستی و یارانه دندانهای شکسته ام را خوب کنم.»^{۶۰}

بیکاری زنان

اما یکی از اعضای هیأت مدیره کانون عالی کار رژیم گفت عمده ۶ میلیون نفر کارگران زیرزمینی که بیکار شدند زنان بودند. آنها که بدون بیمه با حقوق کمتر از ۲ میلیون تومان مشغول به کار بودند.^{۶۱}

براساس آمارهای مرکز آمار ایران، در پایان سال ۱۴۰۰ از ۲۳ میلیون و ۴۴۷ هزار شاغل در کشور، حدود ۸۵ درصد (۱۹ میلیون و ۹۳۲ هزار) شاغل مرد و ۳ میلیون و ۵۱۵ هزار نفر شاغل زن بوده اند. مقایسه آمار اشتغال، زنان ایران از سال ۱۳۸۴ تا کنون نشان می دهد این تعداد شاغل زن کمترین مقدار اشتغال زنان نسبت به سال های ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و ۹۹ است. پس از شیوع ویروس کرونا در کشور ۸۳۰ هزار نفر از جمعیت شاغلان زن کاسته شده است.^{۶۲}

بر اساس تازه ترین گزارش سالانه بانک جهانی با عنوان «زنان، تجارت و قانون» که به وضعیت قوانین مربوط به کسب و کار زنان می پردازد، رتبه رژیم ایران در میان ۱۹۰ کشور جهان در ردیف پنجم از آخر قرار گرفته است. در این گزارش که در ۱۲ اسفند ۱۴۰۱ منتشر شده است، با اشاره به اعتراضات زنان ایرانی برای رهایی از تبعیض جنسیتی و داشتن حقوق برابر با مردان در فضای کسب و کار، امتیاز رژیم ایران در رابطه با سه شاخص مربوط به زنان شامل قوانین محدودکننده آزادی سفر، قوانین محدودکننده آزادی تعیین محل کار و محدودیتهای قانونی مربوط به ازدواج، صفر می باشد. در این گزارش، همچنین تغییرات و اصلاحات مربوط به بهبود قوانین در فضای کسب و کار زنان از سال ۱۹۷۰ میلادی به بعد، نشان می دهد که رژیم ایران طی ۵۳ سال گذشته تنها ۲ امتیاز کسب کرده است و از نظر دستمزد و دیگر قوانین حاکم بر محیط کار هم در رده بدترین کشورهای جهان است.

بعد از شیوع کرونا در ایران، نرخ بیکاری رسمی زنان در سال ۹۹ حدود ۹ برابر مردان بود. بنا بر آمار رسمی بیش از یک میلیون زن بعد از شیوع کرونا کار خود را از دست دادند.



@maniranam01

زنان کارگر استثمار شده ترین استثمار شدگان

این گونه سیاست ها است که باعث به وجود آمدن شکاف جنسیتی در پرداخت حقوق می شود این امر زنان را به شغل هایی با در آمد پایین و شرایط کاری غیر استاندارد سقوط می دهد.

در شرایط اقتصادی که حکومت آخوندی ایجاد کرده است، حتی یک پزشک متخصص پوست، که در بیمارستان کار می کند و همزمان به تدریس در دانشگاه مشغول است، اگر وابسته به حکومت نباشند با مزیغه روزگار می گذرانند. پرستاران و معلمان زیر خط فقر زندگی می کنند و اعتراضات مستمر آنها هم راه به جایی نمی برد.

این در حالی است که در ایران، تنها ۷۳۵ زن به عنوان مدیرعامل و ۲ هزار و ۳۰۰ نفر هم عضو هیأت مدیره هستند. بقیه اغلب در سطح کارگر مشغول به کارند. با این چشم انداز نگاهی می اندازیم به زندگی و شرایط کار زنان کارگر.^{۶۵}

هیچ آمار دقیقی از تعداد کارگران زن در ایران وجود ندارد آماری هم که گفته می شود صرفاً برای کارگرانی است

یکی از دلایل فقر زنان نبود فرصت های شغلی و تبعیض نهادینه شده در استخدام است. بر اساس گزارش سایت حکومتی حقوق ۹۹، میزان استخدام آقایان در شرکت ها و سازمان های دولتی ۷۴ درصد است و این در حالی است که تنها ۲۶ درصد از خانم ها در شرکت های دولتی استخدام شده اند.^{۶۳} یکی از بزرگترین مشکلاتی که زنان با آن رو به رو هستند این است که با وجود تحصیل کرده بودن و داشتن مهارت و تخصص در رشته های مختلف در آن جایی که باید قرار بگیرند قرار ندارند و یا صرفاً به عنوان یک کارگر ساده از آنها استفاده می شود خیلی از این خانمها در رشته های مدیریتی و رشته هایی که مربوط به کار، صنعت و اشتغال است می توانند ورود کنند و نگاه تخصصی داشته باشند، ولی ترجیح کارفرما ها این است که در سطوح بالاتر از خانمها استفاده نکنند اصولاً در سطوح پایین از زنان استفاده می شود و مجبور می شوند آن دانشی که دارند بایگانی کنند و در نهایت می بینیم در مشاغل کار می کنند که اصلاً به دانش و مهارت آنها ارتباطی ندارد.^{۶۴}

چالش های پیش روی زنان

در ایران



که تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی، تشکلهای کارگری و انجمن های صنفی هستند، اما باید گفت بانوان کارگر بسیاری هستند که نه بیمه دارند و نه قراردادی که نشان از کار کردن آنها در کارگاهی بدهد، نه عضو تشکل های کارگری هستند. در میان زنان کارگری که با مشکلات بسیاری مانند نداشتن قرارداد یا قرارداد بسیار موقت ۳۰ روزه و ۹۰ روزه، مشکلات مالی و نداشتن بیمه و کارهای سخت مواجه هستند زنانی را داریم که سرپرستی یک خانواده را به عهده دارند و تنها نان آور خانواده هستند و هیچ راهی جز تن دادن به قراردادهای کوتاه مدت و دادن چک و سفته برای به دست آوردن و نگه داشتن شغل خود ندارند. تعداد زنان کارگری که در مشاغل دولتی کار می کنند به نسبت آنهايي که در مشاغل غیر رسمی فعالیت می کنند بسیار کمتر است. نبود امنیت شغلی باعث می شود زنان کارگر همیشه نگرانی از دست دادن شغل خود را داشته باشند.^{۶۶}

یک کارگر زن در صنایع پوشاک می گوید: اینها روزانه به ما ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان پول میدهند. اصلاً حقوق ماهیانه نداریم. اگه روزی مریض بشویم یا نتوانیم سر کار بیاییم، خبری از پول نیست.

آنها برای همین حقوق پایین، روزانه بیشتر از هشت ساعت در روز پشت چرخ های خیاطی و زیر نظارت سر کارگرها کار می کنند. همزمان صدای گوش خراش صد ها چرخ خیاطی و کمردرد و آرتروز گردن را تحمل می کنند در حالیکه حتی اگر ۳۰ روز هفته را بدون مرخصی کار کنند باز هم به اندازه ۹ میلیون تومان که حد اقل دستمزد کارگر بوده و خود چند مدار زیر خط فقر است، حقوق نمی گیرند. در همین صنعت، مردان ماهانه تا ۱۰ میلیون تومان حقوق می گیرند که البته آن هم زیر خط فقر است.^{۶۷} دیلان مام قادری لیسانس کامپیوتر دارد و در یک پست بانک کار می کند او می گوید: «من حدود شش ماه است در این پست بانک کار می کنم و از حقوق خود اصلاً راضی نیستم اما مجبورم اینجا کار کنم چون کار دیگری پیدا نمی کنم و اینجا حداقل بیمه ام می کنند. حقوقم سه میلیون و نیم است و با کسر هزینه رفت و آمد و تاکسی حدود دو میلیون و نیم برایم می ماند که در این گرانی پول یک دست لباس هم نیست اما خانواده ام اصرار دارند از خانه نشینی و

کار نداشتن بهتر است. قبلاً ۴ ساعت در روز در دفتر یک وکیل کار می کردم که دو میلیون تومان حقوق می گرفتم اما بعداً متوجه شدم صاحب کارم در قبال افزایش حقوق از من خواهسته هایی فراتر از وظایفم دارد. خیلی وقتها که جایی کار می کنی صاحب کار فکر می کند تمام وجود تو باید برای او کار کند.^{۶۸}

حقوق بسیاری از زنان کارگر در ماه به ۳ میلیون تومان هم نمی رسد اما به دلیل شدت فقر مجبورند در چنین اشتغال های نا امنی که هر روز ممکن است آخرین روز آن باشد کار کنند.

خطرات کار غیر استاندارد هم کم نیست. زنان کارگر علاوه بر حوادث شناخته شده مثل سقوط از ارتفاع، نقص عضو و آسیب های اسکلتی و عضلانی، با مشکلات هورمونی و اختلالات روانی هم مواجهند. آنان در شرکت های دارویی یا نظافتی، به صورت مستمر در معرض آلاینده های شیمیایی و هورمونی قرار می گیرند. آلاینده های شیمیایی، ریه هایشان و آلاینده های هورمونی هم، سیستم فیزیولوژیکی بدنشان را تهدید می کند.

ولی طارانی، فعال کارگری می گوید: «در کارخانه های تولید محصولات دارویی و بهداشتی، آلاینده های صوتی و محیطی، زنان کارگر را در معرض آسیب های جدی قرار داده. در منطقه سلفچگان هم هزاران زن در حال کار هستند، اما طبقه بندی مشاغل برای آنها لحاظ نمی شود و مزایایی هم ندارند به ویژه در بخش بسته بندی که زنان کارگر بیشتر هستند.

به گفته طارانی، آلاینده های شیمیایی، مشکلات تنفسی و ریوی برای کارگران به وجود می آورد، اما این مسئله درباره آلاینده های هورمونی آسیب زاتر است و اختلالات روحی - روانی هم به آنها وارد می کند: «گاهی دیده می شود که کارگران زن به دلیل قرار داشتن در معرض این آلاینده های هورمونی با افزایش تستسترون مواجه می شوند و مشکلات جنسی پیدا می کنند. ذرات معلق در هوا از طریق پوست، جذب بدن این کارگران می شود.

همین چند وقت پیش، کارگر زنی را داشتیم که صورتش شبیه مردان پر از ریش شده بود، یا کارگر زنی که دیگر حالت های زنانه نداشت. این عوارض در شرکت های تولیدکننده داروهای هورمونی و شیمیایی وجود دارد و

بحث سلامت کارگران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این خطر هم وجود دارد که بدن این افراد، دچار عفونت شود و اگر به موقع درمان نشود، احتمال بروز غده سرطانی در آن‌ها وجود دارد.^{۶۹}

علیرضا حیدری، عضو کمیته بیمه و درمان اتحادیه پیشکسوتان کارگری می‌گوید: در صنایع پوشاک، به دلیل اینکه استانداردهای شغلی رعایت نمی‌شود آسیب‌های ارگونومی به زنان وارد می‌شود. برای زنان قالیباف به دلیل رعایت نشدن استانداردها، بیماری‌های اسکلتی و مفصل رخ می‌دهد و سایر مشاغل خدماتی هم همین شرایط را دارند.^{۷۰} سنور قادری یک زن کارگر چهل ساله است. همسرش خانه را ترک کرده است و بدون اینکه او را طلاق دهد رفته است و سنور برای تامین مخارج زندگی اش خانه‌های مردم را تمیز می‌کند و ساعتی با پنجاه هزار تومان کار می‌کند. او می‌گوید: این کار خیلی سخت است و به دیسک کمر و گردن مبتلا شده‌ام و بیمه ندارم ولی برای تامین زندگی خودم و بچه‌هایم مجبور هستم کار کنم و به خانه‌های مردم سرزنم و برای آنها آشپزی کنم، یا فرش بشورم و خانه‌های مردم را تمیز کنم.^{۷۱}

زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک، نه بیمه دارند و نه سرویس رفت و آمد و غذا. در نبود نظارت‌های بازرسی از سوی وزارت کار و سهل‌انگاری کارفرما، آسیب‌های شغلی‌شان هر روز بیشتر از قبل می‌شود و حتی برای عبور از سرما هم ممکن است جانشان را از دست بدهند.^{۷۲} آذرماه ۱۴۰۱، خودروی ون حامل زنان کارگر سردخانه بهار، در بروجن، دچار آتش‌سوزی شد و جان ۵ کارگر زن را گرفت. آن‌ها به دلیل نبود امکانات گرمایشی، در سرویس گاز پیک نیک روشن کرده بودند و با آتش‌سوزی و قفل شدن در، سوختند و جان‌شان را از دست دادند.

۱۰ دی همان سال نیز منابع کارگری از مرگ یک زن در کارخانه‌ای واقع در شهرک صنعتی خضرآباد یزد، به علت غرق شدن در حوضچه آب خیر دادند. متأسفانه به دلیل بی‌صدایی این گروه از کارگران و نبود تشکل‌های غیر دولتی کارگری، عمده این حوادث بازگو نمی‌شوند.^{۷۳}

مسعود حیدری، مدیرعامل خبرگزاری حکومتی ایلنا اذعان می‌کند، وضعیت کارگران ایرانی با استانداردهای جهانی تفاوت بسیاری دارد و تجهیزات و ایمنی لازم در اختیارشان

قرار داده نمی‌شود. زنان بیشتر در حوزه‌های خدماتی به کار گرفته می‌شوند. آتش‌سوزی‌هایی که گاهی در این کارگاه‌ها رخ می‌دهد یا حوادث ناشی از کار با دستگاه‌های برش پارچه از جمله این حوادث هستند. مواردی که باعث می‌شود آنها دست یا بخشی از اعضای بدنشان را از دست بدهند که گاهی منجر به مرگ هم می‌شود. در برخی موارد دیده می‌شود که کارفرما تضامینی از این کارگران می‌گیرد تا هیچ مسئولیتی متوجه او هنگام بروز حوادث نباشد.^{۷۳}

رفعت الملوک و کیلی عضو سابق شوراهای حل اختلاف کارگری توضیح می‌دهد که زنان در صورت بروز حادثه به هیچ عنوان نمی‌توانند پیگیر قانونی باشند، چون بیمه نیستند. در قانون هم اثبات مزد و سابقه باید از سوی کارگر انجام شود، اما این کارگران نه فیش حقوقی دارند، نه پرداخت بانکی از سوی کارفرما. حقوقشان را نقدی دریافت می‌کنند. حتی همکاران این کارگران هم برای از دست ندادن شغلشان در این باره حمایت نمی‌کنند و پاسخگو نیستند. این کارگران عمدتاً پول حق الزحمه و کیل را هم ندارند.^{۷۴}

با همه سختی‌ها، همیشه اولین قربانیان از دست دادن مشاغل همین گروه‌ها هستند، بدون برخورداری از مزایای بیکاری، خدمات درمانی و سالمندی. استعمار پنهان زنان کارگر در ایران، سود بزرگی برای کارفرما به همراه دارد. زنان گاهی بالاتر از ۱۲ ساعت کار می‌کنند و ۶۰ درصد حقوق مردان را می‌گیرند، سیاستی که آن‌ها را به پایین‌ترین سطح معیشتی هل می‌دهد و برای عبور از چنین مشکلاتی، تن به کارهای کوتاه مدت و پاره وقت با بیشترین ساعت کاری می‌دهند. آنها تحت پوشش قانون کار نیستند و زنان به دلیل نبود همین قانون، حق اعتراض ندارند، چون به راحتی حذف می‌شوند.

عمده کارگران زن در کارخانه‌های بزرگ نیز به دلیل وضعیت بخرنج اقتصادی، تعطیلی کارخانه و یا تعدیل نیرو، اخراج شده‌اند.

کارفرمایان در شرکت‌های پیمانی مثلاً در کارهای خدماتی مثل نظافتچی شرکت‌ها یا خانه‌ها با کارگران زن قرارداد‌های مدت‌دار می‌بندند و به‌طور موقت یا دائمی، بخشی از درآمد کار آن‌ها را تصاحب می‌کنند. طارانی توضیح می‌دهد: قراردادهای این کارگران سفید امضاست و شامل هیچ حق و حقوقی نمی‌شود. زمان استخدام هم اطلاعات

کافی از خطرات، به کارگران داده نمی‌شود و عمده آن‌ها از آسیبی که با آن مواجهند، بی‌خبرند.

زنان کارگر همیشه محروم بوده‌اند و حالا محرومیت‌هایشان چند برابر هم شده و کیلی می‌گوید: آسیب جدی این مسئله متوجه کارگران به ویژه زنان است. ۹۰ درصد این زنان خود سرپرست هستند و مشکلات اقتصادی زیادی دارند. وی ادامه می‌دهد: زنان کارگر شاغل در بخش خصوصی حتی برای زایمان هم در معرض انواع آسیب و استرس زیاد هستند چرا که نمی‌دانند پس از وضع حمل هنوز شاغل خواهند بود یا خیر. در بیشتر موارد، کارفرما کارگر دیگری را جایگزین آن‌ها می‌کند.

و کیلی همچنین می‌گوید: ۴ میلیون زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد. این افراد مجبور به قبول کارهای بدون مزایا با شرایط سخت هستند؛ چرا که حتی زنان تحت پوشش ارگانهای حکومتی اگر سرپرست خانواده ۵ نفره باشند، مجموع دریافتی‌شان ۱/۴۰۰ میلیون تومان خواهد بود و حتی تصور زندگی با این مبلغ وجود ندارد. ۲ میلیون نفر از زنان کارگر هم در شغل‌های غیررسمی اقتصادی کار می‌کنند و حداقل حقوق را هم دریافت نمی‌کنند و محروم از مزایای شغلی‌اند. شاهدیم که فرزندان این زنان شبها با شکم گرسنه به خواب می‌روند.^{۷۵}

شرایط کارگاه‌های کوچک که بخش بیشتری از زنان

مجبور به کار در آنجا هستند وضعیت وخیم‌تر هم هست. فتح‌الله بیات، رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی می‌گوید: زنان هم اندازه مردان در کارهای سخت با ساعت‌های طولانی در حال کار هستند. عمده این کارگران در فضاها و محیط‌هایی کار می‌کنند که قابل بازرسی نیستند یا نیروی کار در ساعت اداری حضور بازرسی، در محل نیست. این کارگاه‌ها هیچ زمانی مورد بازرسی قرار نمی‌گیرند و در واحد‌هایی که تابلو و رد فعالیت اقتصادی وجود ندارد هم همین اتفاق رخ می‌دهد، مثل مونتاژکاری‌ها و بسته‌بندی‌ها. زنان کارگر حتی بعد از ۱۵ سال اشتغال، هنوز بیمه و قراردادی ندارند. معافیت‌های قانونی کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر و قرارداد‌های موقت باعث شده، میزان سوء استفاده از زنان کارگر تشدید شود.^{۷۶}

اما بخش دیگری از کارگران زن در شرایط بازهم غیر رسمی‌تر کار می‌کنند. زنان کارگر زیادی وجود دارند که در پستوی خانه خود، پشت کامپیوتر، زیر نور آفتاب، پشت دار قالی و در خانه صاحبکار مشغول به کار هستند و از همه حقوق کار به کلی محرومند. زنان روستایی جمعیت کثیری از این دسته از کارگران محروم را تشکیل می‌دهند. زنانی که اکثراً ۹ ماه سال در باغات و زمین‌های کشاورزی یا به پای مردان کار می‌کنند، بسیاری از آن‌ها در دراز مدت دچار بیماری‌های مختلف می‌شوند و حتی دستمزدی



نصبشان نمی شود.

بیشتر کارگران فصلی زنانی هستند که دستمزد روزانه آنها به همسر یا مرد خانواده تعلق می گیرد.

میناش یکی از زنان کارگر در روستای دریاز مهاباد است. او در مورد کار و زندگی خود با لبخندی بر لب و پیشانی با خطوط چین عمیق می گوید: «هیچوقت بیکار نیستم و از وقتی یادم می آید کار کرده ام. من اهل یکی از روستاهای بوکان هستم. در ۱۶ سالگی ازدواج کردم و به این روستا آمدم و هنوز هم نمی دانم چطور بود که زنش شدم. همسر هم مثل من کارگر است و با هم در یک باغ کارگری می کنیم. همسر نگاهبان و سرکارگر است. ۹ ماه را در این باغ خانوادگی کار می کنیم و سه ماه دیگر مشغول بافتنی هستیم. سال قبل روزانه ۲۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار تومان دستمزد می گرفتیم اما صاحب باغ همه دستمزد را یکجا پرداخت نمی کند، مثلاً ۶ ماه است که قرار است نصف پول مانده از سال پیش را بدهد اما امروز و فردا می کند با وجود اینکه پارسال محصول خوبی برداشت کرد. حقوق را هرگز خودم نگرفته ام و همسر دستمزد ها را می گیرد و هر سال چیزی می خرد و یا با آن کاری می کند. من هم خودم

برگ مو برای دلمه و ترشیجات و مربا درست می کنم و می فروشم و با آن خرج خودم را در می آورم و تاحالا که ۴۰ سال دارم هیچ وقت از همسر یک ریال هم از پول کارگریم را نگرفته ام.

او همچنین در مورد زندگی و کار زنان در روستا می گوید: «همه ی زنان روستا اغلب اینطور زندگی می کنند و هیچ زنی را در این روستا در ۶ ماه اول سال بیکار نمی بیند. اغلب زنها برای برداشت محصول می آیند و روزانه کار می کنند اما کار رسیدگی به خانه و بچه را هم در کنارش انجام می دهند و حتی کارهای دیگری را هم انجام می دهند من خودم وقتی یک اتاق خانه مان را دیوار کشی کردیم و آن را رنگ کردیم با همسر هم کارهای ساختمانی را خودمان کردیم.»

او در مورد سختی کارگری برای زنان و عوارض آن می گوید: «من تا به امروز سه بار عمل شده ام و آخرین بار مشکلات ریه ام مرا خانه نشین کرد و طول کشید تا خوب شوم. خیلی از زنها کارگر روستا قسمت سر و کمرشان دچار مشکل می شود و با وجود مریضی کار خود را می کنند چون از اول به آن ها یاد داده اند زن باید کار کند.

پرستاران

این امر باعث فرار پرستاران از ایران می شود. فاینشال تایمز با استناد به آمار سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اعلام کرد ایران بین سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ با افزایشی ۱۴۱ درصدی، سریع ترین رشد نرخ مهاجرت به کشورهای ثروتمند را در جهان داشت و تعداد مهاجرانش از ۴۸ هزار نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۱۵ هزار نفر در سال ۲۰۲۱ رسید.



محمد میرزا بیگی، رئیس کل سازمان نظام پرستاری از وجود حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار پرستار بیکار در کشور خبر داد و گفت: در حال حاضر با کمبود بیش از ۱۰۰ هزار نفر پرستار در مراکز درمانی و بیمارستان های کشور مواجه هستیم.^{۷۷}

خیلی از پرستاران کمتر از ۵ میلیون تومان حقوق دریافت می کنند. با این حال اگر حداقل حقوق پرستاران را در بهترین شکل ۵ میلیون تومان در نظر بگیریم، این در مقایسه با کف حقوق بازار کار جهانی که به طور میانگین ۲ هزار دلار در ماه، یک اختلاف ۱۰ برابری را نشان می دهد. باید در نظر گرفت که ساعات کار پرستاران در ایران بعضاً دو برابر میانگین ساعت کار پرستاران در جهان و بیشتر است. حقوق کم و ساعات کار طاقت فرسا، از عوامل مهاجرت پرستاران هستند.

رژیم تا کنون وعده های زیادی به پرستاران داده است اما حتی در مقابل خدمات شبانه روزی هیچ پاداشی به پرستاران نمی دهند. معوقات آنها به موقع پرداخت نمی شود. دریافتی یک ماه آنها هم بر اساس قانون نیست. به طور مثال اگر کارانه یک پرستار ۸۰۰ تومان است به جای هر ماه ۸۰۰ تومان، ماهی ۵۰ تا ۱۰۰ تومان با آنها حساب کرده اند. در کشوری مثل آمریکا برای هفت ساعت کار، یک پرستار چهار هزار دلار حقوق دریافت می کند. اما در ایران یک پرستار برای ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار که البته تا ۲۰ ساعت در روز هم می رسد، حدود ۱۲۰ دلار حقوق می گیرد. (روزنامه حکومتی آرمان ملی - ۲۳ مهر ۱۳۹۹)

شرایط دشوار

نابرابری حقوق

حقوق پرستاران ایران
5 میلیون تومان
=
یک دهم
میانگین
حقوق پرستاران
در جهان



ساعات کار طولانی



معلمان

آموزش و پرورش در ۱۰ سال اخیر، توسط ۵ وزیر و ۴ سرپرست اداره شده است؛ وضعیتی که حتی خامنه‌ای هم به بلبشو بودن این وزارتخانه اعتراف کرد. این نتیجه ۴۰ سال اداره نکبت‌بار وزارتخانه‌ای است که امور آموزش و تربیت فرزندان مردم را به عهده دارد.

در نبود امکانات و تجهیزات لازم در مدارس دولتی و فرسودگی زیرساخت‌ها، آن هم در شرایطی که هزاران دانش‌آموز در مناطق محروم کشور از همین امکانات به دور هستند. علاوه بر این که رژیم آخوندی چشم دیدن معلمان آزاده را ندارد: «متأسفانه بی‌اعتنایی به معلم و احترام و جایگاه او افزایش یافته و قدرت و نقش او در کلاس درس، گاه در حد یک مبصر تنزل یافته است.» (سایت حکومتی الف - ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲)

وزیر آموزش و پرورش رژیم در بهمن ماه گذشته گفت: اکنون ۶۴ درصد از فرهنگیان کشور، بانوان هستند.

(خبرگزاری حکومتی برنا - ۳ بهمن ۱۴۰۱)

مشاور امور زنان وزیر آموزش و پرورش نیز آمار زنان معلم را ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت علاوه بر اینها ۵۰ هزار نفر نیز دانشجوی معلم هستند. از این تعداد، ۳۲ هزار نفر در سطوح مدیر در آموزش و پرورش مشغول فعالیت هستند. (سایت حکومتی ایران اکونومیست - ۳ بهمن ۱۴۰۱)

کمیسیون معلمان در آموزش و پرورش ایران وزارت آموزش و پرورش علاوه بر نداشتن وزیر، با کمبود ۳۰۰ هزار معلم و ۵۰ هزار مربی پرورشی هم مواجه است. اگر استانداردهای جهانی را معیار قرار دهیم کمبود معلم بیش از رقم اعلام شده است: «متأسفانه وزارت آموزش و پرورش هم‌چنان با روش‌های فرسوده و به‌قول کارشناسان استعمار معلمان، کار خود را پیش می‌برد.» (روزنامه

حکومتی هم‌میهن - ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲)

دانشگاه فرهنگیان نیز که وظیفه تربیت معلم را بعهده داشت، چشم انداز روشنی ندارد چرا که به دلیل کاهش جذب دانشجو در سالهای ۹۳ تا ۹۵ نتوانست کمبود معلم را جبران کند. (سایت حکومتی قدس آنلاین - ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲)

در حال حاضر کمبود معلم به دو شیوه «سرباز معلم» و «معلمان خرید خدمت» تأمین می‌شود که بیشتر آنها بدون

فقر معلمان زن در ایران

سخنگوی کانون صنفی معلمان گفت: با توجه به سقف حقوق معلمان که الان به صورت میانگین نهایتاً بین ۷ تا ۹ میلیون تومان است و براساس آمار، که خط فقر بالای ۲۰ میلیون تومان است، شاهد یک فاصله بسیار زیاد هستیم. حتی اگر طرح رتبه‌بندی هم به صورت کامل اجرا شود، به هیچ عنوان نمی‌تواند پاسخگوی وضعیت معیشتی معلمان در شرایط فعلی باشد. وی افزود: «فاصله بین دستمزد و خط فقر در طول سالیان، مدام در حال افزایش بوده و امروز به شدیدترین حد خود رسیده است. (روزنامه حکومتی هم‌میهن - ۲۲ فروردین ۱۴۰۲)

در حال حاضر حقوق پایه معلمان ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است که اگر با سابقه کار و شرایط مورد نظر آموزش و پرورش، وارد مراحل رتبه‌بندی بشوند در درجه اول ۴۵ درصد به حقوقشان اضافه خواهد شد. ولی این نظام رتبه‌بندی هنوز به اجرا در نیامده است. (سایت حکومتی ایران تحصیل - ۲۷ فروردین ۱۴۰۲)

گفته می‌شود حقوق دانشجو معلمان در سال ۱۴۰۲ مبلغ ۷ میلیون و ۹۲۰ هزار تومان خواهد بود. ولی اجرا این افزایش حقوق نیز، نیاز به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان دارد. از این مبلغ ۲۰ تا ۴۵ درصد بابت خدمات دانشگاهی و خوابگاهی کسر خواهد شد. (سایت حکومتی ایران تحصیل - ۲۷ فروردین ۱۴۰۲)

یک معلم در آموزش و پرورش در مورد رتبه‌بندی می‌گوید: «اغلب معلمان بر اساس آیین‌نامه رتبه‌بندی باید مشمول رتبه ۳ می‌شدند. این درحالیست که از حدود یک میلیون معلم رسمی آموزش و پرورش تنها هزار و ۲۰۰ نفر دارای رتبه حداکثر ۵ شدند. خود بنده به‌عنوان یک معلم نزدیک ۳۰ سال سابقه دارای مدرک فوق لیسانس که کتاب ترجمه کردم، رتبه ۲ شدم. بسیاری از معلمان با سابقه و تحصیل کرده ما دارای رتبه‌های حداقلی ۱ و ۲ از میان ۵ رتبه شدند!» وی افزود: «عموم معلمان یعنی بین ۶۰ تا ۷۰ درصد آنان رتبه زیر ۳ داشتند یعنی مشمول رتبه‌های صفر، یک و دو بودند.» (سایت حکومتی ایران تحصیل - ۲۷ فروردین ۱۴۰۲)

حقوق معلمان ابتدایی نیز در حال حاضر ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است. (سایت حکومتی پاسخ به ما - فروردین ۱۴۰۲)

در نظام رتبه‌بندی معلمان، نماینده از جانب معلمان حضور نداشته و بدون در نظر گرفتن مدارک تحصیلی و سابقه کاری، حقوق ۸۰ درصد از معلمان به ۸ میلیون تومان هم نمی‌رسد. یک کارشناس اقتصادی به روزنامه شرق گفت: براساس مطالعاتی که انجام داده‌ایم ۵۴ درصد معلمان شهر تهران زیر خط فقر درآمدی قرار دارند که البته روز به روز فقر معلمان بیشتر می‌شود. (روزنامه حکومتی شرق - ۱۱ آذر ۱۴۰۱)

براساس آخرین عددی که دولت اعلام کرده، میانگین دریافتی فرهنگیان بازنشسته حتی به رقم ۶ میلیون تومان هم نمی‌رسد و اکنون با توجه به خط فقر و تورم، دریافتی معلمان و بازنشستگان ما اگر نگوئیم زیر خط فقر مطلق است، اما حداقل با فقر مطلق برابری می‌کند. (سایت حکومتی خبر آنلاین - ۲۵ آذر ۱۴۰۰)



حقوق نا عادلانه معلمان



حقوق ناچیز:

حقوق ۸۰ درصد از معلمان زیر ۸ میلیون تومان

80%

\$120

میانگین حقوق فرهنگیان بازنشسته:

میانگین دریافتی فرهنگیان بازنشسته زیر ۶ میلیون تومان



ابراهیم سحرخیز، معاون پیشین آموزش و پرورش افزود: «بودجه آموزش و پرورش ما واقعی و عملیاتی نیست و ۳۰ سال است اعتبارات این وزارتخانه با واقعیتهای انطباق ندارد. وی همچنین به کمبود ۳۰۰ هزار نفری معلم پرداخت و گفت: ما از معلمان بازنشسته برای کمبودها استفاده می‌کنیم که علاوه بر ۲۴ ساعت درس در هفته ۲۴ ساعت هم اضافه کار می‌کنند اما به همینها یک سوم حقوق آنهم بعد از یکسال پرداخت می‌شود که این معوقه‌ها در دسرساز بوده و باعث اعتراض خواهد بود.» (سایت حکومتی شفقنا - ۸ دی ۱۴۰۰)

در طی سه دهه گذشته فرهنگیان نسبت به وضعیت نابسامان آموزش و پرورش و کمبودهای آموزشی و وضعیت نا عادلانه معیشتی، معترض بوده‌اند. اعتراض و تظاهرات معلمان اخیراً گسترده و سراسری گشته که زنان معلم در

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

وزارت آموزش و پرورش کمبود ۳۰۰ هزار نفری معلم را با معلمان بازنشسته برطرف می‌کند که علاوه بر ۲۴ ساعت درس در هفته ۲۴ ساعت هم اضافه کار می‌کنند اما به همینها یک سوم حقوق آنهم بعد از یکسال پرداخت می‌شود.



۵۴ درصد معلمان شهر تهران زیر خط فقر درآمدی قرار دارند که البته روز به روز فقر معلمان بیشتر می‌شود.



آنها نقش برجسته ای ایفا کرده اند. البته باید گفت که این مطالبات تنها در مسائل معیشتی خلاصه نمی‌شود. بلکه کمبود نیروی انسانی، کمبود بودجه اختصاصی به وزارت آموزش و پرورش، محتوای کتب درسی، عدم عدالت آموزشی، تبعیض در حقوق و مزایا در مقایسه با سایر کارکنان دولت، بازی با روح و روان فرهنگیان با طرحهای غیر کارشناسی و ظالمانه‌ای مانند رتبه‌بندی و معلم تمام وقت، بی‌اعتنایی به شأن معنوی معلم، بیمه‌های ناکارآمد فرهنگیان و ... مشکلاتی هستند که جامعه بزرگ فرهنگیان به آن معترض هستند.

بی‌اعتنایی و کم توجهی دولت به خواسته‌های فرهنگیان و عدم حمایت وزیر آموزش و پرورش حتی تهدید به اخراج فرهنگیان معترض و ایجاد موانع متعدد در مقابل

مطالبات فرهنگیان، نه تنها اعتراضات را خاموش نکرده است بلکه سبب شده است تا فرهنگیان با سرسختی و قاطعیت بیشتر خواسته های خود را در کف خیابان، پیگیری نمایند. یک کارشناس آموزشی گفت: معلمان چند دهه ایست که نسبت به فاصله شان به خط فقر و میانگین جامعه اعتراض دارند. زمانی که می بینند معلمی با مدرک دکترا ۸۰۰ میلیون تومان حقوق می گیرد ولی مدیرعامل پتروشیمی دنا حقوق ۷۳ میلیونی دارد، معترض می شوند. (خبرگزاری حکومتی برنا - ۲۱ دی ۱۴۰۰)

در سال ۱۴۰۲ اعتراض و تظاهرات معلمان ادامه داشته و در ۱۴ استان کشور نسبت به آزادی معلمان زندانی و اعتراض به رتبه بندی ناعادلانه و بی کفایتی نظام تجمع کنند. گرچه بهای آن زندان و اسارت و اخراج معلمان شریف میهن باشد. آنان که روزگاری دست کم معشیت بسامانی داشتند، امروز مانند میلیون ها کارگر و تهیدست و بازنشسته جامعه فریاد ناچیزی حقوق شان در برابر تورم خودساخته نظام ولایت فقیه می زنند.

معلمین فریاد می زدند: «معلم داد بزن - حق تو فریاد بزن» یا «معلم زندانی آزاد باید گردد»

رژیم ملایان با دستگیری، احضار و اخراج معلمان، اخیراً فشار بیشتری را به معلمان وارد می کند. اداره حراست و هیات تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به طور خاص طی یک سال اخیر عملاً به بازوی اجرایی نیروهای امنیتی تبدیل شده اند. آنها با پرونده سازی های بی پایه تمام تلاش خود را متمرکز سرکوب اعتراضات جامعه معلمان کرده اند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان اعلام کرد هیات تخلفات آموزش پرورش استان گیلان با صدور حکمی ظالمانه و غیرقانونی، خانم فریبا انامی، معلم شجاع و خوشنام انزلی را از کار اخراج کرد. خانم انامی بیش از ۲۵ سال است که به عنوان دبیر در دبیرستان های گیلان و انزلی تدریس می کرد. وی یکی از صدها فعال صنفی است که صرفاً در پی احقاق حقوق صنفی خود بوده است.

هم اکنون حداقل ۱۶ تن از معلمان مطالبه گر و آزادیخواه در زندان های مختلف رژیم به سر می برند. از جمله اتهامات این معلمان ملاقات با خانواده های کشته شدگان اعتراضات اخیر و درج مطالبی در همبستگی با اعتراضات در شبکه های اجتماعی می باشد.

خانم فرزانه ناظران پور، معلم ساکن تهران، در میان معلمان زندانی است که در اسفندماه توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «تبلیغ علیه نظام و تشویش در اذهان عمومی» به ده ماه حبس محکوم شد. پس از تأیید این حکم در دادگاه تجدید نظر، او روز ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ به زندان اوین انتقال یافت.

به غیر از فرزانه ناظران پور، دو خانم معلم دیگر به نام های عاتکه رجبی و فاطمه تدریسی نیز روز ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ بازداشت و در زندان به سر می برند.

همچنین دادرسی عمومی و انقلاب اهواز برای یازده تن از معلمان در استان خوزستان کیفرخواست صادر کرده است. وکیل مدافع این معلمان اعلام کرده است که اتهامات این معلمان شامل «عضویت در گروه هایی که هدف آنها برهم زدن امنیت کشور است» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» می شود. در میان معلمان خوزستانی که برایشان کیفرخواست صادر شده دو زن به نام های کوبک بداعی و زهره بختیاری حضور دارند.

بی نواترین سرپرستان خانوار و هزار درد ناگفته



وقتی صحبت از زنان سرپرست خانوار می شود چند گروه عمده مورد نظر است. زنان بیوه، مطلقه، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان مهاجر، دختران مجرد خودسرپرست، همسران مردان از کارافتاده و معلول همگی ناچار هستند بدون حضور منظم یک مرد در نقش همسر یا پدر، و در حالیکه قوانین حکومت رسماً آنها را درجه دو و در خدمت مردان بشمار می آورد، خانواده خود را اداره و تامین کنند.

بر اساس مرکز آمار حکومتی در سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۴ میلیون زن سرپرست خانوار داریم.^{۳۹} طبق آمارهای مرکز آمار ایران (نتایج گزارش هزینه و درآمد خانوار) در سال ۱۳۹۹ که آخرین آمار هزینه و درآمد منتشر شده است از ۲۵ میلیون و ۶۸۵ هزار سرپرست خانوار در کشور، سه میلیون و ۵۱۷ هزار نفر از آنان را زنان تشکیل می دادند. نکته قابل تامل دیگر اینکه از همان ۳/۵ میلیون زن سرپرست خانوار نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر از آنان را زنان

خودسرپرست (خانوار یک نفره) تشکیل داده اند. به عبارتی از کل سرپرستان خانوار در کشور حدود ۱۳/۷ درصد آنان زن هستند و از کل سرپرستان خانوار زن، حدود ۴۱/۵ درصد از آنان خودسرپرست و تنها زندگی می کنند.^{۴۰} نزدیک به نیمی از زنان نان آور خانواده در دسته فقیرترین افراد جامعه قرار دارند. براساس آمارهای حکومتی، در بین دهک ها، در دهک یک (فقیرترین) حدود ۴۵ درصد از سرپرستان خانوار، زنان هستند.^{۴۱}

انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده رژیم، در سلسله نشست های بررسی وضعیت زن و خانواده در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران گفت: «آمار غیررسمی حاکی از آن است که نزدیک به ۶ میلیون زن سرپرست خانوار داریم و این در حالیست که پیشتر و اوایل برنامه ششم این بانوان ۳ میلیون نفر بوده اند و در این مدت برخی زنان خودسرپرست هم به این افراد اضافه شده اند.» مطابق آمار رسمی وزارت کار حکومت آخوندی، از سال ۸۵ تا ۱۴۰۰ تعداد زنان

سرپرست خانوار از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر به ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافته است.^{۸۳} اما هیچ آماری از تعداد زنان سرپرست خانوار در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ منتشر نشده است.^{۸۴}

با این وجود شاید جمع‌بندی داده‌های آماری زیر تصویر عینی تری از شمار زنان سرپرست خانوار در ایران به ما بدهد. حدود ۴۵ درصد زنان بالای ۵۰ سال مجردند یعنی (مجرد یا مطلقه یا بیوه) هستند که ۸۰ درصد آنان در فقر زندگی می‌کنند در حالی که ۳۰ درصد ازدواجها به طلاق ختم میشود و یکی از عمده‌ترین دلایل آن نیز شرایط معیشتی خانواده است. حقوق بازنشستگی زنان کمتر از مردان است.^{۸۵}

مطابق آخرین آمار ارائه شده توسط مریم السادات میرمالک ثانی، مدیر کل وقت دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت کار رژیم در اردیبهشت ۱۴۰۰ با استناد به گزارشات این وزارتخانه در سال ۹۷، تعداد خانوارهای زن سرپرست زیر خط فقر در ایران در مناطق شهری ۲۰۷ برابر خانوارهای مردسرپرست و در مناطق روستایی ۳۰۱ برابر خانوارهای مردسرپرست زیر خط فقر است.^{۸۶} به عبارت دیگر، خانواده‌های زن سرپرست بیشتر به دام فقر گرفتار

می‌شوند. در ۱۲ سال گذشته افزایش افسارگسیخته نرخ تورم در بیشتر سال‌ها و کاهش محسوس قدرت خرید خانوارهای ایرانی، تقریباً تمام ایرانیان بخصوص اقشار متوسط و ضعیف را تحت فشار قرار داده است، اما با توجه به امنیت شغلی کمتر، درآمد متوسط پایین‌تر و در نتیجه ناامنی اقتصادی بیشتر زنان تحت حاکمیت ملایان، بیشترین فشار تورم در سال‌های اخیر روی زنان سرپرست خانوار وارد شده است.^{۸۷}

خبرگزاری حکومتی رکنا در گزارشی از تاثیر «موج تورم بر زنان سرپرست خانوار» می‌نویسد: «در شرایط کنونی حداقل ۴۰ درصد از زنان سرپرست خانوار در ایران، معادل یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر زیر خط فقر» قرار دارند. مطابق آمارهای حکومتی، حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار «تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد» قرار دارند.^{۸۸} این به این معنی است که در شرایط تورم فعلی، تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد رژیم بودن و یارانه آنها آنقدر ناچیز است که «عملاً هیچ تفاوتی در وضعیت معیشتی این زنان» ایجاد نکرده و دردی را دوا نمی‌کند. حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی وقت حکومت آخوندی در



زنان سرپرست خانوار در تنگنای اقتصادی



در داخل نیز، با از «کار انداختن اینستاگرام و تلگرام»^{۹۱} که محل درآمدزایی بسیاری از این زنان است ضربه غیرقابل جبرانی به وضعیت معیشتی و اقتصادی آنها وارد کرد. این درحالی است که محیط‌های شغلی هم برای زنان سرپرست خانوار بسیار پر مشکل است. امان‌الله قرایی جامعه شناس می‌گوید: نمی‌توانیم منکر اتفاقاتی که برای زنان در محیط کار رخ می‌دهد بشویم. فرقی نمی‌کند که شما یک دختر جوان ازدواج نکرده باشید یا یک زن متأهل یا زنی که سرپرستی خانواده را بر عهده دارید، در هر شکل ممکن است مورد آزارهای متعددی در محیط کار قرار بگیرید. این مسئله هم می‌تواند شرایط زندگی و البته امرار معاش را برای زنان سرپرست خانوار سخت‌تر کند. بسیاری از این افراد به دلیل همین مشکلات مجبور می‌شوند شغل خود را ترک کنند و با روی آوردن به شغل‌های کاذب با مشکلات اقتصادی بیشتری دست و پنجه نرم کنند. دولت به جای اینکه شرایط را برای زندگی این افراد بهتر کند با از کار انداختن اینستاگرام و تلگرام که محل درآمد زایی بسیاری از این زنان سرپرست خانوار بود، ضربه غیر قابل جبرانی به وضعیت معیشتی و اقتصادی آنها وارد کرد. بسیاری از این زنان در چنین پلتفرم‌هایی بازار کوچک خانگی را برای خود راه انداخته بودند و از این طریق حداقل‌هایی را برای امرار معاش کسب می‌کردند که البته آن را هم از دست دادند و حالا بسیاری از آنها در این شرایط که اکثر اداره‌ها

سال ۱۴۰۰ در این زمینه اعتراف کرده بود: ۲۵۰ هزار نفر از خانوارهای زن سرپرست تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند اما اکنون و در اغلب موارد، حمایت سازمانهای حمایت‌کننده به پرداخت ماهانه مستمری ناچیزی خلاصه می‌شود، مبلغی که با توجه به گرانی اقلام ضروری حتی کفاف هزینه‌های یک هفته یک نفر را هم نمی‌دهد.^{۸۹}

فاطمه مقیمی، رئیس کانون زنان بازرگان ایران نیز در این رابطه گفت: «با وجود این که اخیراً کمیته امداد اعلام کرده است که وام اشتغالزایی به زنان سرپرست خانوار پرداخت خواهد کرد، اما باید توجه داشت که حتی اگر این وام به عمده زنان زیر خط فقر نیز پرداخت شود، بازهم نمی‌تواند این زنان را از فقر برهاند زیرا تولید شغل، نیازمند داشتن علم، تخصص و تجربه کافی است و در جامعه ما که اساساً زنان به دلیل تبعیضهای شغلی موجود، تجربه کمتری از حضور در بازار کار نسبت به مردان دارند، بسیاری از زنان سرپرست خانوار نمی‌توانند صرفاً با دریافت وام، برای خودشان شغل ایجاد کنند».^{۹۰}

تشدید نابرابریهای اجتماعی، کاهش فرصتهای شغلی، افزایش آمار طلاق، تغییر نقش زنان در اداره خانه به عنوان سرپرست، همگی سبب میشود که چهره فقر هر روز زنانه‌تر شود. حکومت آخوندی علاوه بر چپاول همه جانبه و ریختن سرمایه‌های مردم ایران به حلقوم گروه‌های نیابتی در کشورهای منطقه، برای سیاست سرکوب و سانسور خود

و شرکت های خصوصی در حال تعدیل نیرو هستند حتی توانسته‌اند شغلی جایگزین برای خود پیدا کنند. این است که چهره فقر را هر روز بیشتر از روز قبل زنانه می‌کند.^{۹۲} خانواده های ایرانی که به تازگی از موج مرگبار کرونا با سیاست جنایتکارانه خامنه ای برای ممنوعیت ورود واکس با بیش از نیم میلیون کشته عبور کرده اند، اکنون با این وضعیت اقتصاد و تورم آخوند ساخته نمی‌توانند کمر راست کنند. بسیاری از زنان سرپرست خانوار از آنجا که بیمه هم نیستند، در مواجهه با مشکلات مالی غیرمنتظره مانند بیماری خود یا فرزندانشان تمام داراییهای خود را از دست می‌دهند. کودکان بسیاری از آنها به اجبار از تحصیل محروم شده و به کار مشغول شده اند. بخصوص که سیاستهای بیمه اغلب برای پاسخگویی به نیازهای زنان تنظیم نمی‌شوند.^{۹۳}

یکی از صدهای خاموشی که در دوران کرونا و پس از آن توسط هیچ مسئولی شنیده نشد، فریاد همین زنان و کودکان یتیمی بود که کرونا، آنها را یتیم و سرپرست خانوار کرد. در سال ۱۴۰۰، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی از آمار ۵۱ هزار کودک کی خبر داد که پدر یا مادر خود را به علت کرونا از دست داده‌اند. از این مادرانی که به خیل سرپرستان خانوار پیوستند، تنها ۴۳ درصد دارای بیمه‌اجتماعی بوده‌اند. در دوره کرونا زنان شاغل سرپرست خانوار بیشترین آسیب را از تعدیل و بیکاری در بنگاه‌های اقتصادی دیده‌اند. مشکلات اقتصادی به علاوه فشارهای روانی، تبعیض حکومتی نسبت به زن سرپرست خانواده، نگرانی از آینده، تنهایی، ناامیدی و به دوش کشیدن با مشکلات زندگی زنان سرپرست خانوار را به قشری آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت تبدیل کرده است.^{۹۴}

همایون میرزایی، جامعه‌شناس می‌گوید: حقایقی وجود دارد که نه می‌توانیم آن را کتمان کنیم و نه حتی توان بازگو کردنشان را داریم. اینکه فقر به هر شکل می‌تواند عامل بروز آسیب‌های اجتماعی بی‌شمار باشد مسئله ای است که نمی‌توان منکر آن شد. اما وقتی پای زنان به میان می‌آید، شکل این آسیبها هم تغییر می‌کند. او می‌افزاید: باید در شرایط بغرنج برای تأمین معیشت قرار بگیرد تا متوجه

شوید وقتی برخی از این زنان برای تأمین مایحتاج زندگی دچار آسیبهایی مانند فحشا، مواد فروشی و... می‌شوند چه معنایی دارد.^{۹۵}

این موضوع علاوه بر آسیب‌های اقتصادی، مشکلات روحی فراوانی را نیز برای آنان به همراه داشته است. در چند سال گذشته شاهد تشدید بیماری‌های روانی نظیر افسردگی در میان زنان سرپرست خانوار ایرانی بوده ایم و این مسئله پیامدهای متعددی را برای زندگی خانوارهای ایرانی به همراه داشته است. اردشیر گراوند، جامعه‌شناس با تأکید بر این که ناتوانی در تأمین معیشت اعضای خانواده می‌تواند سرپرستان خانوار را به افسردگی دچار کند، گفت: «متأسفانه در حال حاضر بسیاری از سرپرستان خانواده های ایرانی با مشکلات متعددی در تنظیم هزینه در آمد خانوار خود مواجه هستند و این مسئله زمینه ساز وارد شدن آسیب های روانی فراوانی به آنها شده است.

ساده ترین پیامد این مسئله، افسردگی و گوشه گیری سرپرستان خانوار است که می‌تواند در موارد شدید، منجر به بروز پیامدهای خطرناکی نظیر خودکشی یا دچار شدن مردان متأهل و زنان سرپرست خانوار ایرانی به اعتیاد شود. اردشیر گراوند، با تأکید بر فشار روزافزون بر سرپرستان خانوار افزود: «بیشترین فشار تنظیم هزینه درآمدهای خانوار بر سرپرستان خانواده وارد می‌شود و حتی اگر یک خانواده مشکلی در کسب درآمد کافی هم نداشته باشد، باز هم سرپرستان خانوار همه روزه ناچارند با فشارهای ناشی از تنظیم هزینه درآمدهای خود دست و پنجه نرم کنند. البته متأسفانه در حال حاضر، بسیاری از خانواده های ایرانی، حتی اگر دو شاغل هم داشته باشند، با مشکلات متعددی در تنظیم هزینه در آمد خانوار مواجه هستند، زیرا فاصله بین هزینه های روزمره و درآمدهای خانوارهای قشر متوسط و ضعیف در کشورمان روز به روز افزایش می‌یابد.» (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۲۶ خرداد ۱۴۰۱)

و خانه ای که رویاست

جمعیت زیر "خط فقر مسکن" در ایران تحت حکومت ملایان حدود دو برابر نرخ متعارف جهانی است. خرید مسکن برای اکثر مردم ایران رویایی غیرقابل تحقق است. به گفته فرید قدیری در سال ۱۴۰۰، ۷۰ درصد ساکنان در فقر مسکن بسر می‌برند. بیش از دو سوم تهرانی‌ها هزینه اجاره بهایشان بالاتر از کشورهای مختلف جهان است و برای یک زوج «۶۶ سال طول می‌کشد» تا صاحب مسکن شوند. آنهم اگر دستمزدها متناسب با رشد تورم افزایش داده شوند، در حالی که صاحب خانه شدن در سایر کشورها برای یک خانواده حدود ۱۰ تا ۱۲ سال طول می‌کشد.^{۹۶} مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی، ضمن اشاره به «انحراف‌های سیاستی» در طرح‌هایی مانند نهضت ملی مسکن و قرارگاه جهادی مسکن شهرداری تهران، اعتراف می‌کند که نتیجه چنین طرح‌هایی افزایش «سهم سکونت استیجاری و مالک‌تر شدن مالکان» بوده است. به عبارت دیگر، طی دهه‌ها و سال‌های گذشته، میزان خرید مسکن افزایش یافته است اما خریدارها مستاجران نبوده‌اند. در پنج سال منتهی به ۱۳۹۵، معادل سه میلیون و ۵۰۰ هزار واحد مسکونی به موجودی مسکن کل ایران افزوده شد اما به جای اینکه از تعداد مستاجران هم به همین میزان کاسته شود، در بازه زمانی یادشده دو میلیون و ۵۰۰ هزار خانوار مستاجر به جمعیت اجاره‌نشینان اضافه شدند. به این معنا که خانه‌سازی‌های دولتی و بخش خصوصی کاملاً به ضرر گروه‌های آسیب‌پذیر فاقد مسکن تمام شده است. نتیجه وعده یک میلیون خانه در سال به رواج پدیده خانه‌های اشتراکی منجر شد. این مرکز پیش‌تر نیز در گزارشی دیگر با موضوع «تحلیل سیاست‌های مسکن» به‌صراحت اعلام کرده بود که نتیجه ۴۴ سال حکومت آخوندی، برنامه‌ریزی برای تأمین خانه اخراج شش دهک اول درآمدی از این بازار بوده است. حسین پور عضو مجلس رژیم اعتراف کرد که پروژه ساخت ۴ میلیون مسکن شکست خورده است. وی افزود: اگر واحدهی هم تحویل داده شود مردم توان پرداخت اقساط ۱۹ میلیون تومان را ندارند. به کارگر ۷ میلیون تومان حقوق می‌دهیم پس چطور اقساط ۱۹ میلیون را پرداخت کند؟^{۹۷} مرکز آمار ایران نیز قبلاً در گزارشی با عنوان «قدرت

خرید و زمان انتظار خانه‌دار شدن» نوشته بود یک کارگر حداقل‌بگیر برای خرید یک آپارتمان ۸۰ متری با میانگین قیمت‌های موجود در سال ۱۴۰۲، باید ۱۷۸ سال کار کند.^{۹۸} بر اساس آمارهای بانک مرکزی حکومت آخوندی در سال ۱۴۰۰، اجاره‌ها در شهر تهران در آبان ماه سال جاری نسبت به همین ماه در سال گذشته ۵۱.۶ درصد و در کل مناطق شهری حدود ۵۴.۹ درصد افزایش یافته است.^{۹۹} اگر رقم ودیعه مسکن را هم در نظر بگیریم، نرخ اجاره یک آپارتمان کوچک ۶۰ متری در محلات مرکز تهران، کمتر از ماهی ۱۵ میلیون تومان نیست.^{۱۰۰} گزارش‌های آماری نشان می‌دهد در پنج سال منتهی به ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۱، هزینه تأمین مسکن در سبد معیشت خانوار به‌طور متوسط ۹۰۰ درصد افزایش یافته، حال آنکه دستمزد خانوارها در این دوره کمتر از ۷۰۰ درصد رشد کرده است.^{۱۰۱}

در ایران چهار میلیون و ۵۰۰ هزار خانه خالی و یا خانه دوم وجود دارد که ۲ میلیون آن خانه‌های لوکس می‌باشد. این خانه‌ها با مبالغ نجومی اجاره داده می‌شوند مثلاً یک سوئیت ۲۲ مترمربعی با اجاره ماهانه شش میلیون تومان و یا سوئیت بدون اتاق ۲۵ متری در تجریش با ودیعه ۵۰ میلیون و اجاره ماهانه شش میلیون تومانی.^{۱۰۲} محمد باقری بنایی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت، به دلیل گرانی قیمت و اجاره بهای مسکن، و افزایش هزینه معیشت و رشد نرخ تورم، «قشر متوسط جامعه عملاً به سمت حاشیه‌نشینی در تهران» و یا شهرهای همجوار سوق پیدا کرده است.^{۱۰۳} فریدون بابایی، نایب رئیس مجمع رؤسای کمیسیون شهرسازی کلان‌شهرها و مراکز استانها از سکونت ۲۴ میلیون نفری جمعیت کشور در مناطق حاشیه‌نشین خبر داد.^{۱۰۴} اکنون با "پدیده تخلیه روستاها به طور کامل" مواجه هستیم. افزایش سریع جمعیت زیر خط فقر در ایران به مرحله "شوک آوری" رسیده است. بحرانهای زیست محیطی که اغلب به خاطر سوءمدیریت و ناکارآمدی مسئولان پیامدهای آن تشدید می‌شود، بیکاری، فقر و افزایش شدید اجاره بها از عواملی هستند که مدام جمعیت بیشتری را به حاشیه‌شهرهای کشانند.^{۱۰۵}

خوابیدن در کارت، گور، پل... و اتوبوس

مرکز پژوهش‌های مجلس رژیم در گزارشی با عنوان «ارزیابی لایحه برنامه هفتم توسعه از منظر تأمین مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر» از شیوع هشت شکل بی‌خانمانی در ایران خبر داد و تأیید کرد سیاست‌هایی که طی سالها و دهه‌های گذشته در حوزه مسکن اجرا شدند، نه تنها به ترقی خانواده‌های کم‌درآمد از نردبان مسکن منجر نشدند که طیف گسترده‌ای از مستاجران از این نردبان سقوط کرده‌اند. بر مبنای این گزارش، پشت‌بام‌خوابی، موتورخانه‌خوابی، ماشین‌خوابی، گورخوابی، اتوبوس‌خوابی، خانه‌به‌دوشی، شغل‌گزینی سرپناه‌جویانه و هم‌خانگی دو یا چند خانواده در یک واحد مسکونی از اشکال نوظهور بی‌خانمانی‌اند.^{۱۶}

کارت‌ن‌خوابی، گورخوابی، تایلر خوابی نیز، سال‌هاست که تحت حکومت آخوندی رواج دارد.^{۱۷} اما ابعاد بی‌خانمانی در سالهای اخیر به موضوعی همگانی تبدیل شده است. احمد علوی، عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران روز یکشنبه ۱۲ دی در گفت‌وگو با خبرگزاری

ایسنا، از خوابیدن «افراد غیرمعتاد» در اتوبوس‌های بی‌آرتی خطوط شبانه روزی به عنوان «پدیده‌ای جدید» نام برد و از قول مسئولان شهرداری تهران اعلام کرد که این افراد «ظاهر موجهی داشته و معتاد نیستند و حتی شاغل هستند. این افراد توان پرداخت کرایه خانه یا کرایه مهمان‌سرا را ندارند و از این رو، «اتوبوس را برای خوابیدن انتخاب می‌کنند» چرا که «هم امنیت دارد و هم در این شب‌های سرد، گرم است. سایت حکومتی عصر ایران نوشت که «آرزوی این افراد نه داشتن خانه بلکه پیدا کردن یک صندلی اتوبوس برای خوابیدن است؛ یک جای گرم که بشود شب را به صبح رسانید. این گزارش پیش‌بینی می‌کند که در صورت استمرار شرایط کنونی اقتصادی در ایران، دیر نباشد که اتوبوس‌ها در شب به شلوغی روز شوند یا حتی بخشی از مردم مجبور باشند ایستاده بخوابند.^{۱۸}

سایت حکومتی تجارت نیوز روز ۸ دی (۲۹ دسامبر) در گزارشی برآورد کرد که هزینه گذراندن یک شب در اتوبوس‌های بی‌آرتی در تهران بین ۱۲ تا ۲۵ هزار تومان است که ماهانه بین ۳۶۰ تا ۷۵۰ هزار تومان برای هر فرد اتوبوس خواب هزینه در بر دارد.^{۱۹}

پشت بام خوابی، موتورخانه
خوابی، ماشین خوابی،
گورخوابی، اتوبوس خوابی،
خانه به دوشی، شغل‌گزینی
سرپناه‌جویانه و هم‌خانگی
دو یا چند خانواده در یک واحد
مسکونی از اشکال نوظهور
بیخانمانی‌اند.



بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور
زیر خط فقر مطلق به سر می‌برند.
به این معنی که این افراد از
حداقل‌های زندگی انسانی هم
برخوردار نیستند.



زندگی زنان در زمهریر یک دیکتاتوری زن ستیز و ضد بشر

برای درک بهتر آنچه زنان ایرانی تحت حکومت آخوندهای زن ستیز و اقتصاد ویران آن تجربه می کنند بصورت کوتاه به بعضی وجوه خاص شرایط زندگی در ایران می پردازیم.

به گفته حسین راغفر، اقتصاددان، فقر و مصیبت های مردم بسیار پیچیده تر و عمیق تر از آن است که کسی بتواند درک کند. اوضاع به مراتب بدتر و وخیم تر از آمار و ارقامی است که ارائه می شود. به نظر نمی رسد تعداد افرادی که امروز زیر خط فقر مطلق قرار گرفته اند کمتر از ۵۰ درصد جمعیت کشور باشد. به این معنی که این افراد از حداقل های زندگی انسانی هم برخوردار نیستند.^{۱۱۰}

یک کارشناس حکومتی می گوید: «بسیاری از افراد بیش از یک شغل دارند که آن نیز کفاف خط فقر را نمی دهد.»^{۱۱۱}

زندگی ما در صف های مختلف می گذرد

روز ۶ بهمن ۱۴۰۱، یک زن ۵۳ ساله در شهرستان «فوج» استان سیستان و بلوچستان به علت استرس ناشی از «صف دریافت سهمیه نفت» بعد از سه روز دچار «سکته قلبی» شد و در بیمارستان جان خود را از دست داد. برادر این زن به «اعتماد» گفت: «ما تمام عمرمان را در صف های مختلف میگذرانیم. صف نان، صف بنزین، صف گاز، صف نفت و... سیستان و بلوچستان ته دنیاست و مردمانش هیچ امکاناتی ندارند.»

یکی از خبرگزاری های محلی نوشت: «این حادثه به خاطر عدم مدیریت صورت گرفته است.»

برادر این زن پس از آن در یک شوی نمایشی که رسم مقامات فاسد حکومت آخوندی برای سرپوش گذاشتن بر افتضاحات است، همراه با «محمدیونس حقانی»، سرپرست فرمانداری و امام جمعه و تعداد دیگری از مقامات شهر در مقابل دوربین قرار گرفت به اجبار مدعی شد که خواهرش از قبل مشکل قلبی داشته و صفی در کار نبوده است.^{۱۱۲}

فقر مسکن



زمستان لخت

حسین بیات، رئیس اتحادیه پوشاک کرمانشاه گفت: دیگر کسی پوشاک زمستانه نمی خرد. هزینه خرید یک دست پوشاک گرم حداقل دو تا ۲.۵ میلیون تومان است. قیمت انواع لباس گرم خصوصاً پالتو و کاپشن نسبت به فصل سرمای سال گذشته حدود ۵۰ درصد افزایش داشته بسیاری ترجیح می دهند لباس های سال های گذشته را بپوشند.^{۱۱۳}

مرگ شیرین تر از حیات

شی برای فرار از جهنم آخوند ساخته هر روز اوجی تازه به خود می گیرد. تنها در هجده روز پایانی اوت ۲۰۲۳، خودکشی دستکم ۱۳ مورد نوجوان زیر ۱۸ سال تنها در استان کردستان به ثبت رسیده است. دو دختر ۱۲ ساله اهل دیواندره و سردشت در شمار این افراد هستند.^{۱۱۴}

فروش اعضاء بدن به قیمت چند روز بقا

آتش فقر و بی پناهی آنچنان جان مردم را می سوزاند که برخی از آنان برای تأمین حداقلها و گذراندن چند ماه، دست به فروش اعضاء بدن خود می زنند.^{۱۱۵}

روزنامه «جهان صنعت» در ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، نوشت: تعداد موارد فروش اعضاء بدن به دلیل سقوط ایرانیان در «دره فقر»، بیشتر شده است. کوچه ای در نزدیکی بیمارستان فیروزگر نزدیک به میدان ولیعصر تهران قبلاً به بازار فروش کلیه معروف بود. از یکسال پیش در این کوچه علاوه بر کلیه، آگهی فروش کبد، مغز استخوان، قرنیه چشم و و بقیه اعضاء بدن نیز اضافه شده است. قیمت واقعی کلیه بین ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان در نوسان است و این بستگی به سلامت و گروه خونی فروشنده و تعداد دلایلهای بین خریدار و فروشنده دارد. انجمن کلیه رژیم قیمت فروش کلیه را ۸۰ میلیون اعلام کرده است. تقریباً تمامی فروشندگان عضو بخاطر مشکلات مالی تن به این کار میدهند و فروش اعضاء بدن چه زن و چه مرد بین سنین ۱۸ تا ۴۰ سال رواج دارد.^{۱۱۶}

اما این اعضاء بدن به ایرانیان نیازمند نمی رسد چرا که بیماران نیازمند پیوند عضو ایرانی توان مالی خرید آن را ندارند. دلالتان، فروشندگان اعضا را راهی کشورهای همسایه مانند دبی، ترکیه و عراق می کنند تا با قیمت بالاتری بین ۷ تا ۱۵ هزار دلار بفروشند.^{۱۱۷} دلالتان از نداری مردم کسب سود می کنند و سود جویان کشورهای همسایه با معامله اعضاء بدن در آمد ارزی به جیب می زنند.

به تازگی حتی شاهد آگهی های فروش چند عضو به صورت همزمان از سوی افرادی هستیم که گاهاً با سن کم بدلیل شدت تنگنای مالی به این کار رو می آورند. در میان آگهی ها، آگهی های اهدای جنین و تخمک و رحم اجاره ای نیز به وفور در میان زنان مشاهده می شود.^{۱۱۸}



رونق زباله گردی

یکی از حوزه های استثمار و چپاول مردم توسط مهره های حکومتی بکار گرفتن زنان و کودکان محروم در زباله گردی است. گفته می شود ۴۵۰۰ کودک کار تنها در حوزه زباله گردی در شهر تهران کار می کنند که حاصل کارشان در جیب نزدیک به ۱۸ پیمانکار و شبکه های زباله گردی می ریزد.^{۱۱۹}

مادران عاجز و کودکان فروشی

یکی دیگر از تکان دهنده ترین تراژدی های حاصل از فقر زنان در ایران تحت حاکمیت ملایان رواج پدیده فروش نوزاد است. مادران و پدرانی که از شدت فقر هر روز خمیده تر می شوند و باندهای سود جوی عمدتاً وابسته به حکومت که از راه تباہ کردن سرنوشت کودکان پول های هنگفت به جیب می زنند.

سایت حکومتی تبیان با چند اکانت فروش نوزاد تماس گرفته و بر این اساس می نویسد: آنها تیم جستجو دارند که معمولاً در تمام شهرهای ایران پراکنده هستند و بستگی به خواسته گیرنده هزینه هم تغییر می کند. برای مثال نرخ و پروسه واگذاری نوزاد در زمان کم حدود ۱۰۰ میلیون تومان است.

این سایت در مورد قیمت نوزادان فروشی می نویسد: هیچ نرخ و قیمت ثابتی وجود ندارد. بعضی از خانواده ها بدون هیچ هزینه ای نوزادشان را واگذار می کنند تا فقط از

گرسنگی نمیرد و بعضی ها هم هزینه های هنگفتی طلب می کنند. یکی از دلالتها می گوید: «اگر می توانستند از پس مخارج بچه شان بر بیایند، هیچ وقت پاره تنشان را واگذار نمی کردند این فرد مجبور است.»^{۱۲۰}

در منطقه ۱۲ تهران، بیخ گوش مسئولان حکومت، با یک پرس و جوی ساده، از نوزاد یک روزه تا دختر و پسر زیر چهارپنچ سال راحتی خرید و فروش می شوند. یک دلال که در حسابهای کاربری خود سرپرستی یک نوزاد پسر یک ماهه را آگهی کرده است، می گوید: «خانواده ۵۰۰ میلیون تومان نرخ گذاشته اند، اما می توانم برای تخفیف بگیرم. خانواده در یکی از مناطق حاشیه مشهد زندگی می کنند و چهار فرزند دیگر هم دارند. آنها به شدت فقیرند و می خواهند پولی را که از فروش کودک به دست می آورند، به زخم زندگی بزنند. پیشنهاد فروش نوزاد را هم ظاهراً یکی از آشنایان به پدر خانواده داده است.»

در پدیده خرید و فروش کودکان نیز دست های کثیف مهره های حکومتی پیداست. فرد واسطه گر ادامه می دهد: «اگر خواستی برای مورد پیش خرید پیدا می کنم. در ثبت احوال و بیمارستان هم آشنا دارم که شناسنامه بگیري و خیالت راحت باشد که البته پول آنها جدا حساب می شود.»

یک مدافع حقوق کودکان می گوید: «دست کم دو زن بسیار فقیر در تهران را می شناسم که نوزادشان را پیش فروش کرده اند.» «همین قدر می دانم که از شدت فقر و بیماری به جان آمده اند و می گویند چاره ای ندارند.»

ماجرای خرید و فروش کودکان به خصوص نوزادان ابعاد بسیار وسیعی دارد. در این ماجرا افراد زیادی نقش دارند؛ از برخی مسئولان بیمارستان های دولتی گرفته تا برخی پزشکان، دلالان و حتی افراد با نفوذ در ثبت احوال: «این طور نیست که یک پدر و مادر تصمیم بگیرند نوزادشان را بفروشند و به راحتی یک خریدار پیدا شود و به آنها پول بدهد و نوزاد را بگیرد و ببرد. بخصوص در ایران که طبق قانون، پدر و جد پدری بر فرزند ولایت دارند، چنین چیزی ممکن نیست، مگر با دور زدن قانون.»

این فعال حقوق کودکان زبانی را سراغ دارد که تحت فشار و اجبار شوهرانشان مجبور شده اند نوزادان خود را پیش فروش کنند. حتی درباره مرد معتادی سخن می گوید

که سه بار همسرش را وادار کرد باردار شود و هر سه بار هم کودک به دنیا نیامده را به اشخاصی که زن اصلاً نفهمید چه کسانی بودند، فروخت. همان زن وقتی به بیمارستان مراجعه کرد که برای جلوگیری از بارداری اقدام کند، گفتند که باید اجازه شوهر داشته باشد. او می گوید: ابعاد این مسئله در دنیای واقعی به مراتب فاجعه آمیزتر از فضای مجازی است.

باید یادآور شد که سیاستهای افزایش جمعیتی علی خامنه ای در دهه ۹۰ ابلاغ شد. پس از آن، نه تنها در اختیار گذاشتن وسایل پیشگیری ممنوع شد که خانه های سلامت هم از ارائه خدمات آموزشی در این زمینه منع شدند.

به موجب این قانون، هر گونه روشنگری درباره بارداری پرخطر عملاً جرم تلقی و تجهیزات پیشگیری از بارداری نایاب و گران شد. این مدافع حقوق کودک با عصبانیت می گوید: «شما باید به خیابانهای شوش و هرندی تهران سر بزنید یا به پاکدشت ورامین بروید تا متوجه شوید این قانون کمتر از جنایت در قبال دهها زن و کودک فقیر نبود. اینکه مادران معتاد نوزادانشان را می فروشند از دید حاکمیت پنهان نیست، اما برایش اهمیت ندارد.

این فعال حقوق کودک می گوید: اگر جامعه درباره پدیده کودک فروشی به دنبال مجرم می گردد باید مسئولان حکومتی را هدف قرار دهد که از یک سو مانع از پیشگیری بارداری های پرخطر و ناخواسته می شوند و از سوی دیگر کودکان بدسرپرست را بدون حمایت به حال خود رها می کنند. دختر شش ساله ای را می شناختم که پدر و مادرش هر دو کارتن خواب و ناپدید شده بودند، پدر بزرگش هم از این کودک برای خرده فروشی مواد مخدر استفاده می کرد. سه بار با اورژانس اجتماعی تماس گرفتیم، می آمدند چند روز بچه را می بردند، بعد از پیرمرد تعهد می گرفتند و او را بازمی گرداندند و دوباره همان داستان. در نهایت یک خانواده پیدا کردیم که حاضر بودند سرپرستی او را برعهده بگیرند. پدر بزرگش را راضی کردیم در قبال دریافت مبلغی دست از سر شیدا بردارد. برای این دهها بار از پله های بهزیستی و دادگاه بالا و پایین رفتیم، آخرش هم موفق نشدیم.»^{۱۲۱}

کودکان کار

فقر شدید مردم نه تنها باعث نابودی نسل حاضر می شود، بلکه نسل های آینده ایرانی را هم به خطر می اندازد. سایت مجلس رژیم می نویسد، تعدادی از کودکان به دلایل مختلف از جمله فقر خانوارها در اشکال مختلفی مشغول به کار هستند. کار کودکان، آنها را از دوران کودکی، ظرفیت و توانایی و شأنشان محروم می کند و برای رشد فیزیکی و روانی آنها مضر است.» براساس آماری که این منبع حکومتی ارائه می دهد، ۱۵ درصد از کودکان را شامل می شود.^{۱۲۲}

علاوه بر فقر خانواده ها، کمبود معلم بدلیل عدم تخصیص بودجه توسط رژیم و کاهش هزینه های آموزش باعث

می شود تا نسل بعدی، نسل کم دانش تر و با سرمایه انسانی پایین تر و بهره وری پایین تر باشند و از این رو احتمال فقیر بودن آنها بیشتر از پدرها و مادرهایشان باشد.^{۱۲۳}

رسانه های حکومتی از کمبود حداقل ۳۰۰ هزار معلم در مدارس ایران صحبت می کنند. مقامات آموزش و پرورش از راه حل میانبری نام می برند که استفاده از معلمان بازنشسته است، حال آنکه بازنشستگان هم به دلیل عدم دریافت پاداش دو سال گذشته شان انگیزه ای برای تدریس در مدارس ندارند. همچنین معلمان موجود هم بدلیل عدم پرداخت اضافه کار سال گذشته، حاضر به تدریس بیشتر نیستند.^{۱۲۴}



هیولای فقر جهش وار فربه می شود

متأسفانه تا روزی که حکومت ضد مردمی و زن ستیز آخوندی بر ایران حکومت می کند، وضع هر سال بدتر از قبل می شود. هر چند که گزارشات و آمارهای حکومتی هیچکدام قابل اتکاء نیست اما مقایسه وضعیت تصویری هولناک به ما می دهد. سایت حکومتی عرضه در ۱۵ آذر ۱۴۰۰ گزارشی از رشد فلاکت در ایران منتشر کرده است که بطور خاص در چهار سال اخیر از ۳۹.۱ به ۵۲.۹ درصد رسیده است.^{۱۲۵}

آمارهای بانک جهانی نشان می دهد که فقر مطلق در ایران سه برابر شده است. این نهاد بین المللی فقر مطلق را بر پایه درآمد روزانه ۱.۹ دلار برای هر نفر (بر اساس شاخص برابری قدرت خرید به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱) تعریف کرده است و این رقم حداقل مبلغی است که یک نفر برای تأمین نیازهای ضروری زندگی خود به آن نیاز دارد.^{۱۲۶}

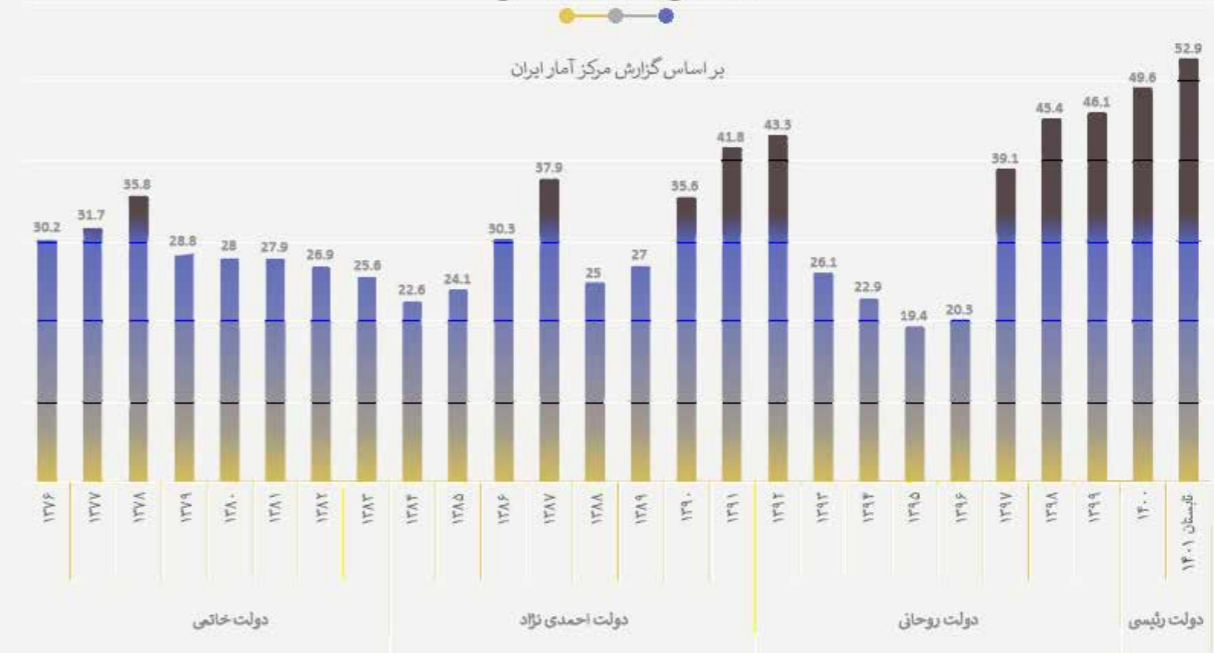
حسین راغفر، کارشناس حکومتی می گوید: از سال ۹۰ تاکنون، سرمایه گذاری خالص در کشور منفی بوده، منابع سرمایه گذاری شده حتی استهلاک سرمایه های موجود را تأمین نکرده و به همین علت فرصت های شغلی محدودتر و همزمان رکود اقتصادی بیشتر شده است. بخش قابل توجهی از مشاغل از بین رفته، بیکاری افزایش یافته و پیامدهای

بیکاری به صورت رشد ناهنجاری ها مانند رشد جرم، اعتیاد، افسردگی، خودکشی، فرار مغزها، مهاجرت از کشور و فرار سرمایه ها خود را نشان داده است و کماکان نیز ادامه دارد. طبق آنچه که امروز دیده می شود، به نظر می رسد چشم انداز روشنی برای خروج از ادامه این وضعیت به چشم نمی خورد و برای اینکه این تغییر صورت گیرد، نیازمند تغییر اساسی ساختاری در ساختار اقتصاد کشور هستیم که البته این تغییر نیز به چشم نمی خورد.

راغفر می افزاید: در حال حاضر زندگی معمول جمعیت بزرگی از کشور، با فقر مطلق روبهرو است که توان تأمین نیازهای اولیه خود و فرزندان خود را ندارند. این موضوع به خصوص در جامعه ای مانند ایران که هر روز شغل محدودتر و افراد بیشتری به خیل عظیم بیکاران اضافه می شوند صدق می کند و طبیعی است که بخش قابل توجهی از این افراد را زنان تشکیل دهند.^{۱۲۷}

در این شرایط بغرنج، نمایندگان مجلس آخوندی باز هم دست در جیب مردم کرده و برای حذف قانون «حداقل دستمزد» تلاش دارند.^{۱۲۸} حداقل دستمزدی که حتی اگر کارگری واقعاً آن را دریافت کند، آنهم بدون محاسبه مسکن یک دوم خط فقر است. یک عضو کمیسیون

شاخص فلاکت در ایران



اقتصادی مجلس شورا، میزان خط فقر در تهران را ۳۰ میلیون تومان عنوان کرد. در سال ۱۴۰۱ جمعیت افرادی که در فقر مطلق زندگی می کنند از ۲۶ میلیون نفر به حدود ۳۰ میلیون نفر رسید.^{۱۲۹} امروز میلیون ها نفر از تأمین ساده ترین نیازهای خوراکی و مسکن، ناتوانند و نمی توانند کالری مورد نیاز برای زندگی روزانه را به دست آورند.^{۱۳۰} واضح است که حذف آن تا چه میزان به معنی بازتولید و تعمیق فقر است.

شهرداری عضو مجلس رژیم نیز اذعان کرد: آقای رئیس جمهور گفتن مال و جان مردم و نان مردم را حفظ می کنیم متأسفانه سفره مردم کوچک نشده خالی شده. بعضی از مردم شش ماه یک بار هم گوشت را نمی بینند فرزندان شان هم نمی بینند.^{۱۳۱}

آلبرت بغوزیان، کارشناس اقتصادی حکومتی تصریح نمود: برنامه ای برای بهبود شرایط اقتصادی در کشور دیده نمی شود. سال آینده باز هم آمار بالاتری از افرادی که امکانات اولیه زیست برای شان فراهم نیست، خواهیم شنید.^{۱۳۲}

جامعه ایرانی روز به روز فقیر می شوند و استرس ناشی از این فقر و محرومیت تبعات سنگینی را بر جسم و روح افراد وارد می کند. چنین تنش هایی در کنار احساس نابرابری و تبعیض بعد از مدتی میزان تاب آوری مردم را کاهش داده و به تبع آن میزان بزه و آسیب در جامعه نیز افزایش می یابد. محمدرضا مقدسی مدیر و موسس خانه تاب آوری می گوید: یافته های پرشماری داریم که نشان می دهد افراد فقیر الزاماً قربانی نخواهند بود و در فقر هم می شود چراغ امید را روشن نگاه داشت، اما وقتی مسئله ابعاد بزرگتر اجتماعی و اقتصادی پیدا می کند، قضیه فرق می کند. جامعه فقیر نمی تواند از افراد در معرض آسیب یا آسیب دیده حمایت کند. فقر دشمن دین و دنیای آدم هاست. فقر هویت افراد را مخدوش می کند، چراکه عزت نفس، کرامت، منزلت، استقلال و هویت شخصیتی تحت تأثیر فقر قرار می گیرد و این افراد فرصت آموزش و رشد پیدا نمی کنند.

مقدسی تاکید می کند: زنانه شدن فقر موضوعی بسیار خطرناک است. زنان در مقایسه با مردان از دسترسی یکسان به فرصت های شغلی و درآمد های متناسب با هزینه های زندگی محرومند. این درحالیست که زنانه شدن

خط فقر در ایران

۳۰
میلیون تومان

نظر کارشناس حکومتی:

برنامه ای برای بهبود شرایط اقتصادی در کشور دیده نمی شود.

فقر می تواند تمامی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را به صورت جدی تهدید کند. فقر و زنانه شدن آن اثر یکدیگر را تشدید می کنند. از جامعه ای که گرفتار فقر مزمن زنانه است نمی توان انتظار نمره بالای تاب آوری داشت.^{۱۳۳}

«داود منظور»، رییس سازمان برنامه و بودجه حکومتی آخوندی اذعان کرد که دولت رئیسی در ۷ ماه اول ۱۴۰۲ ۳۰ درصد کسری بودجه دارد. مهدی پازوکی، کارشناس اقتصادی در اینباره فاش ساخت که حکومت آخوندی نفت ایران را «۲۰ تا ۳۰ درصد پایین تر از قیمت های جهانی» می فروشد. وی تصریح کرد: یکی از دلایلی که حدود ۵ سال تورم بالای ۵۰ درصد را شاهد هستیم بخاطر رشد فزاینده نقدینگی است که باز به بی انضباطی پول و مالی برمی گردد که مسئول آن دولت است.^{۱۳۴}

تمدن قدیمی ایران بسوی قهقرا یا زیر و رویی؟

به وضوح روشن است که هیولای فقر جان و هستی مردم ایران را هدف قرار داده و ادامه حکومت دیکتاتوری آخوندی که بجای تمرکز روی وضعیت اقتصادی مردم، نان را از سفره آنان ربوده و صرف تقویت نیروهای تروریستی منطقه می کند، هر روز این هیولا را خطرناک تر می کند.

غلامرضا نوری قزلجه، نماینده مجلس رژیم می گوید: «مسئولان مدام می گویند تورم ۴۰ درصد است، این در حالی است که می بینیم تورم ۱۲۰ درصد است. بازی کردن با این اعداد و رقم ها چیزی نیست که بر مردم پوشیده باشد. اگر لوازم خانگی و خودرو و حمل و نقل را فاکتور بگیریم و فقط دو مولفه ی «خوراکی ها و مسکن» را در تعیین نرخ تورم حقیقی زندگی مردم ملاک قرار دهیم، در یک بازه یکساله اخیر به تورمی بالای ۱۰۰ درصد می رسیم.^{۱۳۵}

اما همانطور که کارشناس حکومتی اذعان کرد، از مردم ایران دیگر نمی توان انتظار تاب آوری داشت چرا که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. محمد باقری بنایی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اظهار وحشت ضمنی از انفجار خشم مردم به جان آمده هشدار داد که افزایش خط فقر و گسترش جمعیت زیر خط فقر در ایران «ممکن است در آینده نه چندان دور» به «مسائل اجتماعی و سیاسی» منجر شود.^{۱۳۶}

روزنامه حکومتی جمهوری نوشت: مردم از شعار شنیدن ها خسته شده اند و برای مثال ذره ای عمل دلتنگی می کنند. فکر نکنید صبر مردم بی پایان است. از روزی بترسید که لشکر گرسنگان علیه شما قیام کنند. اگر به رسالت دینی و قانونی خود که خدمت به محرومین و اجرای عدالت است عمل نمی کنید، لاقط برای بقای خودتان و حکمرانی تان فکری بکنید. مردم نمی پذیرند در کشوری با اینهمه ثروت و امکانات، عده ای به آلاف و الوف برسند و میلیون ها خانواده شاهد تقسیم فقر میان خودشان باشند.^{۱۳۷}

به اعتقاد کمال اطهاری، پژوهشگر اقتصادی حکومتی، این وضعیت «جامعه را از پا خواهد انداخت و منجر می شود جامعه به آن پاسخ دهد که در نهایت دولت آن را اغتشاش می خواند.»^{۱۳۸}

اما کار دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران از پیشگویی و گفتار گذشته است. مردم ایران همانطور که در قیام سال های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ شاهد بودیم، پایان دیکتاتوری ولایت فقیه را می خواهند. در طول تاریخ شاهد بوده ایم که هیچ ملتی را نمی توان تا ابد تحت ستم نگاهداشت. مردم ایران نیز ثابت کرده اند که حاضرند برای آزادی و تغییر سرنوشت خود و نسل های آتی این مملکت به هر فداکاری ای دست بزنند. آنچه تاریخ به ثبت خواهد رساند این است که چه کسانی در سمت درست تاریخ ایستادند و چه کسانی چشم بر جنایات دیکتاتور بستند.

پاروقی ها

۱. سایت رویداد ۲۴، ۱۷ مهر ۹۷
۲. روزنامه جهان صنعت - ۱۴ دیماه ۱۴۰۱ - ۴ ژانویه ۲۰۲۳
۳. سایت حکومتی خبر آنلاین - همتی: ماهی ۲۳ هزار میلیارد تومان پول چاپ شده است - ۱۴ آبان ۱۴۰۲
۴. سایت حکومتی خبر آنلاین - ۱۲ مرداد ۱۴۰۲
۵. خبرگزاری حکومتی انتخاب - ۵ مرداد ۱۴۰۲
۶. رادیو حکومتی فرهنگ - تورم و گرانی کمر مردم را شکسته است مردم توان اینهمه گرانی های روزمره را ندارند - ۲۴ تیر ۱۴۰۲
۷. سایت حکومتی جهان صنعت - سه برابر شدن فقر مطلق در ایران - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲
۸. حکومتی بیان فردا - ۱۷ تیر ۱۴۰۲
۹. سایت حکومتی آفتاب - ۵۰ درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر مطلق - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲
۱۰. دویچه وله فارسی - ۱۰ میلیون خانوار ایرانی "زیر خط فقر" زندگی می کنند - ۱۸ ادی ۱۴۰۰
۱۱. سایت حکومتی جماران - از هر سه ایرانی، یک نفر در فقر مطلق است! - ۱۳ شهریور ۱۴۰۲
۱۲. سایت حکومتی بهار - دولت برای حل مسائل اقتصادی برنامه ای ندارد - ۲۵ تیر ۱۴۰۲
۱۳. سایت حکومتی انتخاب - ۱۷ تیر ۱۴۰۲
۱۴. شبکه حکومتی شرق - سقوط ایران به جمع کم درآمدهای دنیا / جمعیت فقرا ۱۱ میلیون نفر افزایش پیدا کرده - ۹ خرداد ۱۴۰۲
۱۵. سایت حکومتی عرشه - ایران فقیرترین کشور جهان است؟ - ۱۵ آذر ۱۴۰۱
۱۶. سایت حکومتی آفتاب - ۵۰ درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر مطلق - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲
۱۷. سایت حکومتی بهار - درآمد و هزینه خانوار شهری و فقیر در سال ۱۴۰۱ چقدر بود؟ - ۱۴ آبان ۱۴۰۲
۱۸. سایت حکومتی آفتاب - ۵۰ درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر مطلق - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲
۱۹. سایت حکومتی رویداد ۲۴ - سالیانه ۱۱ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می شود/ همه بازارها دچار رکود شده اند - ۱۶ مهر ۱۴۰۲
۲۰. رادیو فردا به نقل از روزنامه «جهان صنعت» - جمعیت زیر خط فقر در زمان انقلاب ۲۰ درصد بود، الان ۶۰ درصد است - ۲۳ مرداد ۱۴۰۱
۲۱. سایت حکومتی خبر آنلاین - ۲ سال پس از رئیس جمهور شدن رئیسی؛ ۱۸ میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر کشور اضافه شد - ۴ مرداد ۱۴۰۲
۲۲. سایت حکومتی خبر آنلاین - سبقت خط فقر از حداقل مزد؟ / دستمزد ۱۴۰۲ به کدام سو می رود؟ - ۱ بهمن ۱۴۰۱
۲۳. خبرگزاری حکومتی ایلنا - حقوق ما به نصف خط فقر هم نمی رسد - ۱۱

- آبان ۱۴۰۲
۲۴. خبرگزاری حکومتی تسنیم - دولت روحانی چطور ۱۱ میلیون ایرانی را زیر خط فقر برد؟ - ۷ خرداد ۱۴۰۲
۲۵. خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۲ برابر شدن جمعیت «زیر خط فقر» طی سه سال اخیر/ ۲۵ درصد جمعیت کشور حاشیه نشین اند - ۱۰ آبان ۱۴۰۰
۲۶. سایت حکومتی کبنا - خط فقر ۱۸ میلیونی و درآمدهای ۶ میلیونی - ۱۱ آبان ۱۴۰۱
۲۷. سایت حکومتی خبر آنلاین - آماری هولناک از ایران؛ بیش از ۶۵ میلیون نفر زیر خط فقر؟ / شاغل بودن به معنای فقیر نبودن نیست - ۲۲ آبان ۱۴۱
۲۸. سایت حکومتی جهان صنعت - گزارش ویژه از گسترش فقر در کشور؛ خط فقر در ایران چقدر است؟ - ۶ خرداد ۱۴۰۲
۲۹. سایت حکومتی انصاف - ۷۰ درصد مردم زیر خط فقر؛ درآمد نفت چه می شود؟ - ۱۶ فروردین ۱۴۰۱
۳۰. سایت حکومتی بهار نیوز - همه چیز در باب «خط فقر ۳۰ میلیون تومانی» - ۲۸ خرداد ۱۴۰۲
۳۱. سایت حکومتی خبر آنلاین - آماری هولناک از ایران؛ بیش از ۶۵ میلیون نفر زیر خط فقر... - ۲۲ آبان ۱۴۰۲
۳۲. خبرگزاری حکومتی خانه ملت - ۸۰ درصد از جامعه ایران زیر خط فقر هستند - ۲۲ اسفند ۱۳۹۶
۳۳. سایت حکومتی عصر ایران - زنان ۲۰ ساله با ظاهری ۴۰ ساله / ۸۰ درصد ایرانیان کمتر از ۱۰ میلیون درآمد ماهانه دارند - ۲۹ آذر ۱۴۰۱
۳۴. سایت حکومتی خبر آنلاین - ۲ سال پس از رئیس جمهور شدن رئیسی؛ ۱۸ میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر کشور اضافه شد - ۴ مرداد ۱۴۰۲
۳۵. سایت حکومتی توسعه ایران - سبد معیشت تهرانی ها به بیش از ۲۳ میلیون تومان افزایش یافته است - ۱۸ شهریور ۱۴۰۲
۳۶. دویچه وله فارسی - آمار رسمی؛ تورم شدید فقیران ایران را به شدت فقیرتر می کند - ۱ مرداد ۱۴۰۱
۳۷. سایت حکومتی بهار - از مدیران تان بپرسید وزن گربه کجا رفته؟ - ۱۰ آذر ۱۴۰۲
۳۸. سایت حکومتی خبر آنلاین - ۱۴ آبان ۱۴۰۲
۳۹. خبرگزاری حکومتی انتخاب - ۲۰ آبان ۱۴۰۲
۴۰. سایت حکومتی آسو - گسترش فقر در ایران - ۲۷ خرداد ۱۴۰۲
۴۱. سایت حکومتی آسو - گسترش فقر در ایران - ۲۷ خرداد ۱۴۰۲
۴۲. خبر گزار حکومتی ایلنا - ۲۲ دی ۱۴۰۲
۴۳. سایت حکومتی بهار - ایرانیان در تله تورم، چاقی، بحران کمبود مصرف پروتئین - ۱۴ آبان ۱۴۰۲
۴۴. سایت حکومتی بهار - ایرانیان در تله تورم، چاقی، بحران کمبود مصرف پروتئین - ۱۴ آبان ۱۴۰۲
۴۵. سایت حکومتی جهان صنعت - گزارش ویژه از گسترش فقر در کشور؛ خط فقر در ایران چقدر است؟ - ۶ خرداد ۱۴۰۲
۴۶. سایت حکومتی آسو - گسترش فقر در ایران - ۲۷ خرداد ۱۴۰۲

- ۴۷. سایت حکومتی خبر آنلاین - کسانی که ریز خط فقر مطلق هستند چگونه زندگی می کنند؟ ۱ آبان ۱۴۰۱
- ۴۸. سایت حکومتی انتخاب - ۲۵ مرداد ۱۴۰۲
- ۴۹. سایت حکومتی آفتاب - ۱۲ مرداد ۱۴۰۲
- ۵۰. سایت دیدبان حقوق ایران - ۱۱ مرداد ۱۴۰۲
- ۵۱. خبرگزاری حکومتی ایلنا - از نان نصفه تا نان نسیه ... - ۱۳ مرداد ۱۴۰۲
- ۵۲. خبرگزاری حکومتی ایلنا - از نان نصفه تا نان نسیه ... - ۱۳ مرداد ۱۴۰۲
- ۵۳. سایت حکومتی خبر آنلاین - آغاز چراغ خاموش و استان به استان افزایش قیمت نان - ۱۴ مرداد ۱۴۰۲
- ۵۴. سایت حکومتی عصر ایران - زنان ۲۰ ساله با ظاهری ۴۰ ساله / ۸۰ درصد ایرانیان کمتر از ۱۰ میلیون درآمد ماهانه دارند - ۲۹ آذر ۱۴۰۱
- ۵۵. سایت حکومتی انتخاب - پزشکیان: بسیاری از جوانان نان شب خودشان را نمی توانند پیدا کنند - ۳ شهریور ۱۴۰۲
- ۵۶. سایت حکومتی جماران - ۱۱ مرداد ۱۴۰۲
- ۵۷. منبع: کیهان لندن- ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۵۸. سایت حکومتی مخابرات ما - مشکلات پیش روی زنان کارگر از دریافت حداقل حقوق تا امضاء چک و سفته سنگین - ۲۸ مهر ۱۴۰۰
- ۵۹. کانال یوتوب محسن سازگارا - نیم میلیون زن سرپرست خانوار با درآمد کمتر از یک میلیون تومان درماه در تهران - ۸ شهریور ۱۳۹۹
- ۶۰. خبرگزاری زن - زنان کارگر؛ دستمزد کمتر در مقابل کار بیشتر در محیط کار - ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ - مه ۲۰۲۳
- ۶۱. سایت حکومتی رکتا - ۱۰ مرداد ۱۴۰۰
- ۶۲. سایت حکومتی مشرق - ۸۳۰ هزار زن در دوره کرونا بیکار شدند + نمودار - ۲۰ فروردین ۱۴۰۱
- ۶۳. سایت حکومتی دنیای اقتصاد - خانم‌ها حقوق بیشتری دریافت می کنند یا آقایان؟ دلیل این شکاف جنسیتی در پرداخت حقوق چیست؟ - ۲۹ آذر ۱۳۹۹
- ۶۴. سایت حکومتی مخابرات ما - مشکلات پیش روی زنان کارگر از دریافت حداقل حقوق تا امضاء چک و سفته سنگین - ۲۸ مهر ۱۴۰۰
- ۶۵. رادیو زمانه - کارگران زن صنایع پوشاک، نمونه‌ی بارز وضع بی‌ثبات کاران در ایران - ۲۶ شهریور ۱۴۰۲
- ۶۶. سایت حکومتی مخابرات ما - مشکلات پیش روی زنان کارگر از دریافت حداقل حقوق تا امضاء چک و سفته سنگین - ۲۸ مهر ۱۴۰۰
- ۶۷. رادیو زمانه - کارگران زن صنایع پوشاک، نمونه‌ی بارز وضع بی‌ثبات کاران در ایران - ۲۶ شهریور ۱۴۰۲
- ۶۸. (خبرگزاری زن - زنان کارگر؛ دستمزد کمتر در مقابل کار بیشتر در محیط کار - ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ - مه ۲۰۲۳
- ۶۹. سایت حکومتی فرارو - آسیب‌های جسمی، جنسی و روحی که زنان کارگر را گرفتار می کند - ۲۱ ددی ۱۴۰۱
- ۷۰. سایت حکومتی فرارو - آسیب‌های جسمی، جنسی و روحی که زنان کارگر را گرفتار می کند - ۲۱ ددی ۱۴۰۱
- ۷۱. خبرگزاری زن - زنان کارگر؛ دستمزد کمتر در مقابل کار بیشتر در محیط

- کار - ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ - مه ۲۰۲۳
- ۷۲. سایت حکومتی فرارو - آسیب‌های جسمی، جنسی و روحی که زنان کارگر را گرفتار می کند - ۲۱ ددی ۱۴۰۱
- ۷۳. سایت حکومتی فرارو - آسیب‌های جسمی، جنسی و روحی که زنان کارگر را گرفتار می کند - ۲۱ ددی ۱۴۰۱
- ۷۴. سایت حکومتی فرارو - آسیب‌های جسمی، جنسی و روحی که زنان کارگر را گرفتار می کند - ۲۱ ددی ۱۴۰۱
- ۷۵. سایت حکومتی فرارو - آسیب‌های جسمی، جنسی و روحی که زنان کارگر را گرفتار می کند - ۲۱ ددی ۱۴۰۱
- ۷۶. سایت حکومتی فرارو - آسیب‌های جسمی، جنسی و روحی که زنان کارگر را گرفتار می کند - ۲۱ ددی ۱۴۰۱
- ۷۷. خبرگزاری حکومتی ایسنا - کمبود ۱۰۰ هزار نیروی پرستاری در مراکز درمانی - ۲۷ تیر ۱۴۰۲
- ۷۸. ایران اینترنشنال - پناهجویی ایرانیان؛ ایران سریع‌ترین رشد مهاجرت را به کشورهای ثروتمند جهان ثبت کرد - ۳۰ آبان ۱۴۰۲
- ۷۹. سایت حکومتی مخابرات ما - مشکلات پیش روی زنان کارگر از دریافت حداقل حقوق تا امضاء چک و سفته سنگین - ۲۸ مهر ۱۴۰۰
- ۸۰. سایت حکومتی مشرق - ۸۳۰ هزار زن در دوره کرونا بیکار شدند + نمودار - ۲۰ فروردین ۱۴۰۱
- ۸۱. سایت حکومتی سلامت نیوز - ۱۴ درصد سرپرستان خانوار در ایران زنان هستند/خودنمایی فقر در زندگی زنان نان آور - ۲۸ مهر ۱۴۰۰
- ۸۲. خبرگزاری رسمی ایرنا - ۳۱ خرداد ۱۴۰۱
- ۸۳. روزنامه حکومتی آرمان امروز - ۱۷ آبان ۱۴۰۱
- ۸۴. روزنامه حکومتی تعادل - زندگی سخت زنان سرپرست خانوار در شرایط اقتصادی کنونی - ۱۹ ددی ۱۴۰۱
- ۸۵. خبرگزاری زنان - ۲ خرداد ۱۴۰۱
- ۸۶. سایت حکومتی آرمان امروز - زنان سرپرست خانوار در تنگنای معیشت - ۷ مهر ۱۴۰۱
- ۸۷. سایت حکومتی آرمان امروز - زنان سرپرست خانوار در تنگنای معیشت - ۷ مهر ۱۴۰۱
- ۸۸. ایندیندنت فارسی - موج فقیرسازی زنان سرپرست خانوار با افزایش تورم و کاهش اشتغال - ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۸۹. سایت حکومتی سلامت نیوز - ۱۴ درصد سرپرستان خانوار در ایران زنان هستند/خودنمایی فقر در زندگی زنان نان آور - ۲۸ مهر ۱۴۰۰
- ۹۰. ایندیندنت فارسی - موج فقیرسازی زنان سرپرست خانوار با افزایش تورم و کاهش اشتغال - ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۹۱. روزنامه تعادل ۱۹/۱۱/۱۴۰۱
- ۹۲. روزنامه حکومتی تعادل - زندگی سخت زنان سرپرست خانوار در شرایط اقتصادی کنونی - ۱۹ ددی ۱۴۰۱
- ۹۳. سایت بیمه ۱۲۱/۲۰۲۰۱۴
- ۹۴. سایت حکومتی سلامت نیوز - ۱۴ درصد سرپرستان خانوار در ایران زنان

- هستند/خودنمایی فقر در زندگی زنان نان آور - ۲۸ مهر ۱۴۰۰
- ۹۵. روزنامه حکومتی تعادل - زندگی سخت زنان سرپرست خانوار در شرایط اقتصادی کنونی - ۱۹ ددی ۱۴۰۱
- ۹۶. سایت حکومتی آنا - ۷۰ درصد تهرانی‌ها زیر خط فقر مسکن هستند - ۲ آبان ۱۴۰۰
- ۹۷. سایت حکومتی شفقنا = ۱۵ مرداد ۱۴۰۲
- ۹۸. روزنامه ایندیندنت فارسی - از گورخوابی تا خانه‌های اشتراکی؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شیوع بی‌خانمانی را تایید کرد ۲۴ مرداد ۱۴۰۲
- ۹۹. دویچه وله فارسی - واکنش‌های متناقض اعضای شورای شهر تهران به اتوبوس‌خوابی - ۱۲ ددی ۱۴۰۰
- ۱۰۰. سایت حکومتی خبر آنلاین به نقل از ایلنا - رقم واقعی خط فقر در تهران اعلام شد - ۲۸ خرداد ۱۴۰۲
- ۱۰۱. سایت حکومتی پیشخوان - بازار مسکن گرفتار تورم خودساخته - ۴ مهر ۱۴۰۲
- ۱۰۲. دویچه وله فارسی - ۲ آبان ۱۴۰۰
- ۱۰۳. سایت حکومتی خبر آنلاین - ۲ سال پس از رئیس‌جمهور شدن رئیسی؛ ۱۸ میلیون نفر به جمعیت زیرخط فقر کشور اضافه شد - ۴ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۰۴. خبرگزاری حکومتی مهر - سکونت ۲۴ میلیون نفری جمعیت کشور در مناطق حاشیه نشین - ۲۰ آبان ۱۴۰۲
- ۱۰۵. دویچه وله فارسی - یک پژوهش: طی سه سال جمعیت زیر خط فقر ایران دو برابر شده است - ۱۰ آبان ۱۴۰۰
- ۱۰۶. روزنامه ایندیندنت فارسی - از گورخوابی تا خانه‌های اشتراکی؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شیوع بی‌خانمانی را تایید کرد ۲۴ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۰۷. دویچه وله فارسی - ۱۲ ددی ۱۴۰۰
- ۱۰۸. دویچه وله فارسی - واکنش‌های متناقض اعضای شورای شهر تهران به اتوبوس‌خوابی - ۱۲ ددی ۱۴۰۰
- ۱۰۹. تجارت نیوز ۱۰۸/۰۱/۱۴۰۰
- ۱۱۰. سایت حکومتی آفتاب - ۵۰ درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر مطلق - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۱۱۱. سایت حکومتی خبر آنلاین - آماری هولناک از ایران؛ بیش از ۶۵ میلیون نفر زیر خط فقر... - ۲ آبان ۱۴۰۲
- ۱۱۲. روزنامه حکومتی اعتماد - واکنش به گزارش «مرگ غم انگیز یک زن در صف نفت» - ۱۳ بهمن ۱۴۰۱
- ۱۱۳. سایت حکومتی همشهری - دیگر کسی پوشاک زمستانه نمی‌خرد... - آبان ۱۴۰۲
- ۱۱۴. سایت هه نگاو - افزایش شمار خودکشی در میان کودکان زیر ۱۸ سال ... - ۱۷ شهریور ۱۴۰۲
- ۱۱۵. روزنامه حکومتی فراز - آمارها سخن می‌گویند؛ نزدیک به ۶۰ درصد مردم ایران زیر سایه فقر قرار دارند - ۱۱ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۱۶. روزنامه جهان صنعت ۲۱۴/۲۰۲۰۱۴

- ۱۱۷. ایران وایر - ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۱۱۸. سایت حکومتی گسترش نیوز - اعضاء بدن به ازای نان رونمایی از روی دیگر فقر؛ فروش دلاری اعضای بدن - ۱۰ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۱۹. خبرگزاری حکومتی رکتا - جولان مافیای مسلح زیاله در تهران از مخازن پسماند تا حصارگاه - ۲۰ مهر ۱۴۰۲
- ۱۲۰. سایت حکومتی تبیان - بچه فروشی برای ۱۰۰ میلیون! - ۳ خرداد ۱۴۰۲
- ۱۲۱. سایت ایندیندنت فارسی - گزارش ایندیندنت فارسی از گسترش پدیده کودک‌فروشی در ایران - ۳۰ شهریور ۱۴۰۲ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۳
- ۱۲۲. خبرگزاری حکومتی میزان - کار کودک گریبان‌گیر حدود ۸ درصد از کودکان کشور است - ۸ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۲۳. سایت حکومتی آسو - گسترش فقر در ایران - ۲۷ خرداد ۱۴۰۲
- ۱۲۴. سایت حکومتی بهار - کلاس‌های بی‌معلم و وزیری که فرافکتی می کند - ۸ آبان ۱۴۰۲
- ۱۲۵. سایت حکومتی عرشه - ایران فقیرترین کشور جهان است؟ - ۱۵ آذر ۱۴۰۱
- ۱۲۶. سایت حکومتی بهار - بانک جهانی: فقر مطلق در ایران ۳ برابر شد - ۱۸ شهریور ۱۴۰۱
- ۱۲۷. خبرگزاری حکومتی ایمن - زنانه‌شدن فقر پدیده‌ای فراگیر/احساس فقر دربی تبعیض و فرصت‌های نابرابر - ۲۸ تیر ۱۴۰۱
- ۱۲۸. سایت حکومتی جهان صنعت - گزارش ویژه از گسترش فقر در کشور؛ خط فقر در ایران چقدر است؟ - ۶ خرداد ۱۴۰۲
- ۱۲۹. سایت حکومتی رویداد۲۴ - هشدار کارشناسان درباره زنانه شدن فقر در ایران - ۱۳ خرداد ۱۴۰۱
- ۱۳۰. کرایه خانه در تهران که رقمی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان است! (سایت حکومتی بهار نیوز - همه چیز در باب «خط فقر ۳۰ میلیون تومانی» - ۲۸ خرداد ۱۴۰۲
- ۱۳۱. شبکه حکومتی خبر = ۱۵ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۳۲. سایت حکومتی آفتاب - ۵۰ درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر مطلق - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۱۳۳. سایت حکومتی رویداد۲۴ - هشدار کارشناسان درباره زنانه شدن فقر در ایران - ۱۳ خرداد ۱۴۰۱
- ۱۳۴. فراز دیلی - گفت‌وگوی فراز با مهدی پازوکی، کارشناس اقتصادی - ۱۷ آبان ۱۴۰۲
- ۱۳۵. خبرگزاری حکومتی ایلنا - از خط فقر ۳۰ میلیون تومانی تا تورم ۱۲۰ درصدی/ شعار ندهید، کارگران نمی‌توانند یک آپارتمان ۴۰ متری اجاره کنند! - ۲۷ تیر ۱۴۰۲
- ۱۳۶. سایت حکومتی خبر آنلاین - ۲ سال پس از رئیس‌جمهور شدن رئیسی؛ ۱۸ میلیون نفر به جمعیت زیرخط فقر کشور اضافه شد - ۴ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۳۷. روزنامه حکومتی جمهوری - از تقسیم فقر میان مردم بترسید - ۲۵ تیر ۱۴۰۲

دارایی های به سرقت رفته زنان ایران

فقر جانسوز و بی عدالتی و سرکوبگری حکومت زن ستیز آخوندی، زندگی زنان ایران را از هر بابت دشوار و دشوار تر می سازد. غارت سرمایه های ملی و ریختن آن به جیب تروریست های منطقه ای هم بصورت روز افزون موجب تخریب محیط زیست و زیرساخت های زندگی شرافتمندانه مردم ایران می شود. خاصه اینکه میلیون ها زن ایرانی در روستاها زندگی می کنند یا با تنگدستی به حاشیه شهرها رانده شده اند، از اولیه ترین نیازهای زیرساختی محرومند. آب لوله کشی، سیستم فاضلاب بهداشتی، برق، کلینیک های درمانی مناسب و در دسترس و حتی راه مواصلاتی مناسب که در مواقع بحرانی بتوانند خود را به سایر مناطق برسانند، ساده ترین الزامات یک زندگی شرافتمندانه است که بسیاری از مردم ایران با رویای آن عمر می گذرانند.



حاشیه نشینی یعنی تراکم فقر و مردمی که نه شهری هستند و نه روستایی. جمعیت متراکمی فاقد ابتدایی ترین و ساده ترین وسایل بهداشتی، خدماتی و فرهنگی.

حاشیه نشینی در اسلام آباد در حومه تهران

انتشار افسار گسیخته و گسترش حاشیه نشینی در اطراف پایتخت

حاشیه نشینی و بازگشت به غارنشینی

حاشیه نشینی معضلی است که میلیون ها زن و دختر ایرانی را به دوران غار نشینی برگردانده است. محمدرضا محبوب فر، کارشناس آسیب های اجتماعی، در تیرماه ۹۹ فاش ساخت که ۳۸ میلیون نفر در ایران حاشیه نشین هستند.^۱ یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت ایران از زیرساختها و سکونت گاه ایمن محرومند که اگر شمار ۲۱ میلیونی ساکنان روستاها را هم به آن بیفزاییم، می توان نتیجه گرفت که حدود ۳ چهارم جمعیت ایران با نقصان های شدید زیرساختی دست و پنجه نرم می کنند. حاشیه نشینی یعنی تراکم فقر و مردمی که نه شهری هستند و نه روستایی. جمعیت متراکمی فاقد ابتدایی ترین و ساده ترین وسایل بهداشتی، خدماتی و فرهنگی. خبرگزاری حکومتی رکنا با اعتراف به «گرانی بیش از حد زندگی در شهرهای بزرگ و سیر صعودی اجاره خانه ها» به این حقیقت تکان دهنده اشاره کرد که قشر متوسط جامعه چاره ای ندارند جز اینکه «کوله بار زندگی را بردوش گرفته و به حاشیه شهرها نقل مکان کنند».^۲ این روزها

قیمت خرید یک آپارتمان بسیار کوچک ۴۰ تا ۵۰ متری حتی با گذشت ۱۰ سال از ساخت در نقاط ارزان و حاشیه تهران تا یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان است. اجاره خانه هم به همین منوال پیش رفته است. رهن یک واحد ۶۰ متری ۸ سال ساخت، در ارزان قیمت ترین منطقه شهر، در طبقه سوم بدون آسانسور و پارکینگ را می تواند با ۱۵۰ میلیون تومان رهن و ۳ میلیون تومان اجاره در اختیار گرفت. البته قیمت ها روزانه بالا می روند و ممکن است وقتی این گزارش را می خوانید چنین خانه ای هم، نایاب شده باشد. با این شرایط مستاجران هر روز به دلیل نداشتن توان مالی برای پرداخت اجاره ها به نقاط دورتری از حاشیه شهرها رانده می شوند.^۳ زنان سرپرست خانوار اولین قربانیان این پدیده هستند چرا که بدون منبع درآمد پایدار و دسترسی به منابع کارآفرینی بدون حمایت اجتماعی رها می شوند و طبعا وسعشان به پرداخت اجاره مسکن نمی رسد.^۴

شرایط زندگی تا سال ۱۳۹۹





۹۰ درصد حاشیه نشینان مبتلا به آگزما



انواع فاضلاب‌های روباز، انباشت زباله، فقدان آب و برق و گاز و ...



گذرگاهها و معابر پرپیچ و خم و کم عرض است



سکونت گاههای دست ساز یا ساختمانها تخریب شده و فرسوده

عمده ترین نماد سیمای نامطلوب مناطق حاشیه نشین، ساختمانهای تخریب شده و فرسوده شده، گذرگاهها و معابر پرپیچ و خم و کم عرض است. حاشیه نشینها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در سطح ملی هستند. وجود انواع فاضلاب های روباز در کنار بسیاری از کوچه های مناطق حاشیه نشین که محلی برای دفن زباله های محلی است، باعث ایجاد فضاهای غیر بهداشتی شده و بسیاری از بیماریهای گوارشی و پوستی را منتقل می کند. حدود ۹۰ درصد از حاشیه نشینان دارای نوعی آگزما و بیماری پوستی هستند.

مشکلی عمومی دیگر حاشیه نشینان «بیکاری و نداشتن شغل دائم سرپرست خانوار»، «مشکلات مالی و کمبود درآمد»، «نداشتن مسکن مناسب»، «محیط نامناسب اجتماعی و فرهنگی»، «عدم رسیدگی شهرداری» است. ترافیک سنگین از دیگر مشکلات مناطق حاشیه نشین است که ساخت و سازهای غیرمجاز، خیابانهای کم عرض و پیاده‌روهای باریک و غیراستاندارد از جمله دلایل آن به شمار می‌رود. این معضل درحالی است که در هنگام بروز حوادثی مانند سیل، زلزله یا آتش‌سوزی با وجود خیابانها و معابر باریک پیچ درپیچ و بعضاً بن بست در حاشیه شهر، عملیات امداد رسانی با مشکلات بسیاری مواجه می‌شود.^۵ علیرضا نعمت سلطانی، مدیرعامل آب و فاضلاب استان اردبیل اعتراف می کند که در این مناطق با معضلاتی برای تأمین آب شرب مواجه هستیم. در سکونتگاه‌های غیررسمی

و حاشیه شهرها که شهرداری مجوز ساخت و ساز صادر نمی کند، اغلب با حفر چاه های غیرمجاز و استفاده آب به صورت خام و غیربهداشتی مواجه می‌شویم که سلامت ساکنان را نیز تهدید می کند.^۶

وجود فضای سبز و امکانات تفریحی برای کودکان نیز در این مناطق اصلاً قابل تصور نیست.^۷ کودکان عموماً سوء تغذیه دارند و از زندگی و دنیای کودکان خود لذتی نمی‌برند. این کودکان به دلیل وارد شدن به بازار کار و عدم دسترسی به مدارس و عدم توانایی مالی، از تحصیل محروم می شوند.^۸

رشد حاشیه‌نشینی همزمان با تشدید تورم، افزایش شدید قیمت مسکن و زمین و بروز التهابات ارزی و همچنین افزایش نابرابری‌های درآمدی، ابعاد جدیدی به خود گرفته است. این وضعیت، ماحصل ساز و کار تبعیض آمیز و توزیع ناعادلانه منابع قدرت و ثروت است. در سال های اخیر با دو دسته جمعیت مهاجر به حاشیه شهرها روبه‌رو هستیم؛ دسته اول کسانی هستند که به واسطه گرانی مسکن و زمین، از دست دادن شغل به حاشیه مهاجرت کرده‌اند از آنجا که عمده زنان سرپرست خانوار اگر شاغل باشند در مشاغل غیررسمی مشغول به کارند و این مشاغل بیشترین آسیب را از کرونا دیده‌اند، بسیاری از این گروه حاشیه نشینان را خانواده های زن سرپرست تشکیل می دهند.

دسته دوم مهاجرین به حاشیه شهرها و سکونتگاه های غیررسمی نیز ساکنان مناطق روستایی هستند که به واسطه

خشکسالی های پی‌درپی، شغل خود را در روستا از دست داده و به امید دستیابی به مشاغل بهتر عازم شهرج شده‌اند. در این خصوص، گزارش مرکز آمار ایران از آمارهای مربوط به اشتغال در بخش کشاورزی ایران نشان می‌دهد بین سال های ۱۳۸۴ تا تابستان ۱۴۰۱ تعداد شاغلان بخش کشاورزی ایران با کاهش ۱.۳ میلیون نفری از پنج میلیون و ۱۰۰ هزار نفر به سه میلیون و ۷۶۳ هزار نفر در سال ۱۴۰۱ رسیده است.^۹

حاشیه نشینان با هر چیز که توانسته اند برای خود سکونت گاه ساخته اند. برخی در شرق تهران، زاغه نشینند. زاغه ها در پایین تر از سطح معمول زمین یا در دیوار گود زمین یا کوه کنده می شود. در این سکونتگاه ها مصالح ساختمانی به کار گرفته نمی شود.

برخی آلونک نشینند. یعنی با مصالح کهنه مختلف از قبیل قطعات بی مصرف اتومبیل، وسایل منزل، مقوا، حلب و نایلون اتاقکی ساخته اند. این نوع سکونت گاهها در همدان، تهران و کرمان دیده می شوند.

حاشیه نشینان سیستان و بلوچستان و خوزستان بیشتر کپر نشینند. کپر ها عمدتاً از حصیر ساخته می شوند که اگر بتوانند روی آن را با نمد می پوشانند.

سکونت گاه گرگین نشینان در تهران، خوزستان و بندرعباس دارای دیوار معمولی با مصالح ساختمانی، اما سقف حصیری است.^{۱۰}

مجتبی یوسفی، عضو کمیسیون عمران مجلس رژیم آمار حاشیه نشینی در ایران را ۲۰ میلیون نفر یعنی تقریباً یک چهارم جمعیت ایران تخمین می زند. به گفته او بازار مسکن متأثر از تورم ۵۰ درصدی است. سالیانه ۸۰۰ هزار ازدواج جدید صورت می گیرد که به جمعیت مستاجران کشورمان اضافه می شود، این در حالی است که در هشت سال گذشته دولت با افتخار اعلام کرد هیچ مسکنی نساخته است.^{۱۱}

محمد حسن مقیمی استاندار سابق تهران در سال ۹۶ گفت: ۴.۵ میلیون نفر در استان تهران در بافتهای فرسوده و حاشیه شهرها زندگی می کنند.^{۱۲} هرچند مسعود شفیعی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران در سال ۱۴۰۰، هنوز همین آمار را ارائه داد اما ذکر اینکه این جمعیت ۳۱ درصد مردم تهران را تشکیل می دهند حائز اهمیت است.^{۱۳} اما متأسفانه پدیده حاشیه نشینی در ایران رو به گسترش است. احمد صادقی عضو شورای شهر تهران در این باره میگوید: در طول سالها شاهد بودیم که حاشیه نشینی افزایش تصاعدی داشته است.^{۱۴}



در استان کردستان ۵۱ درصد جمعیت شهری حاشیه نشین هستند. در شهرستان سنندج به تنهایی چهار ناحیه منفصل شهری وجود دارد که نه از خدمات روستایی بهره‌مند می‌شوند و نه از خدمات مدیریت شهری استفاده می‌کنند. بین ۴۰ تا ۵۰ درصد اشتغال این استان نیز غیررسمی است. به این معنی که بسیاری از مردم این مناطق و حتی شمار قابل توجهی از زنان برای امرار معاش به شغل مشقت بار کولبری مشغولند.^{۱۵}

بیش از ۴۰ درصد از جمعیت استان هرمزگان و ۵۰ درصد از کل جمعیت شهر بندرعباس در مناطق حاشیه نشین و بافت فرسوده زندگی می‌کنند.^{۱۶}

بیش از ۳۰۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیون نفری کرمانشاه نیز در حاشیه‌ها زندگی می‌کنند. جنگ آخوند ساخته ایران و عراق ۴۰۰ روستای استان را خالی از سکنه کرد و نتیجه آن مهاجرت خیل جمعیت به شهر کرمانشاه بود که بعد از گذشت ۳۵ سال، هنوز حاشیه نشین هستند.^{۱۷}

از سیستان و بلوچستان به عنوان «رکورددار حاشیه نشینی» یاد می‌شود، چراکه فقط در ۴ شهر آن بیش از یک میلیون نفر حاشیه نشین زندگی می‌کنند. ۶۳ درصد جمعیت چابهار در حاشیه شهر و سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند.^{۱۸}

از جمعیت ۳ میلیون نفری استان البرز، یک سوم حاشیه نشین هستند و در ۲۵ نقطه سکونتگاه غیررسمی در دل شهرهای کرج و فردیس از امکانات شهری محرومند.^{۱۹}

حاشیه شهرها همچنین بستر آسیب‌های اجتماعی و ناامنی است. انواع بزهکاری‌ها مانند زورگیری، قاچاق، فروش مواد مخدر، خشونت و نزاع، موزیک متن حاشیه نشینی است.^{۲۰}

زنان حاشیه نشین نه تنها از فقر مادی و گیر افتادن در تله محرومیت رنج می‌برند بلکه فقر از طریق مؤلفه‌های فرهنگی شامل بی‌تفاوتی اجتماعی، نابسامانی خانوادگی و ناامیدی، به ایجاد و افزایش آسیب در این زنان منجر شده است. آنان نه تنها در حوزه سلامت جنسی و باروری آموزشی ندیدند بلکه در زمینه رعایت بهداشت نیز بی‌اطلاعدند. نسبت بی‌سواد و کم‌سواد در بین زنان حاشیه نشین شهرها بالاست و همین آنها را نسل اندر نسل گرفتار تله فقر می‌سازد. زنان و دختران مناطق حاشیه نشین جزو جمعیت آسیب پذیر هستند و در هیچ زمینه ای امنیت

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

بی‌ابی در روستاها



اغلب روستاهای ایران آب لوله کشی ندارند.

زنان و دختر بچه‌ها بصورت سنتی مسئول تامین آب خانه هستند.

حمل ظروف سنگین در مسافت‌های طولانی تا ۷۰ کیلومتر آسیب‌های جسمی و روانی متعددی برای زنان ببار می‌آورد.

زندگی خشک و آرزوی آب

فقرات، کم‌درد و سقط جنین می‌کند.

آبی که آنها برای حمل آن چنین رنجی را متحمل می‌شوند آب غیر بهداشتی هوتگ هاست^{۲۶} که خود مشکلات عدیده دیگری را به آنان تحمیل می‌کند. بارها اتفاق افتاده است که آنها در حال برداشت آب غرق شده و یا به طعمه ای برای تمساح مبدل شده‌اند.^{۲۷}

بیش از ۵۰ درصد جمعیت ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفری سیستان و بلوچستان در روستا زندگی می‌کنند. ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت روستایی سیستان و بلوچستان اصلاً شبکه آب ندارند؛ ۱۲۶۱ روستا با تانکر آبرسانی می‌شوند.^{۲۸}

احمد درازهی، دهیار روستای بورویی از توابع شهر سیرکان توضیح می‌دهد: هر ۱۵ تا ۲۰ روز به هر خانواده ۲۰۰۰ لیتر آب از طریق تانکر رسانده می‌شود (یعنی هر روز ۱۰۰ لیتر برای یک خانوار) که برای تمام مصرف اعم از شستشو، نظافت، آشامیدن و... است با این توضیح که خانواده‌های این منطقه اکثراً پرجمعیت هستند. حال آنکه استاندارد جهانی برای هر نفر، ۱۵۰ لیتر در روز است.^{۲۹}

جواد سپاهی، معاون استاندار سیستان و بلوچستان اذعان می‌کند: «متأسفانه در چند متری دریا، شهر و بندر اقیانوسی چابهار مردم سالها بدون آب هستند و با مشکلات زیادی

بی‌آبی یکی از اصلی‌ترین دلایلی است که مردم را مجبور به ترک روستا و شهرهایشان می‌کند که در اغلب موارد راهی جز حاشیه نشینی نمی‌یابند. زنان روستایی و حاشیه نشین، بیش از هر قشر دیگری، با طیفی از خشونت‌ها و آسیب‌ها مواجهند. عدم برخورداری از آب لوله کشی، زنان و دختر بچه‌ها را به کولبری آب و می‌دارد تا مینیمم آب مورد نیاز خانواده را از مسافت‌های دور به خانه‌های خود برسانند. در اغلب روستاهای ایران آب لوله کشی وجود ندارد و زنان و دختر بچه‌ها بصورت سنتی مسئول تامین آب هستند. حمل روزانه آب در ظروف سنگین که به ۷۰ کیلو هم می‌رسد در مسافت‌های طولانی آسیب‌های جسمی و روانی متعددی برای زنان ببار می‌آورد.^{۲۵}

سیستان و بلوچستان استان انباشت محرومیت هاست. در همه روستاهای این استان حتی یک متر لوله گذاری هم صورت نگرفته است. ۸۰ درصد شهروندان در شهر زاهدان با قطعی آب مواجهند. دختران و زنان روستایی باید روزانه چند بار، مسافتی طولانی در مسیرهای بسیار ناهموار را در گرمای ۵۰ درجه تابستان و در سرمای زمستان طی کنند. این، قصه هر روز زندگی این زنان است که آنان را دچار انواع بیماری‌ها همچون دیسک کمر، شکستن مهره‌های ستون

انواع

سکونت‌گاه‌های حاشیه‌نشینان

آلونک



کپر



گرگین



زاغه



حلبی



ندارند.^{۲۱}

حکومت آخوندی بجای تأمین زیرساخت‌های زندگی برای مردم، خانه‌های حاشیه نشینان را تحت عنوان مجوز نداشتن و برای تصرف زمین‌ها، بی‌رحمانه بر سر آنان تخریب می‌کند. حسین زاده، معاون مسکن و ساختمان راه و شهرسازی استان اردبیل ضمن اعتراف به اینکه «حاشیه زاییده سیاست‌های ماست» با اشاره به تخریب خانه‌ها، این برخورد را موجب «ایجاد برخوردهای خشن و ایجاد نارضایتی» و همچنین «معضلات عدیده اجتماعی» می‌داند.^{۲۲}

نمود بارز این اتفاق، واکنش حاشیه شهرها به گرانی بنزین در آبان ۱۳۹۸ است^{۲۳} که قیام سراسری در آن سال را جرقه زد. علاوه بر سکونت‌گاه‌های غیررسمی، بسیار مناطق شهری ایران هم فرسوده و فاقد استانداردهای زیرساختی زندگی هستند. به عنوان مثال در حاشیه شمال غرب تهران، محله ای به نام اسلام آباد قدمتی ۴۰ ساله دارد. خانه‌هایی با بافت قدیمی، فرسوده و سست بنیاد که در مقابل حوادثی مانند زلزله بسیار آسیب پذیرند.^{۲۴}



سرانه آب در سیستان و بلوچستان

روزی ۱۰۰ لیتر
برای یک خانواده پر جمعیت
برای تمام مصارف اعم از
شستشو، نظافت، آشامیدن و...



استاندارد جهانی

استاندارد جهانی
روزی ۱۵۰ لیتر
برای هر نفر می باشد.

ساختمانهای فرسوده و خدمات در سایه مرگ

بیمارستان ها

در جریان همه گیری ویروس کرونا، جهان به چشم دید که خامنه ای جنایتکار، چگونه با ممنوع کردن ورود واکسن های معتبر به ایران، بیش از نیم میلیون نفر را قربانی بقای نظام نا مشروع خود نمود. این رژیم از فقر و درگیری مردم با مسائل و محرومیت های روزانه زندگی سود استراتژیک می برد. به زعم آنها، مردم در گیر مشکلات، دیگر رمقی برای اعتراض و قیام نخواهند داشت. بنابراین، مقامات حکومت فاسد آخوندی هیچ بودجه ای را صرف منافع عام المنفعه نمی کنند مگر اینکه برای خودشان سودی داشته باشد.

اشراف به این مسئله ضروری است، اما نگاهی به برخی محدودیت های خدماتی بر روی زیر ساختهای ویران و فرسوده، ما را در حد محدود هم که شده با رنج مردم و زنان ایران آشنا کرده و در کنار آنان قرار می دهد.

یکی از اولیه ترین خدمات، خدمات درمانی در بیمارستانهایی است که عمدتاً در ۵۰ سال پیش متوقف مانده اند. امیر ساکی، مدیر کل منابع فیزیکی وزارت بهداشت اذعان می کند: حدود ۷۰ درصد ساختمان های درمانی فرسوده اند. این میزان در تهران بیش از ۸۰ درصد است. بیش از ۹۰ درصد بیمارستان های فرسوده امکان مقاوم سازی ندارند. بیمارستان سوختگی مطهری تهران تاکنون ۱۰ بار اخطار آتش نشانی دریافت کرده است.

ساکی ضمن تصریح ضمنی این حقیقت که سلامت مردم هیچ اهمیتی برای حکومت ندارد گفت: معضلات و چالش های بسیاری برای ایمن سازی بیمارستان ها وجود دارد. بسیاری از شاخص های ایمن سازی نیازمند اعتبارات لازم در حوزه عمرانی سلامت است. در حال حاضر سهم سلامت از تملک های دارایی سرمایه ای یک درصد است.^{۳۷}

سعید کریمی، معاون درمان وزارت بهداشت در این مورد می گوید: اعتبار خاصی برای ایمن سازی در نظر گرفته نشده و از منابع جاری وزارت بهداشت نمی دانم چه میزان می توانیم این حجم از کار را انجام دهیم.^{۳۸}

اما سیل ویرانگر سال ۱۳۹۸ که اغلب استانهای ایران را در نوردید زیر ساخت های موجود، از جمله لوله کشی آب ها را به شدت تخریب کرد بطوریکه پنج میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به ۱۵۰ متر خط لوله انتقال آب آلولک به ایوانکی گرمسار خسارت وارد کرد و لا اقل تا یک سال بعد، هیچ اقدامی برای حل این مسئله صورت نگرفت. به گفته قاسم تقی زاده خامسی معاون آب و آبفا وزیر نیرو، در سیل خوزستان ۷۰ کیلومتر خطوط فاضلاب اهواز از رده خارج شد و تا فروردین ۹۹ هنوز نیمی از آن در همان وضع رها شده بود.^{۳۵}

در کرمان، در یک طرف خیابان علی اصغر، لوله کشی آب دارند، طرف دیگر سال هاست آب ندارند و همچنان هم هر کجا مراجعه می کنند جوابی نمی گیرند. ساختمان ها هم غیرقانونی ساخته نشده اند و تخلفی از این بابت از طرف اهالی وجود ندارد.

اهالی این منطقه می گویند، خیلی چیزهای دیگر هم نداریم اما نداشتن آب درد و رنج دیگر و غیر قابل تحمل تری است. می گویند نداشتن آسفالت هم مشکل ساز است؛ کوچه های خاکی؛ بعضی جاها به شنزار تبدیل شده بود؛ یک خودرو یا موتورسیکلت که رد می شود، گرد و غبار کولاک می کند.

یک خانم اهل این منطقه، دارای ۳ کودک گفت: حتی زباله هایمان هم جمع آوری نمی شود، ما زباله هایمان را همانند بی خانمان ها روی ماشینمان می گذاریم و سر بزرگراه می گذاریم؛ معابرمان آسفالتی ندارد ولی با این حال پول عوارض خدمات شهری هم می گیرند و واقعا خنده دار است. بچه هایمان بیماری آسم و بیماری های تنفسی و عفونی گرفتند و دکتر می گوید که نباید در گرد و خاک باشند اما چاره ای نداریم.

محمد طاهری، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان کرمان اعتراف می کند که مشکل فقط این محله نیست بلکه دست کم ۳ نقطه دیگر شهر با همین مشکل مواجه است. یعنی در جای جای شهر، زمین تفکیک و واگذار شده و ساختمان سازی می شود اما زیر ساخت انتقال آب وجود ندارد.^{۳۶}

با مشکلات فراوانی چه به لحاظ بهداشت و سلامت فردی و چه به لحاظ نگهداری و مراقبت از کودکان خود، مواجه هستند. آنها برای تهیه آب آشامیدنی باید ساعتی طولانی در صف بایستند تا بتوانند یک دبه آب قابل شرب از طریق تانکرها تهیه کنند.

یکی از اهالی روستاهای عروه استان کهگیلویه و بویراحمد می گوید: «باید با الاغ و قاطر برویم سرچشمه آب بیاوریم، از آب این چشمه انواع حیوانات وحشی استفاده می کنند و ما هم از همان جا آب آشامیدنی خانواده را تأمین می کنیم. لوله کشی آب نداریم، وقتی لوله کشی نیست برای حمام باید آب را خودمان حمل کنیم، با هیمة آتش درست کنیم، آب را گرم کنیم، تا بتوانیم حمام کنیم. قطعاً نظافت شخصی در این شرایط کم رنگ شده و بیماری های عفونی و لاعلاج محل رشد پیدا می کنند.»^{۳۳}

شهر بزرگ بیرجند در خراسان جنوبی سال هاست با خشکسالی دست و پنجه نرم می کند طوریکه شاهد روی آوردن کشاورزان به مشاغل کاذب و مهاجرت از روستاها هستیم. اهالی ۴۰۰ روستای خراسان جنوبی در تابستان دبه به دست منتظر رسیدن تانکرهای آبرسانی هستند. حسین امامی، مدیرعامل شرکت آب فاضلاب استان گفت: ۲۷ روستای بالای ۲۰ خانوار استان از آب پایدار بهره مند نیستند.^{۳۴}

مواجهند. وی همچنین از عدم وجود برق در دستکم ۳ روستا خبر داده و گفت: «برای نصب چند تیر برق و ترانس برق اعتبارات زیادی نیاز نیست و نمی دانم چرا بررسی لازم در این خصوص انجام نمی گیرد و روستانشینان باید سالها در انتظار باشند یا بدون برق یا در حد روشنایی و عدم روشن شدن وسایل برقی روزگار بگذرانند. مشکل روستاهای برق دار هم تغییر ولتاژ است که موجب صدمه دیدن و سوختن وسایل برقی مردم می شود.»^{۳۲}

اما بحران فقط به روستاها محدود نمی شود. سیرکان، یکی از شهرهای سیستان و بلوچستان با بیش از سه هزار نفر جمعیت در ۶۵ کیلومتری سد ماشکید است. با این حال مردم این شهر در هر گوشه ای از شهر در چاله ها و چاه های غیربهداشتی دنبال یافتن آب هستند و آرزویشان بارش باران است. خانه های آنها لوله دارد اما حکومت آخوندی بجای وصل آب، اگر به تأخیر نیفتد تنها هر سه هفته یک بار به این شهر تانکر آب می فرستد.^{۳۱}

بی آبی در همه استانهای ایران ملموس است. مجتبی یوسفی عضو مجلس رژیم در اهواز اذعان کرد که مردم ۸۰۰ روستای خوزستان به رغم نزدیکی به ۵ سد بزرگ و ۷ رودخانه به آب شرب پایدار دسترسی ندارند.^{۳۳} زنان خوزستان در نبود آب شرب و قطعی های مکرر آب

علیرضا زالی، رئیس دانشگاه بهشتی خیر از فرسودگی ۵۰ بیمارستان در شهر تهران داده و افزود: ۷۰ درصد بیمارستان های پایتخت قدمت بالای ۴۰ سال دارند. سه هزار و ۲۰۰ هکتار از کالبد پایتخت فرسوده است که مراکز بهداشتی و درمانی در این محدوده قرار دارند. از مجموع ۱۵۵ هزار تخت بیمارستانی، ۸۵ درصد آنها مستهلک و قدمت بالا دارند. با توجه به اینکه ایران از نظر زلزله خیزی جزو پنج کشور دنیا است و اینکه تهران روی پنج گسل قرار گرفته، بلایای طبیعی نیز می تواند تهدیدی برای مراکز بهداشتی و درمانی باشد.^{۳۹}

مردم قزوین بیمارستانهای شهرشان را «کشتارگاه» و «قتلگاه» می نامند! که هر هفته ۳ کشته می سازد! تخت بیمارستانی نیست! تجهیزات فرسوده است! بیمارستان رجایی که مجهزترین بیمارستان این شهر می باشد، متعلق به ۴۰ سال پیش است.^{۴۰}

رمضانعلی سنگدوینی، نماینده مجلس رژیم اعتراف کرد: بیشتر بیمارستانهای گلستان فرسوده هستند. کمبود تخت بیمارستانی، مطالبات بیمه ها، تجهیزات بیمارستانی و پزشکی از جمله مشکلات بیمارستانهای استان است.^{۴۱} در چابهار، قسمت هایی از ساختمان بیمارستان امام علی با

جک آهنی نگهداری می شود که هر لحظه ممکن است بر سر بیماران بیفتند. ساختمان بیمارستان چنان فرسوده شده که حتی میلگرد های ساختمان به راحتی دیده می شود. این بیمارستان فاقد سیستم مرکزی تهویه هوا و نه تنها برای بیماران بلکه برای تردد افراد سالم هم نامناسب است. بیشتر دستگاه های تهویه موجود هم، به دلیل استفاده از آب شور و بی کیفیت تانکر از کار افتاده اند.

سرانه تخت بیمارستانی در جنوب بلوچستان ۶ دهم است که در مقایسه با ۱۸ دهم استاندارد وزارت بهداشت پایین تر و در وضعیت بحرانی قرار دارد.

این بیمارستان همچنین، با کمبود شدید پزشک، پرستار، نیروی انسانی و کمبود امکانات بهداشتی و درمانی و نبود تخصص های لازم مواجه است. باید موضوع قطع مکرر آب در این شهر اقیانوسی را هم به فجایع بیمارستان این شهر افزود.^{۴۲}

در دهدهشت، فرسودگی ساختمان بیمارستان خمینی با گذشت ۴۰ سال از زمان ساخت، زنگ خطر برای بیماران است. منصور تقوی، مدیر شبکه بهداشت و درمان کهگیلویه اعتراف می کند که «تمامی سیستم های فاضلاب و برقی این بیمارستان فرسوده و قدیمی است. زیر ساخت ها



شرایط وخیم ساختمان های درمانی



فرسوده بوده و سیستم چیلرهای این بیمارستان خراب است. این در حالی است که ۴ شهرستان و ۷ بخش تحت پوشش این بیمارستان قرار دارند.^{۴۳}

۱۳ بیمارستان از مجموع ۱۵ مرکز درمانی شیراز که یک قطب پزشکی ایران بشمار می رود، عمری بیش از ۵۰ و تا قریب به ۱۰۰ ساله دارند و در واقع عمرشان به سر آمده اما هنوز با ظریب اشغال بیش از ۱۰۰ درصد به کار مشغول هستند. در بخشهای درمانی که برای ۲۰ نفر ایجاد شده در بعضی مواقع ۸۰ بیمار بستری است.

سید ابوالفضل هاشمی، معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی شیراز گفت: حدود ۹۰ درصد تخت های بیمارستانی، قدیمی و نگرانی درباره سازه آن وجود دارد.^{۴۴}

پس از حادثه تلخ فرو ریختن ساختمان متروپل آبادان در خرداد ۱۴۰۱ لیستی غیررسمی از ساختمانهای نا ایمن دارای اخطار آتش نشانی، منتشر شد. پیش از این هم، آسیب جدی به بیمارستان هریس، بعد از زلزله هریس-ورزقان، عدم کارایی بیمارستان تازه ساز سرپل ذهاب بعد از زلزله کرمانشاه و همچنین حادثه انفجار در کلینیک سینا اطهر تهران و جان باختن تعدادی از هموطنان در پی آن، نشان داد که جدا از بحث فرسودگی؛ نبود ایمنی سازه ای و همچنین تجهیزاتی و نبود نظارت و دقت کافی در ساخت

بیمارستانهای جدید هم جدی تر از آن است که بتوان از کنار آن به سادگی عبور کرد. فاجعه ای که بحرانها و بلایای طبیعی می توانند در مراکز درمانی ایجاد کرده و بیمارستانهایی را که در مواقع بحران باید کمک رسان مصدومان و مجروحان باشند، فلج کنند.

غلامرضا معصومی، عضو بورد سلامت در بلایای وزارت بهداشت گفت: علاوه بر بیمارستانهای فرسوده، بیمارستانهای تازه سازی را هم داشتیم که ایمنی کافی را نداشته اند. به عنوان مثال در زلزله ورزقان- بیمارستان هریس را داشتیم که یکسال بعد از تحویل، با آن زلزله چنان آسیبی دید که مجبور شدیم حتی بیماران خود بیمارستان را هم تخلیه کنیم. بیمارستان هریس بیش از ۱۵ یا حتی ۲۰ سال فرآیند ساختش طول کشیده اما وزارت راه و شهرسازی که متولی ساخت بیمارستانهای وزارت بهداشت بود، چندان هم پاسخگو نبود. یا در زلزله کرمانشاه، بیمارستان خمینی را داشتیم که بیش از یکسال از زمان تحویلش گذشته بود، اما در زلزله دچار مشکل شد. معصومی می افزاید: ۹۷ درصد مناطق کشور ما گسل دارد. در زلزله بالای هفت تا ۷.۵ ریشتر که به عنوان مثال می تواند غایت شهر تهران باشد، خرابی شهر به ویژه در مناطق مرکزی به شکلی خواهد بود که خیلی قدرت این را نداریم که حتی بیمارستان را در خیابانها جابجا کنیم.^{۴۵}

مدارس

مدارس فرسوده که هر لحظه ممکن است جان کودکان را بگیرند، خان دیگری از زندگی در جهنم آخوندساخته در ایران است. به گفته رضا درمان، مدیرعامل موسسه خیریه جامعه، اذعان می کند که، «وزارت آموزش و پرورش برای ساخت مدارس دست به جیب نمی شود» و می افزاید: سرانه آموزش در کشور ما ۵ مترمربع به ازای هر دانش آموز است. یعنی یک مدرسه ۱۰۰ نفره باید ۵۰۰ متر زیربنا داشته باشد. هرچند که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش این عدد را بر روی کاغذ به ۸ متر ارتقاء داده است، سرانه بعضی مراکز آموزشی در حال حاضر زیر نیم متر مربع است. برای مثال مدرسه ای وجود دارد که ظرفیت کلاس های آن ۲۰ دانش آموز است اما ۵۰ نفر داخل آن برای یادگیری نشسته اند. در خیلی از استان ها ۳۰ درصد مدارس تخریبی و فرسوده هستند و می توانند آسیب زا باشند. خیلی اوقات به خاطر دور بودن مسافت مدرسه یا حضور معلم مرد در کلاس ها، خانواده ها اجازه تحصیل به دخترانشان را نمی دهند.

۷۰ درصد از کودکان بازمانده از تحصیل فقط به دلیل دوری از مدرسه ترک تحصیل می کنند.^{۴۶}

مهرااله رخشانی مهر، رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس و معاون عمرانی وزیر، می گوید: در حال حاضر ۱۹.۵ درصد مدارس کشور ایمن نیست.^{۴۷} بر اساس برآوردها ۱۰۰ هزار مدرسه در کشور نیاز به مقاوم سازی و بازسازی دارد و این موضوع به این دلیل حائز اهمیت است که اگر زلزله ای مانند زمین لرزه های اخیر افغانستان در کشور داشته باشیم، جان بسیاری از دانش آموزان به خطر خواهد افتاد. وی اضافه کرد: ۵ هزار پروژه مدرسه خیرساز داریم که به صورت نیمه کاره رها شده اند. یعنی خیرین سهم ۵۰ درصدی خود را پرداخت کرده اند ولی به دلیل عدم پرداخت سهم از جانب دولت، پروژه نیمه تمام باقی مانده است و این مسئله منجر به کاهش استقبال خیرین از مدرسه سازی می شود.^{۴۸}

محمد وحیدی، نائب رئیس کمیسیون آموزش مجلس گفت: ۳ میلیون دانش آموز در مدارس بسیار فرسوده تحصیل می کنند و با اعتبارات عادی، مقاوم سازی و بازسازی مدارس ۳۰۰ سال به طول می انجامد.

در استان تهران ۲۸ درصد مدارس فرسوده است که ۱۰ درصد آن یعنی ۶ هزار کلاس درس، نیازمند تخریب و بازسازی هستند. مدارسی با عمر بیش از ۷۰ سال که در این

مدارس فرسوده



وضعیت تحصیلات در روستاها



مدت هیچ امر بازسازی یا بهسازی برای آنها انجام نشده است.^{۴۹} محمد دلاوریان، مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس البرز از کمبود ۷ هزار کلاس درس در این استان خبر داد که از ۱۵۰۰ مدرسه موجود در این استان ۴۵۰ مدرسه فرسوده، قدیمی و خطرناک هستند.^{۵۰} کلام الله صفری، مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل، گفت: ۱۲۰ مدرسه در استان عمدتاً در شهر اردبیل تخریبی بوده و باید بازسازی شوند.^{۵۱} مجید نسیمی، سرپرست اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان اصفهان گفت: «در استان اصفهان ۱۰ هزار و ۳۴۴ کلاس درس با قدمت بالای ۴۰ سال وجود دارد.^{۵۲} در عمده روستاهای استان سیستان و بلوچستان مدارس تا کلاس ششم ساخته می شوند، و معلم ها عموماً سرباز معلم ها هستند. پس از کلاس ششم، دانش آموزان برای ادامه تحصیل باید به مدارسی بروند که عمدتاً در بخش یا خود شهرستان واقع شده است. مسیرها طولانی و صعب العبور است و هیچ دانش آموزی نمی تواند به طور مدام در این مسیرها تردد کند. این مسئله باعث ترک تحصیل شمار زیادی از دختران می شود. طی سالهای گذشته یکی دو خوابگاه برای دختران ساخته شده است اما تراکم دانش آموزان دختر در آن سه یا چهاربرابر ظرفیت خوابگاه ها است.^{۵۳} به گفته هادی سلیمی دهیار روستای حاتم آباد در شهرستان کبودرآهنگ، این روستا ۱۲۰ دانش آموز دارد. در حالی که تنها مدرسه روستا، ۵۰ سال قدمت دارد و تخریبی است.

ضمن اینکه فقط مقطع دبستان را می پذیرد. بعد از دبستان، دانش آموزان باید به روستای مهدی آباد به فاصله ۵ کیلومتر بروند که آن هم کانکس و مختلط است و خانواده ها به دلایل فرهنگی حاضر به فرستادن دخترانشان به مدارس مختلط نیستند.

۱۲ هزار از همین مدارسی که در بسیاری روستاها وجود ندارد خشتی، کپری و کانکسی هستند. هر وزیر آموزش رژیم یکبار اعلام می کند که «مدارس کپری و کانکسی در کشور برچیده می شود» اما هنوز مدارس کانکسی و فرسوده در ایران فراوانند. مرزبان نظری، مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کرمانشاه از وجود ۲۰۰ مدرسه کانکسی در این استان خبر داد.

در آذربایجان غربی ۱۳۴ کلاس و در آذربایجان شرقی ۴۰۸ مدرسه کانکسی در مناطق شرقی وجود دارد. یعقوب علی نظری، استاندار خراسان رضوی، نیز از وجود ۲۰۰ مدرسه کانکسی و ۲۰ مدرسه سنگی در استان خود خبر میدهد.^{۵۴} مهرااله رخشانی مهر، رئیس سازمان نوسازی مدارس، نیز آب پاکی را روی دست مردم ریخته و ضمن «معماری اصیل» خواندن مدارس می گوید که «برنامه ای هم برای جمع آوری آنها نداریم.»^{۵۵}

بهداشت و درمان

زندگی در شرایط فقر و بدون زیر ساخت های لازم زندگی، سلامت روانی، جسمی، اجتماعی و جنسی میلیون ها زن ایرانی را به مخاطره می اندازد. آنان در شرایط شدت تبعیض آمیز متأثر از قوانین زن ستیزانه حکومت ملایان که بر فرهنگ پدرسالارانه سنتی هم سوار می شود مجبور به زایمان زودرس و زایمان های مکرر می شوند حال آنکه از بهداشت باروری و بارداری، زایمان سالم، مراقبتهای بهداشتی پس از زایمان و پیشگیری و درمان بیماری های شایع زنان محرومند^{۵۶}

زنان مناطق محروم خودشان باید به داد خودشان برسند چرا که مسیر محل استقرارشان تا مراکز پزشکی بسیار دور است. تغذیه مادران باردار با مشکل روبرو بوده و دسترسی آنها به امکانات بهداشتی بسیار کم است. بسیاری از زنان روستایی هر سال یک بچه به دنیا می آورند. دختران و زنان روستایی و عشایر دچار سوء تغذیه هستند. چون سالانه چکاپ نمی شوند، سرطان ها دیر تشخیص داده می شود و بیماری در بدنشان پیشرفت می کند. این زنان شدیداً به خدمات دندانپزشکی نیاز دارند و نمی توانند از عهده هزینه آن بربایند. زنان روستا و عشایر از کمترین امکانات ورزش نیز محرومند.^{۵۷}

رسول ایزدی، رئیس شورای شهر خورویابانک خور گفت: مردم خورویابانک از حداقل های بهداشت و درمان محروم هستند. بیمارستان آفتاب هشتم در شهر خور ساخته شده است اما به غیر از پزشک عمومی، متخصص طب اورژانس و اطفال، هیچ پزشک متخصصی به صورت دائم ندارد. مردم این نقطه از حداقل امکانات بهداشتی محرومند. بیش از ۹۰ درصد بیماران اورژانسی شهرستان به شهرهای دیگر اعزام می شوند که علاوه بر تأخیر در اعزام، حرکت آمبولانس در جاده های دوطرفه و فرسوده منطقه، گاهی زمان طلایی درمان را از دست می دهند و در مسیر جان می بازند.

یک نفر دانش آموخته که بتواند سونوگرافی انجام بدهد در این بیمارستان وجود ندارد. اگر مردم نیازمند استفاده از دستگاه سونوگرافی باشند، باید با خرید خطرهای مختلف جاده ای، تن به سفر تا ۲۰۰ کیلومتر بدهند تا خودشان را به شهرهایی مانند اردکان یا میبد در استان یزد یا نائین در استان اصفهان برسانند. این شهرستان از حضور یک

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

متخصص زنان و زایمان و یا غربالگری هایی که سلامت جنین را تأیید می کنند، بی بهره است و خانواده ها در طول ایام بارداری چندین نوبت برای این موضوع باید به مرکز استان سفر کنند. وی با اشاره به طرح جوانی جمعیت که خامنه ای دستور آن را صادر کرده است گفت: مدیران اگر به جای اینکه به آمار جمعیتی نگاه کنند، به فاصله ها، به محرومیت منطقه و نبود زیر ساخت های لازم برای زندگی توجه کنند، قطعاً اتفاقات بهتری رخ خواهد داد.^{۵۸}

انتقال مادران باردار از روستاهای صعب العبور به مراکز درمانی، به دل برف و کولاک زدن، گذشتن از راه های صعب العبور، گاهی اوقات بیش از ۱۰ ساعت طول می کشد. روستاهای شهرستان هشترود و شهرستان چار اویماق جزو صعب العبورترین روستاهای آذربایجان شرقی به شمار می آیند.

عیسی بدری، کارشناس اورژانس شهرستان چار اویماق با اشاره به وجود حدود ۳۰۰ روستا در این شهرستان به ایسنا می گوید: راه اکثر این روستاها در فصل زمستان بسته است، مسیرهای گویجه قلعه، قرمیزی باغ و ذاکر کنده در چار اویماق در فصل سرما همیشه مشکل ساز هستند. تنها یک هلی کوپتر در کل شهرستان چار اویماق وجود دارد. فرشید خیری، کارشناس اورژانس شهرستان هشترود می گوید: در تمامی ماموریت ها یک همکار ماما هم با ما حضور دارد، در یکی از ماموریت ها که ساعت ۱۱ شب به یکی از روستاهای شهرستان اعزام شدیم، ۲۰ کیلومتر را برای رسیدن به مقصد نهایی طی کردیم و ساعت هفت صبح به پایگاه اورژانس برگشتیم.

او با اشاره به تعدد روستاهای هشترود و صعب العبور بودن آن ها، اظهار می کند: برف در این روستاها حتی در فصل بهار هم آب نمی شود. (سایت حکومتی روستا خبر - روایت های امدادگران اورژانس از عملیات انتقال مادران باردار در روستاهای صعب العبور - ۳ سال پیش) در آبانماه ۱۴۰۲ شاهد یکی از تراژدی های عدم برخورداری مناطق محروم از زیرساخت های درمانی بودیم. محمدامین نیکویی سرپرست اورژانس ۱۱۵ استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: ساعت ۱۲ ظهر روز ۳۰ آبان گزارشی مبنی بر زخمی شدن یک دختر ۱۷ ساله در منطقه عشایری شهرستان بهمئی به مرکز اعلام شد. پس از حدود سه ساعت و ۳۰ دقیقه پیاده روی، نیروهای اورژانس بر بالین مصدوم

فقدان خدمات پزشکی در روستاها



حاضر شدند. دختر زخمی از ناحیه پا خونریزی داشت، اقدامات اولیه درمانی و سرم تریابی انجام شد اما بدلیل کوهستانی و سخت گذر بودن منطقه امکان انتقال سریع به مراکز درمانی وجود نداشت. از اورژانس هوایی شهر شیراز مرکز استان فارس و شهر بهبهان در استان خوزستان درخواست بالگرد جهت کمک کردیم اما هر دو اورژانس غیرفعال بودند. دختر جوان که خون زیادی از بدنش رفته بود ساعت ۱۷.۳۰ دقیقه در مسیر انتقال به شهرستان بهمئی دچار ایست قلبی تنفسی شده و فوت کرد.

خونریزی و تاخیر در انتقال به مراکز درمانی بعلت صعب العبور بودن منطقه، علت فوت این دختر جوان بود. وی افزود: تاکنون برای ۷ مورد شامل انتقال زن باردار، مارگزیده، سقوط از ارتفاع و سکنه مغزی و قلبی و سوانح و حوادث، به امداد هوایی در مناطق محروم، دور افتاده نیاز داشته ایم اما بدلیل نبود بالگرد نتوانسته ایم به آنها امدادسانی کنیم دو نفر از آنها فوت کردند!^{۵۹}

بر اساس آمارهای سازمان نظام پزشکی، سرانه پزشک متخصص در کشورمان کمتر از ۶ پزشک به ازای هر ۱ هزار نفر جمعیت است که یک پنجم آمار کشورهای اروپایی است. مهرداد ویس کرمی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات می گوید: در بسیاری از مراکز استانها، حتی یک متخصص رادیولوژی خانم وجود ندارد. البته وضعیت

در مناطق و نواحی محروم به مراتب بدتر و تأسف بارتر است. وی ضمن اشاره به سیاست های ضد مردمی حکومت آخوندی می گوید: آنهایی که با افزایش پزشکان مخالفت می کنند، بهتر است از منازل خود به بیرون بروند و سری به مناطق کم برخوردار بزنند. این افراد فقط به نفع عده ای خاص صحبت می کنند و به حال مردمی که ساعتها در صفوف طولانی بیمارستانها به انتظار می نشینند، فکری نمی کنند.^{۶۰}

کمال حسین پور نماینده دیگر مجلس می گوید: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بحث عدالت در توزیع منابع این حوزه را به طور کلی فراموش کرده است. مراکز برخوردار هر روز برخوردارتر می شوند و فاصله آنها با مراکز کم برخوردار هر روز بیشتر می شود. سرانه های بهداشتی و درمانی در بسیاری از شهرستانهای محروم و مرزی بسیار پایین است و برای بهبود این وضعیت نابسامان اقدامی نمی شود و درب بر همان پاشنه سابق می چرخد. مردم مخصوصاً در شهرستانهای محروم و مرزی برای پیگیری کوچکترین مشکلات خود در حوزه بهداشت و درمان مجبور می شوند به شهرستانهای دیگر یا مراکز استان یا تهران مراجعه کنند. مردم از این وضعیت ناراضی هستند و گلایه دارند از وعده های متعددی که داده می شود.^{۶۱}

راههای فرسوده و صعب العبور که به مقصد نمی رسند

جاده های بی کیفیت، شب های تاریک، کمبود علائم راهنمایی و رانندگی، چاله های عمیق، دره های مرگبار، پیچ های بدون گارد ریل و حفاظ و سرانجام جاده هایی با عمق کم و تردد بسیار، گوشه ای از شرایط وخیم مسیرهای مواصلاتی مناطق کوهستانی است که به جاده های مرگ معروفند. اما گوش مقامات رژیم بدهکار نیست.^{۶۶}

هادی توازهی، رئیس اداره راه و شهرسازی شهرستان فریدونشهر اصفهان، از وجود ۱۷۰ کیلومتر جاده خاکی و شوشه خبر داد و افزود که ۳۰۰ کیلومتر دیگر جاده های این منطقه هم فرسوده هستند.^{۶۷}

در مناطق روستایی اما اصلا جاده ای کشیده نشده است. جاده روستای ذق برفی از توابع شهرستان پلدختر به صورت خاکی و بدون روکش آسفالت است به طوری که هیچ خودرویی قادر به عبور از این مسیر نمی باشد. این مشکل در فصل بارندگی به اوج خود می رسد. حال آنکه این جاده علاوه بر روستای ذق برفی مسیر عبور ۴ روستای دیگر نیز می باشد.^{۶۸}

در استان قزوین، ۵۴۰۰ کیلومتر راه روستایی نیازمند زیرسازی و آسفالت است. در حالیکه این استان از لحاظ راه ارتباطی موقعیت ویژه ای دارد و ترافیک عبوری ۱۳ استان را بر عهده دارد و سالانه حدود ۲۰۰ میلیون خودرو از محورهای آن عبور می کنند.^{۶۹}

جاده دره کاید یک منطقه عشایری از توابع شهرستان دزفول در استان خوزستان است. خاکی و بسیار صعب العبور است و تعداد زیادی از اهالی این منطقه در این جاده جان خودشان را از دست داده اند.^{۷۰}

مشکلات روستاهای محروم و مناطق صعب العبور چهارمحال و بختیاری پایان ندارد، جاده دسترسی مناسب، امکانات اولیه بهداشتی و درمانی، آب آشامیدنی، آب مورد نیاز کشاورزی از جمله مهم ترین نیازهای مردم ساکن در این مناطق است.

عمده روستاهای مناطق محروم چهارمحال و بختیاری فاقد جاده دسترسی آسفالت هستند و با اولین بارش پاییزی جاده دسترسی آنها مسدود می شود. نبود جاده مناسب و قطع همه ارتباطات روستا در فصول بارندگی یکی از دلایل مهاجرت

عدم رسیدگی به راههای مواصلاتی و ساخت راههای بی کیفیت با هدف سودجویی بیشتر، طریقه دیگری است که حکومت آخوندی از مردم ایران تلفات می گیرد. به گفته کمال هادیانفر، رئیس پلیس راهور رژیم، طی ۸ ماه سال ۱۴۰۲، چیزی معادل یک ماه بمباران در غزه، یعنی ۱۲.۵۰۰ نفر در ایران در تصادفات جاده ای کشته شده اند. آمارهای حکومتی، در طول یک تا ۲ سال اخیر میزان تصادفات علیرغم کاهش مسافرت و استفاده از خودروهای شخصی، رشد چند برابری داشته است. علت ۲۰ تا ۳۰ درصد تصادفات، بی کیفیت بودن راهها به دلیل تخصیص نیافتن بودجه کافی و همچنین شناسایی نشدن نقاط حادثه خیز باعث شده که میزان تصادفات افزایش یابد.

احمد خرم وزیر اسبق راه و شهرسازی اعتراف کرده است که «نقاط حادثه خیز در ایران در مقایسه با سایر کشورها بسیار بیشتر است. سطح سرویس مناسبی در جاده های کشور ارائه نمی شود که این خود باعث افزایش میزان خستگی در زمان رانندگی می شود.» وی همچنین گفت: در سال ۸۱ اولویت اول در بخش ساخت راهها، اتوبان سازی بود و همین موضوع باعث شد که توجه به راههای روستایی و راههای اصلی کاهش یابد و تمرکز تمامی بخش های راهی کشور بر اتوبان سازی افزایش یابد.^{۶۳} محمد بخارایی مدیرعامل انجمن طرفداران ایمنی راهها نیز گفته است: وضعیت نگهداری راهها به دلیل کمبود اعتبارات بسیار کمتر شده است. در زمان بهره برداری از راهها شاهد آن هستیم که استانداردهای لازم رعایت نمی شود.^{۶۴}

حسین میرشفیعی، مشاور وزیر راه و شهرسازی در بخش توسعه راهها و مدیرعامل انجمن خیرین راه نیز گفته است: سالیانه شاهد ۱۷ هزار کشته در جاده های کشور به دلیل نبود ایمنی هستیم. یکی از اصلی ترین دلایل وقوع تصادفات در جاده های کشور رفع نشدن نقاط حادثه خیز در کشور است. در چند سال گذشته به دلیل افزایش قیمت قیر، بسیاری از پیمانکاران از قیرهای بی کیفیت جهت آسفالت کردن استفاده می کنند که این موضوع خود زمینه ساز افزایش تصادفات و کشته های جاده ای شده است.^{۶۵}

شرایط وخیم جاده ها و عدم رسیدگی به راههای مواصلاتی و ساخت راههای بیکیفیت با هدف سودجویی بیشتر، طریقه دیگری است که حکومت آخوندی از مردم ایران تلفات می گیرد.

سالیانه ۱۷ هزار نفر در جاده های کشور به دلیل نبود ایمنی کشته می شوند.

روستاییان است. این روستاییان برای حمل نیازهای اساسی اولیه مانند نفت، کپسول گاز و آرد با مشکل مواجه هستند. دانش آموزان نیز برای تردد با مشکل مواجه هستند. در هر کدام از این روستاهای منطقه بالغ بر ۱۰۰ خانوار سکونت دارند. با وجود این شرایط، این روستاها فاقد هر گونه ماشین آلات راهداری بوده و حتی خودروی جمع آوری زباله نیز ندارد. فرخنده علیجانی، دهیار یکی از این روستاها می گوید: این روستا نمایندگی شعبه نفت و کپسول گاز ندارد، هزینه حمل ۲۰۰ لیتر نفت حدود ۳۰۰ هزار تومان است و مردم روستا توان پرداخت آن را ندارند.^{۷۱}

دهستان مهبان نیکشهر با وجود جمعیتی بالغ بر ۱۵ هزار نفر از راه آسفالت مناسب برخوردار نیست. در زمان بارندگی ها تا یک ماه، تردد به این روستاها فقط با امدادسانی هوایی امکانپذیر است. مرادبخش ویدادزی، رئیس شورای دهستان، ضمن اشاره به بی عملی مقامات رژیم اعتراف می کند: هم مسئولان و هم نمایندگان مجلس اول قول داده اند ولی حتی در حد روکش آسفالت را انجام نداده اند. خیرالنساء امیری، رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیکشهر نیز می گوید: در طول سه تا چهار دهه ساکنان ۲۳ روستای دو منطقه گرگان و داروکان با ۲ هزار نفر جمعیت، در انتظار آسفالت راه هستند. با وجود پیگیری ها و تصویب اعتبارات هیچ اقدامی برای احداث جاده صورت نگرفته است. در حالیکه در این روستاها علاوه بر راه، هیچ گونه خط ارتباطی هم وجود ندارد و مردم برای یک تماس تلفنی باید کیلومترها راه طی کنند.^{۷۲}

آرزوی روستاییان شهرستان کوهرننگ تنها یک جاده ارتباطی خاکی است نه آسفالت. این روستاها هیچ راه ارتباطی ندارند و مایحتاج خود را با الاغ و قاطر جابجا می کنند. اینجا تلویزیون و رادیو ناآشنا است، خدمات بهداشتی و خانه بهداشتی وجود ندارد. تنها راه ارتباطی آنها یک سیم بسکل با طناب است که آنها را از روی رودخانه به سمت استان لرستان جابجا می کند. این سیم هم بسیار فرسوده است و تا به حال چندین بار پاره شده و حوادث غم انگیزی به بار آورده است.^{۷۳}

شهرستان بشاگرد به عنوان محرومترین شهرستان در کشور معروف است. یکی از دلایل محروم ماندن بشاگرد راههای

ارتباطی این شهرستان است. ۸۰ تا ۹۰ درصد راههای روستایی این شهرستان خاکی و صعب العبور است و این شهرستان ۱۶۴۱ کیلومتر راه خاکی دارد. مسیرهای خاکی و خطرناک بشاگرد بارها منجر به حوادث دلخراش شده است که یکی از تلخ ترین این حادثه ها، غرق شدن دانش آموزان دختر بخاطر نبود پل بر روی رودخانه جگین بوده است. با بارش باران و طغیان رودخانه های فصلی، مسیرهای خاکی چند برابر صعب العبور می شود. با هر بارندگی ارتباط بسیاری از روستاها به مرکز شهرستان قطع می شود و گاهی تا چند روز طول می کشد. در این حیث، تراژدی هایی نظیر سقط جنین مادران باردار در راه مانده تکرار می شود. مواد غذایی و آرد مردم آنقدر در راه می ماند که فاسد می شود. علی بهروزه، امام جمعه بشاگرد، نیز به بی عملی مقامات حکومت آخوندی صحنه گذاشته و می گوید: مسئولان استان در بحث تأمین ادوات راهداری بارها قول داده اند ولی اقدام جدی و موثری صورت نگرفته است. مسئولین یا قول ندهند یا به وعده خود جامع عمل بپوشانند. اسماعیل کاظمی، رئیس اداره راه و شهرسازی بشاگرد، نیز گفت: بودجه اداره راه و شهرسازی شهرستان بشاگرد در سال ۹۷ صفر بوده است.^{۷۴}

اهالی ۶ روستای تابع بخش قره پشتلو زنجان سالها است که چشم انتظار وعده مقامات رژیم برای آسفالت ریزی ۱۵ کیلومتری راه ارتباطی هستند. در این مدت بسیاری از روستاها خالی از سکنه شدند. دسترسی بسیار سخت اهالی روستا به مراکز درمانی، مسیرهای صعب العبور در زمستان، عدم مراجعه خریداران محصولات کشاورزی به دلیل راه نامناسب روستا و... از مشکلاتی است که مردم را از ماندن در روستا ناامید می کند. یکی از اهالی روستای اوراچی اظهار کرد: ۱۵ کیلومتر مسیر روستایی اوراچی تا زنجان رود به صورت مستقیم از ۶ روستا می گذرد و به جاده تبریز اتصال پیدا می کند. ۵ سال قبل مسئولان به ما گفتند که اعتبارات لازم برای آسفالت ریزی این راه تأمین شده است اما تاکنون آسفالت ریزی انجام نشده است. یکی دیگر از اهالی شکایت می کند: هیچ خودرویی حاضر نیست اهالی این روستا را به خاطر وضعیت نامناسب راه به روستا برساند. محصولات کشاورزی این روستا بر روی

نا امنی جاده ها



راه آهن در برخی نقاط سبب شده تا مسیر دسترسی مردم به اراضی کشاورزی و نقاط سکونتی و تردد قطع شود.

دست کشاورزان می ماند و با قیمت پایین به خریداران فروخته می شود. اگر کسی در این روستا مریض شود به سختی می تواند خود را به مراکز درمانی برساند.^{۷۵} ساکنان دهستان مهبان نیکشهر از سوء استفاده قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران در احداث راه آهن چابهار- نیکشهر به ایرانشهر گلایه دارند.

نتیجه گیری

متأسفانه نمی شود در شرایط فساد و سانسور رژیم، اطلاعات کاملی از وضعیت نابسامان فقر و محرومیت مردم ایران ارائه داد. اما همین مشت نمونه خروار که همگی از گزارشات رسانه های حکومتی جمع آوری شده نشان می دهد که چرا مردم ایران دیکتاتوری مذهبی حاکم را نمی خواهند. به خوبی می بینیم که مردم ایران و بخصوص زنان ایرانی تحت حاکمیت این جنایتکاران، دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. این است که قیام های پی در پی، علیرغم سرکوب وحشیانه و خونین و اعدام های رو به گسترش هر روز رادیکال تر شده و سر باز ایستادن ندارد. مردم ایران به هر طریق آزادی و حقوق خود را از حلقوم این رژیم بیرون خواهند کشید. اما در سینه تاریخ ثبت خواهد شد که چه کسانی به خاطر منافع اقتصادی کوتاه مدت در کنار دیکتاتوری ضد مردمی آخوندی ایستادند و چه کسانی به ندای وجدان خود پاسخ داده و در جهت کوتاه تر شدن رنج مردم و زنان ایران قدم برداشتند. کافی است که ارگان های بین المللی از جمله زنان سازمان ملل بر ارزش های جهان شمولی که بر آن اساس بنیاد گذاشته شده اند پای بشارند.

سپاه در ۱۰ سال گذشته با تردد شبانه روزی ماشین آلات سنگین راه آهن، راه هیتک به متسنگ بطول ۵۰ کیلومتر را کاملاً تخریب کرده است و مردم هم اینک با سختی تردد می کنند و متحمل هزینه های زیادی هستند چون این راه حالت سمباده پیدا کرده و لاستیک خودروهای سواری را از بین می برد. ۱۱۵ کیلومتر راههای روستایی این منطقه خاکی است. حداقل ۵۳ محدوده پرتگاهی به دره و رودخانه، ۲۲ کیلومتر نقاط حادثه خیز، حداقل ۳۴ پیچ خطرناک بدون تابلو هشدار در منطقه وجود دارد. بیشتر مدارس روستایی فاقد حصارکشی و سرویس بهداشتی و حتی شیشه پنجره است و از آب لوله کشی و تانکر نیز خبری نیست. بسیاری از خانه بر اثر انفجاری های انجام شده برای بازگشایی مسیر راه آهن ترک خورده و آسیب دیده اند ولی متأسفانه حتی بازدید و برآورد خسارت صورت نگرفته است. جاسم صادقی، نایب رئیس شورای روستای میشود، شکایت می کند: از وقتی مسیر ساخت ریل در نزدیکی روستای میشود آغاز شده مشکلات چند برابر شده بطوریکه هم اینک با خاگریزی لوله آب روستا که از چشمه بالادست روستا مهار شده و به صورت ثقلی به منبع آب هدایت می شود زیر خاک رفته و چندین نقطه لوله ترکیده و یا کلاً له و تخریب شده است. عبور

پاورقی

۱. سایت حکومتی اعتماد آنلاین - ۲ تیر ۱۳۹۹ (گودال‌ها، محل زندگی جدید زنان سرپرست خانوار بعد از افزایش قیمت مسکن)
۲. (خبرگزاری حکومتی رکنا- ۲۵ آذر ۱۳۹۸)
۳. روزنامه حکومتی آرمان امروز - ۶ میلیون حداقل اجاره حاشیه نشینی در تهران - ۲۱ دی ۱۴۰۱
۴. خبرگزاری حکومتی رکنا- ۲۵ آذر ۱۳۹۸
۵. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۶. خبرگزاری حکومتی مهر - انباشت فاجعه بار جمعیت در حواشی شهرها - ۴ شهریور ۱۴۰۲
۷. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۸. سایت جامعه اندیشکده ها - عارضه یابی موضوع حاشیه نشینی در ایران - ۳۰ بهمن ۱۳۹۸
۹. خبرگزاری حکومتی دانشجو - ۴ استان با بیش از یک میلیون حاشیه نشین - ۲۲ آبان ۱۴۰۱
۱۰. سایت حکومتی انصاف - ۲۲ ویژگی حاشیه‌نشینی - ۴ مهر ۱۳۹۵
۱۱. سایت بی بی سی فارسی - حاشیه نشینی حدود ۲۰ میلیون نفر در ایران - ۲۶ بهمن ۱۴۰۰
۱۲. سایت مدیریت برنامه ریزی استان تهران - گزارش ویژه وضعیت حاشیه نشینی در استان تهران | ۲۳ میلیون زندگی غیر رسمی! - ۱۹ آبان ۱۳۹۸
۱۳. سایت حکومتی میدان - ۳۱ درصد مردم تهران؛ ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی - ۱۲ مهر ۱۴۰۰
۱۴. باشگاه خبرنگاران جوان - توسعه نامتوازن شهرها و حاشیه نشینی / جمعیت شهر تهران بیش از ظرفیت است - ۳۰ فروردین ۱۴۰۲
۱۵. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۱۶. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۱۷. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۱۸. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۱۹. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۲۰. سایت حکومتی همشهری - روایت حاشیه نشینی در ۳۰ استان - ۱۳ تیر ۱۴۰۰
۲۱. سایت حکومتی روز نیوز - زنان حاشیه نشین و فرهنگ فقر - ۲۷ بهمن ۱۳۹۹

۲۲. خبرگزاری حکومتی مهر - انباشت فاجعه بار جمعیت در حواشی شهرها - ۴ شهریور ۱۴۰۲
۲۳. خبرگزاری حکومتی دانشجو - ۴ استان با بیش از یک میلیون حاشیه نشین - ۲۲ آبان ۱۴۰۱
۲۴. سایت حکومتی آفتاب - تصاویر | حاشیه نشینی در دل شهر - ۱۶ فروردین ۱۴۰۲
۲۵. خبرگزاری حکومتی رکنا - ۱۵ مهر ۱۳۹۹
۲۶. هوتگ ها گودال های نسبتاً بزرگی هستند که آب حاصل از بارندگی در آن ها جمع می شود. آب هوتگ ها برای همه مصارف از جمله آشامیدن، شستن لباس و ظروف استفاده می شود. احشام و دام ها هم از هوتگ ها آب می نوشند. هوتگ ها نه استاندارد مشخصی دارند و نه حفاظی برای ممانعت از غرق شدگی. خطر این هوتگ ها علاوه بر عمق زیادشان در وجود تمساح گاندر و آنهاست.
۲۷. خبرگزاری رسمی ایرنا - ۱ مرداد ۱۳۹۸
۲۸. سایت حکومتی اقتصاد - روایتی ناتمام از بحران آب در سیستان و بلوچستان - ۱۷ شهریور ۱۳۹۸
۲۹. سایت حکومتی - تنها شهری در ایران که آب لوله کشی ندارد / نصف مصرف یک نفر در تهران برای یک خانواده سیرکانی! - ۲۴ شهریور ۱۴۰۱
۳۰. سایت حکومتی جوان - روستاهای بدون لوله کشی آب در انتظار عملی شدن وعده‌ها - ۱۶ خرداد ۱۴۰۱
۳۱. خبرگزاری حکومتی تسنیم - "سیرکان" تنها شهر بدون آب لوله کشی ایران/ اینجا همیشه بی‌آب است/ آبرسانی سقایی هر ۲۱ روز یک بار - ۱۷ اسفند ۱۴۰۰
۳۲. خبرگزاری حکومتی فارس - ۲۰ مرداد ۹۹
۳۳. زندگی روستاییان بون آب لوله کشی چگونه می گذردسایت تی پی سی ایران
۳۴. خبرگزاری حکومتی تسنیم - روایت تسنیم از کم‌آبی در ۴۰۰ روستای خراسان جنوبی /... - ۵ خرداد ۱۳۹۹
۳۵. باشگاه خبرنگاران جوان - فریاد بی آبی روستاهای جنوب کشور - ۵ فروردین ۱۳۹۹
۳۶. خبرگزاری حکومتی ایرنا - بی آبی در کرمان و مجوز ساخت بدون زیرساخت - ۱۲ آبان ۱۴۰۰
۳۷. خبرگزاری حکومتی ایسنا - فرسودگی ۷۰ درصد بیمارستان‌های کشور / درخواست‌های مکرر از سازمان برنامه و بودجه - ۲۰ دی ۱۴۰۱
۳۸. سایت حکومتی عصر ایران - وزارت بهداشت: ۱۵۵ هزار تخت بیمارستانی فرسوده در کشور داریم/ برخی بیمارستان ها ۱۰۰ سال قدمت دارند - ۸ مرداد ۱۴۰۲
۳۹. خبرگزاری حکومتی ایرنا - ۵۰ بیمارستان تهران فرسوده است - ۱۹ مهر ۱۴۰۲

۴۰. خبرگزاری حکومتی رکنا - شهروندان قزوین از وضعیت بیمارستان های شهر و کمبود مراکز درمانی گلایه دارند- ۱۹ مرداد ۱۴۹۹
۴۱. خبرگزاری حکومتی ایلنا - دولت نگاه ویژه‌ای به درمان گلستان داشته باشد/بیشتر بیمارستان های استان فرسوده هستند - ۱۱ آذر ۱۴۰۲
۴۲. خبرگزاری حکومتی ایرنا - ساختمان فرسوده بیمارستان چابهار چشم‌انتظار توجه؛ دستور ویژه و ورود منطقه آزاد
۴۳. خبرگزاری حکومتی مهر - بیمارستان دهدشت روایتگر کمبود ها/خدمات رسانی با چاشنی فرسودگی - ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲
۴۴. خبرگزاری حکومتی ایرنا - زنگ خطر فرسودگی بیمارستان‌های شیراز به صدا در آمده است - ۲۳ خرداد ۱۴۰۲
۴۵. خبرگزاری حکومتی ایسنا - بیمارستان‌های فرسوده و ایمنی‌سنجی که فراموش شد... - ۲۰ خرداد ۱۴۰۱
۴۶. خبرگزاری حکومتی ایرنا - ۸۰ سال دیگر با مدارس فرسوده - ۳۰ دی ۱۳۹۷
۴۷. خبرگزاری حکومتی فارس - فرسودگی ۱۹٫۵ درصد مدارس کشور/ وقتی پدرها برای مرمت مدرسه قدیمی آستین همت بالا زدند - ۳۰ آذر ۱۴۰۰
۴۸. خبرگزاری حکومتی مهر - ۳ میلیون دانش آموز در مدارس بسیار فرسوده تحصیل می کنند - ۲۸ آبان ۱۴۰۲
۴۹. خبرگزاری حکومتی ایلنا - زمان در مدارس فرسوده ایستاده است ... - ۲۶ تیر ۱۴۰۰
۵۰. خبرگزاری حکومتی ایسنا - وجود ۴۵۰ مدرسه فرسوده و خطرساز در البرز - ۲۵ شهریور ۱۳۹۸
۵۱. سایت حکومتی تجارت - وعده جدید از برچیده شدن مدارس کانکسی/ فعالیت ۱۲ هزار مدرسه کپری و خشتی در ایران - ۲۰ خرداد ۱۴۰۱
۵۲. سایت حکومتی تجارت - وعده جدید از برچیده شدن مدارس کانکسی/ فعالیت ۱۲ هزار مدرسه کپری و خشتی در ایران - ۲۰ خرداد ۱۴۰۱
۵۳. سایت حکومتی عصر ایران - ببینید کودکان در شهرها و روستاهای سیستان و بلوچستان چطور درس می خوانند/... - ۱۷ آبان ۱۴۰۲
۵۴. سایت حکومتی تجارت - وعده جدید از برچیده شدن مدارس کانکسی/ فعالیت ۱۲ هزار مدرسه کپری و خشتی در ایران - ۲۰ خرداد ۱۴۰۱
۵۵. خبرگزاری حکومتی ایسنا - چرایی بازگشت مدارس کپری بعد از جشن پایان مدارس کپری - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹
۵۶. روزنامه شرق - فقدان بهداشت منجر به سقط های مکرر در زنان ساکن حاشیه شهر - ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱
۵۷. خبرگزاری حکومتی رکنا - ۱۵ مهر ۱۳۹۹
۵۸. خبرگزاری حکومتی مهر - مردم خورویبایانک محروم از خدمات بهداشتی و درمانی - ۹ آذر ۱۴۰۱
۵۹. خبرگزاری حکومتی ایسنا - بالگرد اورژانس نبود، دختر ۱۷ ساله عشایری فوت کرد - ۱ آذر ۱۴۰۲

۶۰. سایت حکومتی تابناک - وضعیت وخیم بهداشت و درمان در مناطق محروم/ در بسیاری از مراکز استان‌ها، متخصص رادیولوژی خانم نداریم - ۱۴ مهر ۱۴۰۰
۶۱. سایت حکومتی خبر آنلاین - عملکرد ضعیف وزارت بهداشت در رسیدگی به مناطق محروم؛ «مردم راضی نیستند» - ۲۳ مرداد ۱۴۰۱
۶۲. خبرگزاری حکومتی ایسنا - مرگ ۱۲۵۰۰ نفر در تصادفات رانندگی در ۸ ماهه امسال ... - ۲۱ آذر ۱۵۰۲
۶۳. باشگاه خبرنگاران جوان - جاده‌های بی کیفیت با طعم حادثه برای رانندگان/ سالیانه ۱۷ هزار نفر در تصادفات جاده‌ای فوت می کنند - ۱۲ آبان ۱۳۹۸
۶۴. باشگاه خبرنگاران جوان - جاده‌های بی کیفیت با طعم حادثه برای رانندگان/ سالیانه ۱۷ هزار نفر در تصادفات جاده‌ای فوت می کنند - ۱۲ آبان ۱۳۹۸
۶۵. باشگاه خبرنگاران جوان - جاده‌های بی کیفیت با طعم حادثه برای رانندگان/ سالیانه ۱۷ هزار نفر در تصادفات جاده‌ای فوت می کنند - ۱۲ آبان ۱۳۹۸
۶۶. سایت حکومتی خبر آنلاین - جاده های فرسوده و پرخطر شمال استان خوزستان نیاز به بهسازی و تعریض دارند - ۲۴ اسفند ۱۴۰۰
۶۷. سایت حکومتی بنا - ۱۷۰ کیلومتر راه روستایی در منطقه صعب العبور فریدونشهر در انتظار ۱۲۰ میلیارد تومان اعتبار - ۱۲ آذر ۱۳۹۸
۶۸. باشگاه خبرنگاران - جاده صعب العبور اهالی روستای ذق برفی پلدختر را به دردرس انداخت - ۳۱ خرداد ۱۴۰۲
۶۹. خبرگزاری حکومتی مهر - زیرسازی و آسفالت راههای روستایی قزوین ۸۰۰ میلیارد تومان نیاز دارد - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹
۷۰. باشگاه خبرنگاران - جاده خاکی خطرآفرین روایت این روزهای اهالی دره کاید - ۲۷ خرداد ۱۴۰۱
۷۱. خبرگزاری حکومتی ایسنا - خدمات‌رسانی به روستاهای محروم در دست‌انداز جاده‌های خاکی - ۱۵ آذر ۱۴۰۱
۷۲. باشگاه خبرنگاران جوان - مردم دهستان مهبان نیکشهر چشم انتظار آسفالت راه خاکی - ۰۵ بهمن ۱۴۰۱
۷۳. سایت حکومتی جهانبین - مردمی که آرزویشان تنها یک جاده ارتباطی خاکی است - ۱۹ شهریور ۱۳۹۳
۷۴. خبرگزاری حکومتی فارس - کمبود امکانات قربانی می گیرد/ نبود تجهیزات راهداری علت سقط جنین در بشاگرد - ۱۲ اسفند ۱۳۹۷
۷۵. سایت حکومتی موج رسا - چشم‌انتظاری مردم ۶ روستای زنجان برای ۱۵ کیلومتر آسفالت‌ریزی راه ارتباطی - ۳۰ فروردین ۱۴۰۱

ثروت غارت شده

داستان ثروت غارت شده زنان ایران

گزارش به شصت و هشتمین اجلاس کمیسیون مقام زنان



women.ncr-iran.org



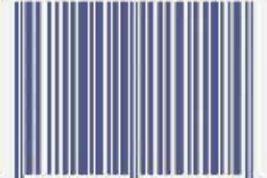
@womenncri



@womenncri



ISBN 978-2-35822-019-4



9 782358 220194 >